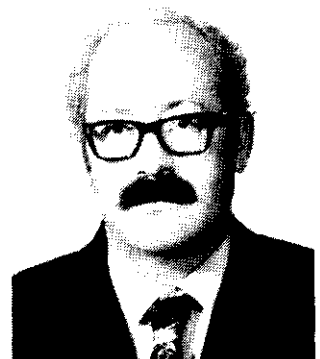


مقررات ورشکستگی در حقوق ایران

✽ فتح الله شقاقی نژاد

مقاله حاضر در آغاز از شکل کنونی خود مفصلتر بود و مطالب گسترده تری را در زمینه موضوع مورد بحث در بر می گرفت؛ از جمله در آن به قلمروهای علمی، کارشناسی و تحلیل تکنیکی حقوقی ورشکستگی پرداخته شده بود. اما نظر به اینکه از طرح این بحث، تنها به جنبه های کاربردی آن در حوزه کار و فعالیت شغلی حسابداران و حسابرسان توجه داشتیم، با نظر نویسنده در جهت اختصار آن کوشیدیم و حذف بخشی از مطالب آن را از ایشان درخواست کردیم. از این رو چنانچه خوانندگان آشنا با مسائل حقوقی، کمبودهایی در این مقاله ملاحظه کردند، باید آن را به حساب الزامهای اجتناب ناپذیر ماهنامه بگذارند.

حسابدار



ورشکستگی از مباحث بسیار مهم قانون تجارت است که با وجود اهمیت، هنوز چنانکه باید شناخته نشده است. اهمیت ورشکستگی در آن است که عوارض و آثار منفی آن، تنها دامنگیر تاجر یا شرکت ورشکسته نمی‌شود بلکه بسته به وسعت دامنه فعالیت تاجر یا شرکت تجاری، اشخاص ثالث و طلبکاران و طرفهای معامله با تاجر یا شرکت نیز از آن متضرر می‌شوند و گاه، در صورت گستردگی فعالیت شرکت، به ورشکستگیهای دیگر و بیکار شدن کارگران و کارمندان آنها نیز می‌انجامد و پیامدهای ناگواری برای اقتصاد کشور به بار می‌آورد.

با توجه به چنین آثار زیانباری است که قانون به اندیشه رویارویی با آن افتاده است. و در همین راستاست که قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مشتمل بر شانزده باب و ششصد ماده، در باب یازدهم و دوازدهم (از ماده ۴۱۲ تا ۵۷۵) ۱۶۴ ماده یا در حقیقت بیش از یک چهارم مواد را به مقررات ورشکستگی اختصاص داده است. علاوه بر این در سال ۱۳۱۸ شمسی، که پیشرفت امور تجاری و تشکیل شرکتهای متعدد بازرگانی تدوین مقررات اطمینانبخش تری را ایجاب می‌کرد، قانون تصفیه امور ورشکستگی در ۶۰ ماده

به تصویب رسید و وزارت دادگستری مأمور اجرای آن شد. با این ترتیب وظایف و حقوق تمام دست‌اندرکاران امر ورشکستگی اعم از تاجر یا شرکت ورشکسته، طلبکاران، مدعی‌العموم، دادگاه، عضو ناظر، مدیر تصفیه و اداره کل تصفیه امور ورشکستگی در ۲۲۴ ماده به‌طور مشروح توضیح داده شده و کوشش شده است راههای حیف و میل اموال ورشکسته به زیان طلبکاران و اشخاص ثالث بسته شود و در عین حال، با سرعت بخشیدن به امر تصفیه، و به‌کار گرفتن تمهیداتی راه بازگشت تاجر ورشکسته به زندگی عادی تجاری هموار گردد.

علت عمده ناشناخته ماندن مقررات ورشکستگی این است که عامه مردم با ورشکستگی سروکار ندارند. زیرا از بین افراد جامعه تعداد اندکی تاجرند و از بین تاجر شمار اندکی دچار ورشکستگی می‌شوند و از بین ورشکستگان، بسیاری با وساطت سایر تاجر و مصلحت‌اندیشان بدون مراجعه به دادگستری امر ورشکستگی خود را فیصله می‌دهند و به‌نحوی با طلبکاران (که بیشتر وقت و حوصله مراجعه به دادگاه را ندارند) کنار می‌آیند و بسازش می‌رسند و در صورت طرح در دادگستری نیز شعب خاصی از دادگاهها مأمور رسیدگی به آن هستند. بنابراین قضات و وکلای دادگستری هم نسبت به سایر دعاوی و امور، برخورد کمتری با دعاوی ورشکستگی دارند.

نتیجه طبیعی این مقدمات آن است که نوشته حاضر می‌کوشد موشکافانه و به‌شکلی تحلیلی، راه کار و چگونگی رسیدگی و دفاع در دعاوی ورشکستگی را

ارائه دهد. معلوم شود که مقررات آیین دادرسی مدنی در مورد ورشکستگی تا چه حد لازم‌الرعایه است؟ رسیدگی به امر را چگونه باید آغاز کرد و به‌چه نحو به پایان برد و مسائل دیگری از این قبیل. ولی نظر به اینکه مخاطبان این نوشتار عمدتاً حساب‌برسان و آشنایان به علم یا فن حسابداری و احتمالاً بازرسان شرکتهای هستند لذا سعی خواهد شد از بحثهای نظری محض خودداری شود و مطالب با رعایت اختصار و فشرده‌گی و جامعیت نسبی و جنبه کاربردی بیشتر عرضه گردد.

حساب‌برسان و بازرسان شرکتهای برطبق قانون تشکیل سازمان حسابرسی مصوب ۶۲/۱۰/۵ و اساسنامه سازمان مذکور مصوب ۶۶/۶/۱۷ و موادی از قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ اختیارات و وظایفی را برعهده دارند که ذکر تمامی آنها در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. اهم این وظایف عبارت است از: اظهارنظر درباره صحت و درستی صورت‌داری و صورت‌حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه‌ای که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند، دادن گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی، انجام امور حسابرسی دستگاههایی که برطبق اصول ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی مالکیت عمومی بر آنها مترتب است، انجام امور حسابرسی شرکتهای، موسسات و دستگاههایی که در مجموع بیش از ۵۰٪ سرمایه آنها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت و بانکها و موسسات بیمه و نظایر آن است و ورق بزیند

غیره. برای آنکه حسابرسان و بازرسان قادر به انجام وظایف خود باشند قانون اختیاراتی به آنان داده است که به کمک آن می‌توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام دهند و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کنند و مورد رسیدگی قرار دهند و در صورت لزوم از نظر کارشناسان استفاده کنند.

قبل از ورود به اصل مطلب شاید ذکر این نکته بیفایده نباشد که قانون تجارت در بیان مقررات ورشکستگی، در اکثر مواد به کلمه «تاجر» یا «تاجر ورشکسته» یا «تاجر متوقف» اکتفا کرده و جز در ماده ۴۱۲ و ۴۳۹ و ۵۰۶ و ۵۶۳ ذکری از شرکتهای تجارتي و ورشکستگی آنها به میان نیاورده است و ناگزیر ممکن است خواننده با این پرسش مواجه شود که ورشکستگی شرکتهای تجارتي تابع چه مقرراتی است و چگونه باید تصفیه شود و فیصله پذیرد؟ در پاسخ می‌توان به مواد ۴۱۲ و ۵۸۳ و ۵۸۸ قانون تجارت رجوع کرد، به این ترتیب:

اولاً ماده ۴۱۲ قانون تجارت با این عبارت: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تأديه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود...» تاجر و شرکت تجارتي را همسان و در عرض یکدیگر قرار داده و مشمول یک تعریف قرار داده است. ثانیاً طبق ماده ۵۸۳ همان قانون: «کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.» و مطابق ماده ۵۸۸ قانون یاد شده: «شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل

است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد، مانند حقوق و وظایف ایوت، بنوت و امثال ذلک».

بنابراین چون شرکتهای مذکور در ماده ۲۰ قانون تجارت دارای شخصیت حقوقی بوده و به منزله شخص هستند کلیه حقوق و تکالیف مربوط به ورشکستگی شامل آنها نیز می‌شود مگر آنکه با طبیعت آنها سازگار نبوده و مختص انسان باشد.

در قانون تجارت احکام پراکنده دیگری نیز در زمینه ورشکستگی شرکتهای وجود دارد، که از آن جمله است:

ماده ۱۹۹ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به این شرح: «شرکت سهامی در موارد زیر منحل می‌شود: ۱- ... ۲- ... ۳- در صورت ورشکستگی ۴- ... ۵- ...»

ماده ۲۰۰ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به این عبارت: «انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.»

ماده ۲۰۳ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ به این بیان: «تصفیه امور شرکت سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می‌گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می‌باشد.»

ماده ۱۲۷ قانون تجارت به این قرار: «به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.»

ماده ۱۲۸ قانون تجارت به این مضمون: «ورشکستگی شرکت تضامنی

ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا، و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.»

ماده ۲۰۲ قانون تجارت به شرح بین‌الهالین: «تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است.»

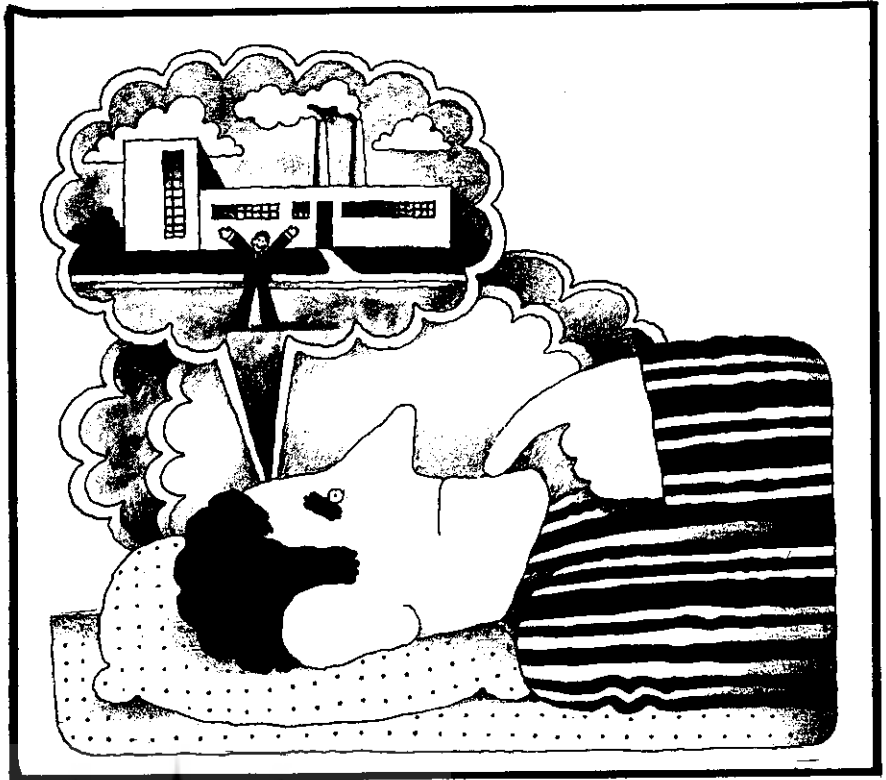
و بالاخره مواد ۱۳۱ و ۱۳۸ در مورد شرکتهای تضامنی، مواد ۱۵۲ و ۱۵۶ و ۱۵۸ و ۱۶۱ در مورد شرکتهای مختلط غیرسهامی و مواد ۱۷۱ و ۱۷۳ و ۱۷۵ در مورد شرکتهای مختلط سهامی.

با ذکر این مقدمه بحث در ۴ فصل: ۱- در کلیات ۲- در مقررات قانون تجارت ۳- در مقررات قانون تصفیه امور ورشکستگی و ۴- در مقررات مختلف دنبال می‌شود.

۱. کلیات

چه علل و عواملی موجب ورشکستگی می‌شود؟

علل و عوامل ورشکستگی بسیار متعدّد و متنوع است ولی می‌توان به مهمترین آنها اشاره کرد و در صورت لزوم توضیح مختصری داد؛ از آن جمله است: ۱- رکود و کسادى که موجب می‌گردد تاجر، قادر به



آثار و نتایج سوء آن تنها دامنگیر شخص تاجر نمی‌شود و ممکن است به سایر تجار و شرکتهای تجارتی نیز سرایت کند و زنجیرهٔ ورشکستگیهای پی در پی تجارت و اقتصاد کشور را تهدید کند. از این رو قانونگذار ترتیباتی را در نظر گرفته است؛ مانند سرعت در رسیدگی، تسریع در مهر و موم، تعیین عضو ناظر برای اعمال نظارت تام در کار مدیر تصفیه و یک سلسله اقدامات تأمینی و احتیاطی دیگر تا آنجا که در مواردی (برخلاف طبع حقوقی موضوع) اجازه بازداشت ورشکسته را هم داده است.

مروری بر باب یازدهم و دوازدهم قانون تجارت مشتمل بر ۱۶۴ ماده و قانون تصفیه امور ورشکستگی مشتمل بر ۶۰ ماده، ولو به طور گذرا، ما را متقاعد می‌سازد که قانونگذار هیچ نوع حصار شکلی و تشریفات دادرسی برای رسیدگی به امر ورشکستگی قائل نشده و با در نظر گرفتن طبیعت ویژه این مسئله آن را از رعایت آیین دادرسی عام (قانون آیین دادرسی مدنی) و آیین رسیدگی خاص (قانون امور حسبی) معاف کرده است و تنها در هر مورد که رعایت قاعده‌ای از قبیل انجام نیابت، موارد رد کارکنان اداره تصفیه، درج و انتشار آگهی یا اخطار به طلبکار و غیره ضروری بوده در متن دو قانون مذکور به آن اشاره شده است.

نتیجه آنکه برای شروع رسیدگی به ورشکستگی نیازی به تقدیم دادخواست نیست و می‌توان ورشکستگی را به دادگاه اظهار کرد یا آن را از دادگاه تقاضا نمود و برای انجام این کار استفاده از فرمهای از

ورق بزنید

تحقق ورشکستگی (به طوری که معمولاً تصور می‌شود) فزونی دیون و تعهدات بر دارایی و مطالبات تاجر شرط نیست و گاه ممکن است دارایی، موجودی کالا و مطالبات تاجر زائد بر دیون و تعهدات او ارزش داشته باشد ولی به علت ناتوانی از تادیه وجوهی که بر عهده اوست متوقف (ورشکسته) اعلام شود. پس تاجر ورشکسته کسی است که از تادیه وجوهی که بر عهده دارد عاجز بماند، اعم از آنکه مجموع دارایی و مطالبات وی تکافوی پرداخت دیون و تعهدات را بکند یا نه.

رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به امر ورشکستگی تا چه حد لازم است؟

رسیدگی به کار ورشکستگی ترتیب رسیدگی خاصی را طلب می‌کند که موافق با طبیعت خاص این رویداد است. یکی از ویژگیهای عمده ورشکستگی آن است که

فروش کالاهای خود، که به امید فروش آنها تعهداتی پذیرفته و اسناد و اوراقی از قبیل چک، سفته، برات و غیره به طرفهای تجارتی خود داده است، نشود و همین ناتوانی از فروش کالا و به عبارت دیگر عدم امکان دسترسی به وجه نقد، باعث توقف تاجر می‌شود ۲- فزونی عرضه کالا و کمبود تقاضا که موجب اشباع بازار و عدم امکان جذب کالا توسط مصرف‌کنندگان می‌شود. ۳- نبود قدرت خرید کافی در نزد اکثریت توده مصرف‌کننده ۴- حالت روانی که در هنگام بروز بحرانهای اقتصادی به جامعه دست می‌دهد و موجب هجوم افراد به بانکها، برای دریافت سپرده‌هایشان و بالمآل باعث عجز بانکها از پرداخت سپرده مشتریان و نتیجتاً سبب ورشکستگی و توقف می‌شود.

۵- موردی که تاجر افزون بر توان مالی و سرمایه خود معاملاتی کرده یا تعهداتی را پذیرفته و به طور کلی برخلاف عرف و عادات تجاری عمل کرده باشد، و نظایر آن.

در اینجا باید توجه داشت که برای

پیش تعیین شده ضرورت ندارد و هزینه دادرسی پرداخت نمی‌شود و تمبری باطل نمی‌گردد؛ ابلاغ به ورشکسته و طلبکارها به هر صورتی که دادگاه مقتضی بداند صورت می‌گیرد و رعایت قواعد مرسوم و متداول ضرورت ندارد، تبادل لوایح انجام نمی‌شود و مقررات دادرسی اختصاری صورت نمی‌گیرد و بالاخره صدور و اعلام و ابلاغ رأی و حکم دادگاه تابع آیین مشخص و مدوئی نیست و سرانجام اینکه دادرسی دادگاه (جز در موارد مصرح در قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی) می‌تواند از هر وسیله و ابزاری که بهتر بتواند دعوی ورشکستگی را فیصله دهد استفاده کند.

رسیدگی به ورشکستگی رسیدگی بخصوصی تلقی می‌شود که قانونگذار به ملاحظه طبیعت ویژه معاملات تجاری و برای رعایت غبطه و مصالح بستانکاران تاجر و به خاطر ترویج امر تجارت و مصون نگاه داشتن محیط تجارتي از ضربه‌ها و تکانهای شدید که مآلاً ممکن است موجب سلب اعتماد و امنیت تجاری یا اختلال آن شود و تجارت کشور را دچار آسیب و مخاطره سازد، ناگزیر از تنظیم و ترتیب آن شده است.

۲. مقررات قانون تجارت

تعریف ورشکستگی

ماده ۴۱۲ قانون تجارت، ورشکستگی

را این‌گونه تعریف کرده است: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقّف از تادیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود...»

در این تعریف دو نکته درخور دقت و توجّه است، اول اینکه ورشکستگی مختص تاجر یا شرکت تجارتي است و غیر تاجر مشمول آن نمی‌شود و مقررات ورشکستگی را نمی‌توان در مورد او اجرا کرد، دوم اینکه ورشکستگی بر اثر توقّف تاجر از تادیه وجوهی که برعهده اوست پدید می‌آید.

چه موقع می‌توان تاجر را متوقّف و امر توقّف را محقق شده دانست.

توقف در لغت به معنی بازایستادن، ثابت ماندن در امری و در اصطلاح بازرگانی معادل درماندگی آمده است و در این مبحث عبارت از حالت تاجر است که از پرداخت دیون خود بازماند و قادر به تادیه آن نباشد (فرهنگ فارسی عمید). بدیهی است تشخیص اینکه توقف در چه مرحله و درجه‌ای از عجز تاجر از پرداخت تعهداتش صورت می‌گیرد با دادگاهی است که امر ورشکستگی نزد آن مطرح است. ولی در عین حال مسئله‌ای است نظری و درخور بحث که به نظر نگارنده در این مورد می‌توان دو نظر را تشخیص داد. اول اینکه تاجر به محض نخستین توقف در پرداختهایش ورشکسته محسوب است و باید مراتب را به دادگاه اعلام کند. مانند اینکه گفته شود اولین سفته تاجر که مواجه با وخواست و منجر به عدم پرداخت شود

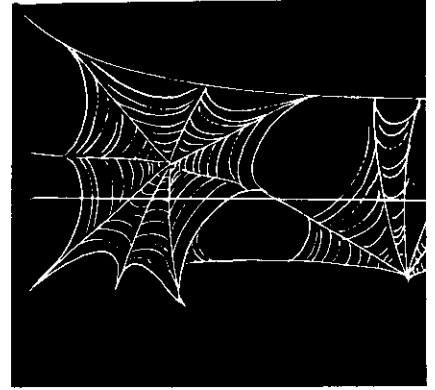
موجب ورشکستگی اوست یا هرگاه بانک محال علیه از پرداخت اولین سری چک‌هایی که به‌عهده‌اش صادر گردیده عاجز بماند ورشکسته شمرده شود. نظر دوم آن است که عدم پرداخت یک یا حتی چند فقره سفته یا عجز از تادیه یک یا چند فقره چک در مثالهای فوق کافی برای تحقّق «توقّف» نیست و باید تکرار و توالی عدم پرداخت‌ها شرط قرار داده شود.

به نظر اینجانب پذیرفتن نظریه اول با روح قانون که همواره متوجه حمایت از حقوق اشخاص ثالث و بستانکاران تاجر می‌باشد سازگارتر است و چه بسا رعایت تعدّد و توالی دفعات موجب تضییع حقوق طلبکاران بازرگان شود و حتی بعضی از آنان را نیز به سوی ورشکستگی ناخواسته سوق دهد. به عقیده نگارنده به کار گرفتن اصطلاح «توقّف» برای تاجر ورشکسته، به جای عبارت «نداشتن قدرت تادیه» که مقنّن برای معسر به کار برده است، در راستای پیروی از همین نظر بوده است. در اینجا بی‌مناسبت نیست، که مقررات اعسار به لحاظ قرابتی که با ورشکستگی دارد به اختصار بازگو شود و وجوه اشتراک و افتراق آنها تا حد امکان مورد بررسی قرار گیرد.

تا تاریخ ۱۳۱۳/۹/۲۰ برای افرادی که قادر به تادیه دین نمی‌شده‌اند ۳ عنوان قانونی وجود داشته است:

۱ - افلاس: حالت شخص غیر تاجر که به علت نداشتن مال، یا کافی نبودن آن قادر به تادیه دیون خود نبوده است.

۲ - اعسار: حالت شخص غیر تاجر که به علت عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نبوده



است.

۳ - ورشکستگی: حالت تاجر یا شرکت تجارتي که دچار توقف از تادیه وجوهی شده باشد که بر عهده‌اش بوده است.

با تصویب قانون اعسار مورخ ۱۳۱۳/۹/۲۰، عنوان افلاس منسوخ شد و در حال حاضر برطبق قانون مزبور و مواد ۶۹۳ الی ۷۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی، هر غیر تاجری که قادر به تادیه هزینه دادرسی یا دیون خود نباشد چه به واسطه عدم کفایت دارایی باشد، چه به علت عدم دسترسی به مال خود، معسر شناخته می‌شود و حالت چنین شخصی اعسار است.

ماده ۶۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی در تعریف اعسار از هزینه دادرسی می‌گوید: «معسر از هزینه دادرسی کسی است که به واسطه عدم دسترسی به مال خود یا عدم کفایت دارایی قادر به تادیه هزینه دادرسی نیست.» و نیز ماده (۱) قانون اعسار این تعریف را به دست می‌دهد: «معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تادیه مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد.» و به این ترتیب ملاحظه می‌شود که اعسار و ورشکستگی ذاتاً و ماهیتاً فرقی ندارند و هر دو، حالت شخصی را بیان می‌کنند که قدرت پرداخت هزینه دادرسی و دیون خود را ندارد (وجه مشترک) و پس از ملائت تحت شرایط معینی باید دیون خود را ادا کند (وجه مشترک). در مقابل، مقررات اعسار خاص افراد غیر تاجر و

مقررات ورشکستگی ویژه تجار و شرکتهای تجارتي است (وجه افتراق). قانون تجارت اصطلاح «توقف» را به کار برده، درحالی که قوانین مربوط به اعسار از اصطلاح «قادر به تادیه نبودن» استفاده کرده است (وجه افتراق) و بالاخره آنکه قانونگذار در قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی مقررات جامع و کاملی در حفظ و حمایت حقوق بستانکاران تاجر ورشکسته وضع کرده که در مورد اعسار مقرراتی با این تفصیل وضع نشده است (وجه افتراق). شاید بتوان بین ورشکستگی و اعسار وجوه اختلاف دیگری نیز تشخیص داد که از حوصله این مختصر خارج است.

ذکر این نکته ضرورت دارد که برطبق ماده ۷۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دادخواست اعسار از بازرگان پذیرفته نمی‌شود و ادعای اعسار اعم از آنکه نسبت به هزینه دادرسی باشد یا بدهی زمان بازرگانی باید مطابق قانون تجارت دادخواست ورشکستگی ارائه شود.

مرجع رسیدگی به امر ورشکستگی.

طبق صریح ماده ۴۱۵ قانون تجارت، دعوای ورشکستگی در محکمه بدایت رسیدگی می‌شود. در اینجا توجه به دو مسئله حائز اهمیت است اول آنکه در تشکیلات قضایی فعلی کشور محکمه بدایت (دادگاه شهرستان) وجود ندارد و لاجرم دادگاه حقوقی یک جانشین آن و مرجع رسیدگی است. دوم آنکه از نظر صلاحیت محلی برطبق ماده ۳۴ قانون

آیین دادرسی مدنی، رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاهی است که اقامتگاه تاجر ورشکسته در حوزه آن واقع است و هرگاه بازرگان متوقف در ایران اقامتگاه نداشته باشد مرجع رسیدگی دادگاهی است که بنگاه بازرگانی در حوزه آن شعبه یا نماینده دارد یا سابقاً داشته است. و در مورد شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی آن در ایران است نیز برابر ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی مدنی، امر ورشکستگی در دادگاهی که مرکز اصلی شرکت در آنجا واقع است رسیدگی می‌شود.

رسیدگی به ورشکستگی چگونه آغاز می‌شود.

برابر ماده ۴۱۵ قانون تجارت، ورشکستگی به حکم محکمه به ۳ طریق ممکن است اعلام شود: الف - برحسب اظهار خود تاجر ب - به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها ج - برحسب تقاضای دادستان.

در اینجا توجه به چند موضوع خالی از فایده نیست: ۱ - شروع به رسیدگی به صرف اظهار یا تقاضای اشخاص بدون نیاز به تقدیم دادخواست و هیچ نوع تشریفات دیگر است ۲ - دخالت دادستان در امری که ذاتاً حقوقی است نشان می‌دهد که ورشکستگی گاه با منافع عموم و مصالح جامعه برخورد پیدا می‌کند و لذا با مداخله دادستان همراه می‌شود ۳ - برطبق ماده ۴۱۳ قانون تجارت، تاجر، مکلف شده است که ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه، توقف ورق بزیند

خود را به دادگاه اظهار کند و در همان موقع صورت حساب دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. علاوه بر اینکه عواقب سرپیچی از این تکلیف ممکن است به صورت اتهام ورشکستگی به تقصیر «بند ۲ ماده ۵۴۲ قانون تجارت» دامنگیر او شود، دادگاه برطبق ماده ۴۳۵ قانون تجارت مکلف به صدور قرار توقیف تاجر ضمن حکم ورشکستگی شده است. و این ضمانت اجرایی سنگین گویای آن است که قانون، امر ورشکستگی را در چارچوب منافع عمومی تلقی می‌کند و تخلف از مقررات اساسی آن را درخور چشمپوشی نمی‌داند.

تاریخ ورشکستگی.

ماده ۴۱۶ قانون تجارت مقرر داشته است: «محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین کند و اگر در حکم معین نشده باشد تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب است.» پس به موجب این ماده دادگاه مکلف شده است با رسیدگیهای لازم و تحقیق از شخص تاجر و طلبکاران وی و مطلعین امر و کسانی که با تاجر ارتباط معاملاتی داشته‌اند و مراجعه به اسناد و دفاتر و در صورت لزوم کسب اطلاع از دادستان و مراجع انتظامی، تاریخ توقف را تعیین کند و اهمیت این امر در آن است که همواره این احتمال وجود دارد که تاجر مدتها قبل از مراجعه به دادگاه متوقف بوده ولی به امید ایجاد بهبودی در وضع، دادگاه را مطلع نکرده باشد یا بستانکاران به منظور رعایت حال وی یا به طمع وصول تمامی

طلب خود و بالاخره به انگیزه‌های مختلف، بموقع از دادگاه درخواست صدور حکم ورشکستگی نکرده باشند و تاجر، در فاصله وقفه واقعی و تاریخ صدور حکم، معاملاتی انجام داده یا مالی را به امانت قبول کرده یا به طور امانی به کسی سپرده باشد و حتی به قصد فرار از ادای دین، مالی را از دسترس دادگاه و عضو ناظر و مدیر تصفیه خارج کرده باشد که در نتیجه، ضرر آن متوجه اشخاص ثالث و صاحبان حقوق گردد و به این ترتیب ملاحظه می‌شود که مسئله تا چه حد ظرافت دارد و چه اندازه مستلزم دقت و پی‌جویی از طرف رئیس دادگاه است.

ولی با همه این احوال هرگاه دادگاه، همزمان با صدور حکم، موفق به تعیین تاریخ توقف نگردد یا فی‌المثل به انگیزه رسیدگی بعدی و دقیقتر آن را در حکم مسکوت گذاشت، تاریخ توقف (مادام که تعیین نشده باشد) همان تاریخ صدور حکم خواهد بود.

در همین جا باید یادآور شد که مطابق ذیل ماده ۴۱۲ قانون تجارت چنانچه تاجر در حین فوت متوقف بوده باشد دادگاه تا یک سال بعد از مرگ نیز می‌تواند حکم به توقف او بدهد. درخور ذکر است که برخلاف امور کیفری که در صورت فوت متهم دعوی جزایی موقوف می‌شود و برخلاف دعوی حقوقی که در صورت فوت، دعوی به طرفیت ورثه جریان می‌یابد در این مورد خاص صدور حکم علیه شخص متوفی تجویز شده است و نیز قانون نوعی مرور زمان برقرار نموده که مبدأ آن تاریخ فوت و مدت آن یک سال است و بعد از انقضای این مدت درخواست

ورشکستگی پذیرفته نمی‌شود.

اجرای موقت حکم ورشکستگی و حجر تاجر ورشکسته.

مطابق مواد ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ قانون تجارت اولاً حکم ورشکستگی به طور موقت اجرا می‌شود و هرگاه ورشکسته یا اشخاص ذینفع به استناد مواد ۵۳۶ و ۵۳۷ قانون تجارت به حکم صادره اعتراض کرده باشند، مادام که اعتراض منتهی به فسخ حکم ورشکستگی نشده است مانع اجرای حکم نمی‌گردد. ثانیاً تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است و مدیر تصفیه در کلیه اختیارات و حقوق مالی او که استفاده از آن موثر در تادیه دیون وی باشد قائم‌مقام قانونی او شناخته می‌شود و کلیه دعاوی و همچنین عملیات اجرایی نسبت به اموال ورشکسته باید به طرفیت مدیر تصفیه اقامه و تعقیب و انجام شود.

مرجع تعیین عضو ناظر و مدیر تصفیه و تاریخ تعیین

طبق ماده ۴۲۷ قانون تجارت: «در حکمی که به موجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می‌شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد.» و برابر ماده ۴۴۰ همان قانون: «محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا منتها در ظرف پنج روز پس

از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیر تصفیه معین می‌کند.» از این دو ماده معلوم می‌شود که اولاً مرجع تعیین عضو ناظر و مدیر تصفیه همان دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی است. ثانیاً عضو ناظر را باید ضمن صدور حکم ورشکستگی تعیین کرد ولی تعیین مدیر تصفیه تا پنج روز پس از صدور حکم ورشکستگی هم امکانپذیر است و از این تفاوتی که قانون در تاریخ تعیین این دو در نظر گرفته، به نظر می‌رسد که برای نقش و وظایف عضو ناظر، نسبت به مدیر تصفیه اهمیت بیشتری قائل بوده است. با اینکه بعداً در فصل سوم نیز خواهد آمد، جا دارد یادآور شویم که عضو ناظر در نقاطی تعیین می‌شود که اداره تصفیه امور ورشکستگی تاسیس نشده و امر تصفیه صرفاً وفق قانون تجارت و توسط مدیر تصفیه انجام می‌گیرد.

در وظایف عضو ناظر

عضو ناظر، به موجب قانون تجارت دارای وظایف بسیاری است که عمده‌ترین آنها عبارتند از، نظارت در امور مربوط به ورشکستگی و سرعت جریان آن «ماده ۴۲۸»، گزارش تمام منازعات سرچشمه گرفته از ورشکستگی که حل آن از صلاحیت محکمه است به محکمه «ماده ۴۲۹»، مهر و موم انبارها و حجره‌ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارتخانه و منزل تاجر «مواد ۴۳۴ و ۴۳۸». شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که قانون تجارت معین کرده است و مرجع

شکایت محکمه‌ای است که عضو ناظر را تعیین نموده است و محکمه همیشه می‌تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را به جای او بگمارد «مواد ۴۳۰ الی ۴۳۲».

در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته

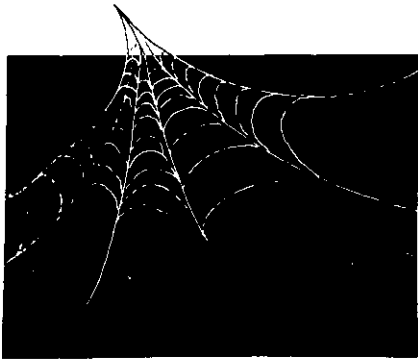
محکمه در حکم ورشکستگی امر به مهر و موم می‌دهد و این عمل باید فوراً به وسیله عضو ناظر انجام شود مگر در صورتی که به عقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد که در این صورت باید فوراً صورت‌برداری آغاز شود «مواد ۴۳۳ و ۴۳۴ قانون تجارت». از اقدامات اولیه دیگری که قانون پیشبینی کرده اجازه توقیف تاجر در ۳ مورد زیر است: ۱ - هرگاه تاجر وقفه خود را ظرف ۳ روز به دفتر دادگاه اطلاع ندهد و صورت حساب دارایی و دفترهای خود را به همین مرجع تسلیم نکرده باشد. ۲ - در تسلیم صورت مزبور دستورهای قانونی مقرر در ماده ۴۱۴ را رعایت نکرده باشد. ۳ - در صورتی که معلوم شود ورشکسته دارد با اقدامات خود از اداره و تسویه شدن ورشکستگی جلوگیری می‌کند «مواد ۴۳۵ و ۴۳۶». توقیف با صدور قرار محکمه صورت می‌گیرد و مجری آن ظاهراً (در قانون تعیین تکلیف نشده) ضابطین دادگستری و توقیفگاه خواهند بود. در اینجا مسئله درخور بحث این است که این توقیف چه ماهیتی دارد، آیا به منزله مجازات است؟ آیا در زمره قرار تأمین‌هایی است که برطبق ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری در مورد

متهم گرفته می‌شود؟ و بالاخره مدت آن چقدر است و رفع توقیف کی و چگونه به عمل می‌آید؟

به نظر اینجانب باتوجه به جمیع جهات به نظر می‌رسد این توقیف مجازات نیست و در زمره قرار تأمین‌های موضوع ماده ۱۲۹ آیین دادرسی کیفری هم شمرده نمی‌شود. زیرا نه اتهامی متوجه ورشکسته است و نه جرمی واقع شده، وانگهی مجازات نمی‌تواند دارای مدت نامشخص باشد و حدود آن باید از قبل معین شده باشد.

با توجه به این معلومات، روشن می‌شود از آنجا که قانونگذار حفظ حقوق بستانکاران و اشخاص ثالث را وجهه همت خود قرار داده است لذا تخطی تاجر را از اعلام وقفه در مدت ۳ روز و تسلیم صورت دارایی و اعمالی از این قبیل را حمل بر سوءنیت ورشکسته و به منظور فرار از ادای دین و جلوگیری از تسویه عمل ورشکستگی تلقی کرده است و با توقیف ورشکسته دست او را از دخل و تصرف غیرمجاز در اموال خود کوتاه و امکان هرگونه تبانی و مواضعه را از او سلب می‌کند و در واقع - همان‌طور که از عنوان فصل چهارم قانون تجارت پیداست - نوعی اقدام اولیه یا اقدام تأمینی خاص است که از ویژگیهای ورشکستگی است و البته با منتفی شدن شرایط و اوضاع و احوالی که موجب توقیف شده است، رفع توقیف با صدور قرار لازم از دادگاه عملی خواهد شد.

علاوه بر ۳ مورد فوق یک مورد توقیف دیگر، نیز در مورد ورشکسته پیشبینی شده است که چون از اختیارات اداره تصفیه ورق بزیند



خواهد گرفت، در ماده ۴۲۱ قانون تجارت مقرر داشته است: «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجل با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت، به قروض حال مبدل می‌شود.»

نفقه ورشکسته و خانواده‌اش

هرگاه ورشکسته وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد بدرخواست وی و تصویب دادگاه، عضو ناظر نفقه تاجر ورشکسته و افراد واجب‌النفقه او و میزان آن را تعیین می‌کند. «ماده ۴۴۷»
جالب توجه آنکه نفقه تاجر ورشکسته، اگر چه باتصویب محکمه، در هر صورت توسط عضو ناظر معین می‌گردد نه مدیر تصفیه، و این گویای همان اهمیتی است که قانون برای عضو ناظر قائل بوده و در صفحات پیشین مورد اشاره قرار گرفت.

قلم خوردگی، الحاق و تراشیدگی در اسناد طلبکاران:

این نکات باید صورت‌مجلس شود و معلوم گردد که طلب مسلم است یا متنازع‌فیه «ماده ۴۶۵»

دفاتر طلبکارها:

عضو ناظر می‌تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها بدهد یا... اگر طلب متنازع‌فیه واقع شد حل قضیه را به محکمه ارجاع نماید «ماده ۴۶۶ و مواد ۴۶۸ الی

صورت‌برداری و تقویم آنها ۷- تهیه خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و علل وجهاتی که باعث آن شده و نوع ورشکستگی «مواد ۴۵۱ الی ۴۵۵» ۸- فروش اموال و وصول مطالبات ۹- خاتمه دادن دعاوی ورشکسته به صلح و سازش با اجازه عضو ناظر و در صورت مصلحت ۱۰- تحویل وجوه حاصل از فروش به صندوق دادگستری «مواد ۴۵۶ الی ۴۶۰» ۱۱- تشخیص مطالبات بستانکاران و قبول یا رد مطالبات ۱۲- ارجاع مطالبات متنازع‌فیه به دادگاه توسط عضو ناظر ۱۳- انجام اقدامات تأمینیه برای حفظ حقوق تاجر نسبت به مدیونها «مواد ۴۵۷ الی ۴۶۱» ۱۴- دعوت طلبکاران و دادن گزارش به مجمع بستانکاران از وضع ورشکستگی و اقدامات انجام شده «ماده ۴۷۸» ۱۵- انجام وظایفی که در طی انعقاد قرارداد ارفاقی و تصدیق آن در محکمه، قانون به عهده او محول کرده ۱۶- تفریغ حساب و خاتمه بخشیدن به عمل تصفیه «مواد ۴۷۹ الی ۴۸۸ و ۵۰۴ الی ۵۱۳» ۱۷- پرداخت طلب بستانکارانی که رهینه در دست دارند «مواد ۵۱۴ الی ۵۱۷» ۱۸- دادن اسناد و اطلاعات و نوشتجات و اوراقی که دادستان تقاضا کند «ماده ۵۶۰» و وظایف دیگری که ذکر تمامی آنها موجب اطاله کلام است.

تبدیل دیون موجل به دیون حال

قانونگذار به منظور تسریع در امر تصفیه و ایجاد امکان برخوردار کردن هرچه سریعتر طلبکاران تاجر متوقف از حصه‌ای که به نسبت طلب به آنان تعلق

است در فصل سوم این نوشتار توضیح داده خواهد شد.

از اقدامات اولیه درخور ذکر دیگر موردی است که تاجر بدهکار فرار کرده یا دارایی خود را به طور جزئی یا کلی مخفی کرده باشد، که در این صورت امین صلح («دادگاه حقوقی ۲») بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم کرده و مراتب را به مدعی‌العموم اطلاع می‌دهد «ماده ۴۳۷ قانون تجارت» در همین فصل آمده است: «در صورت ورشکستگی شرکتهای تضامنی، مختلط یا نسبی، اموال شخصی شرکای ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر آنکه حکم ورشکستگی آنان نیز ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا به موجب حکم جداگانه صادر شده باشد. و نیز گفته شده است در مورد مواد ۴۳۸ و ۴۳۹ مستثنیات دین از مهر و موم معاف است «ماده ۴۳۹ قانون تجارت»

اهم وظایف و اختیارات مدیر تصفیه

مهمترین اختیارات و وظایف مدیر تصفیه به شرح زیر است:

- ۱- اقدام به مهر و موم دارایی تاجر در صورتی که قبلاً مهر و موم نشده باشد ۲-
- مستثنی کردن لوازم شخصی ورشکسته و خانواده‌اش از مهر و موم ۳- فروش اشیاء فاسدشدنی و غیرمفید و به کار انداختن سرمایه ورشکسته ۴- بستن دفاتر ۵-
- تنظیم صورت دارایی تاجر «مواد ۴۳۳ الی ۴۴۹» ۶- تقاضای رفع توقیف از اموال و

۴۷۱». رسیدگی به قلم خوردگی، الحاق و تراشیدگی در اسناد و همچنین ابراز دفاتر، در حین تشخیص مطالبات بستانکاران پیش می‌آید، که طلبکارها مکلفند به موجب اخطار مدیر تصفیه و در حدود آیین‌نامه وزارت دادگستری اسناد طلب خود یا رونوشت تایید شده آن‌را به دفتر دادگاه تسلیم کنند. این اسناد توسط مدیر تصفیه و تحت نظارت عضو ناظر رسیدگی می‌شود. اگر طلب مسلم شناخته شد که فيها، والا (به علت قلم خوردگی، الحاق، تراشیدگی یا عدم مطابقت با دفاتر یا به هر علت دیگر) طلب متنازع‌فیه محسوب شده و عضو ناظر می‌تواند حل قضیه را به دادگاه رجوع کند. اطلاعات بیشتر در این مورد، در مواد ۴۶۲ تا ۴۷۵ قانون تجارت ارائه شده است.

قرارداد ارفاقی:

قوانین تجارت و تصفیه امور ورشکستگی قرارداد ارفاقی را تعریف نکرده‌اند ولی شاید بتوان از مجموع مقررات فصل هفتم از باب یازدهم قانون تجارت این تعریف را به دست آورد: «قرارداد ارفاقی قراردادی است که بین تاجر ورشکسته از یکطرف و تمام یا تعدادی از بستانکاران وی، بشرط آنکه تاجر ورشکسته به تقلب نباشد، از طرف دیگر منعقد می‌گردد و به موجب آن طلبکاران به طور موقت از دریافت قسمتی از طلب که به آنان تعلق می‌گیرد صرف‌نظر می‌کنند تا امر تصفیه تسریع و تسهیل گردد و در نتیجه هم تاجر ورشکسته زودتر به وضع عادی خود بازگردد و سروسامان

گیرد و هم پس از ملاتت تاجر مزبور بستانکاران شرکت‌کننده در قرارداد از امتیازات قانونی مربوط مستفید گردند.» نظر به اینکه ورشکستگی همواره با سوءنیت همراه نبوده و در نتیجه تقلب و تقصیر پیش نمی‌آید و ممکن است شرایط خاص بازار از قبیل رکود و کساد و نظایر آن موجب ورشکستگی شده باشد، معمولاً در این‌گونه موارد ریش‌سفیدان و پیشکوسان بازار میانجیگری کرده بستانکاران را به صرف نظر کردن از بخشی از مطالبات و ارفاق در حق تاجر ورشکسته ترغیب می‌کنند و چون بستانکاران نیز از اوضاع و احوال بازار و وضع اخلاقی و معاشی همکاران خود باخبرند، پیشنهاد را می‌پذیرند و به قرارداد ارفاقی تن می‌دهند. یادآوری می‌شود که به موجب قانون، انعقاد قرارداد ارفاقی با ورشکسته به تقلب ممنوع و منوط بحصول براءت در دادگاه جزاست ولی بستن قرارداد ارفاقی با ورشکسته به تقصیر اصولاً منعی ندارد مگر آنکه تعقیب در مراجع کیفری شروع شده باشد که در این صورت طلبکارها حق خواهند داشت تصمیمگیری نسبت به آن را تا روشن شدن نتیجه تعقیب به تأخیر بیندازند.

شرایط لازم برای اعتبار قرارداد ارفاقی:

پس از انجام مقدمات و تشریفات مقرر در مواد ۴۷۶ تا ۴۸۵ قانون تجارت و حصول اکثریت نصف بعلاوه یک طلبکاران با داشتن لااقل ۳ ربع از کلیه مطالبات تشخیص و تصدیق شده در مجمع طلبکاران و تصدیق قرارداد ارفاقی

در مجمع مذکور، قرارداد باید به تصدیق محکمه برسد و این تصدیق پس از انقضای مهلت یک‌هفته‌ای که برای اعتراض بستانکاران معترض مقرر شده است و بعد از استماع گزارش عضو ناظر، توسط دادگاه صورت می‌گیرد. در صورت عدم رعایت قواعد مقرر، دادگاه از تصدیق قرارداد ارفاقی خودداری خواهد کرد «مواد ۴۸۶ الی ۴۸۸».

دایره شمول قرارداد ارفاقی:

همین‌که قرارداد ارفاقی تصدیق شد، نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده‌اند و یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء کرده‌اند قطعیت پیدا خواهد کرد ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم ظرف ده روز امضاء نکرده‌اند می‌توانند سهم خود را موافق آنچه از دارایی تاجر به بستانکاران می‌رسد دریافت کنند و نسبت به بقیه طلب خود در آینده حق مطالبه نخواهند داشت، مگر پس از تأدیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا ظرف ده روز مزبور آن را امضاء کرده‌اند.

بعد از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی، ادعای بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود مگر در صورت کشف حیل در اظهار میزان دارایی یا قروض تاجر و در نتیجه قلمداد نشدن قدر حقیقی آن «مواد ۴۸۹ و ۴۹۰». موارد ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی و ترتیبات راجع به آن و آثار و نتایج مترتب بر هر یک، در مواد ۴۹۲ الی ۵۰۳ قانون تجارت توضیح داده شده است.

ورق بزیند

تفریح حساب:

۱ - پس از تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه، مدیر تصفیه با حضور عضو ناظر صورت حساب کامل دوران تصدی خود را به تاجر ورشکسته می‌دهد و کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و دارایی وی را (به استثنای آنچه متعلق حق بستانکارانی است که در انعقاد قرارداد ارفاقی مشارکت نداشته‌اند) مسترد می‌نماید «ماده ۴۹۱ قانون تجارت» ۲- در صورت عدم انعقاد قرارداد ارفاقی مدیر تصفیه اقدام به فروش اموال ورشکسته و پرداخت طلب بستانکاران، به نسبت سهمی که از دارایی ورشکسته به آنان تعلق می‌گیرد نموده و تفریح حساب می‌کند «مواد ۵۰۴ الی ۵۱۳»

طلبکاران دارای رهینه:

اگر مال مرهون معادل یا بیش از طلب ارزش داشته باشد مُرتَهَن تمام طلب خود را دریافت می‌کند و الا معادل حاصل فروش عین مرهونه طلب او تادیه و نسبت به بقیه طلب جزء طلبکاران عادی در عَرْمًا منظور می‌شود «مواد ۵۱۴ الی ۵۲۱»

طلبکاران مقیم خارجه:

مطالبات این گونه افراد از دارایی ورشکسته وضع شده و به طور امانت به صندوق دادگستری سپرده می‌شود و به‌رحال این مطالبات باید به تصدیق برسد. «مواد ۵۲۴ و ۵۲۵»

دعوی استرداد:

در موارد زیر مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول کرده اموالی را که متعلق به دیگران بوده و نزد تاجر ورشکسته باشد به صاحبان آنها مسترد دارد ۱- اگر قبل از ورشکستگی تاجر، کسی اوراق تجارتي را برای وصول وجه به او داده باشد و عین اوراق نزد تاجر وجود داشته ولی وجه آن وصول یا تادیه نشده باشد ۲- اگر مال التجاره‌ای به طور امانت نزد تاجر وجود داشته یا قرار بوده تاجر به حساب صاحب مال بفروشد، مادام که عین مال کلاً یا جزئاً باقی باشد ۳- مال التجاره‌هایی که تاجر متوقف به حساب دیگری خریداری کرده و عین آنها موجود باشد ۴- هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره برای فروش به تاجر داده شده و تاجر هم آن را به فروش رسانده ولی به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد و به‌طور کلی عین هر مال متعلق بديگری که در نزد تاجر متوقف موجود باشد.

علاوه بر موارد فوق هرگاه کسی مال التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته ولی جنس آن هنوز به او یا نماینده‌اش تسلیم نشده باشد فروشنده حق دارد به اندازه‌ای که وجه کالا را دریافت نکرده از تسلیم خودداری کند.

در موارد بالا چنانچه در استرداد عین مال بین عضو ناظر و مدیر تصفیه اختلاف شود موضوع به حکم دادگاه حل خواهد شد «مواد ۵۲۸ الی ۵۳۵»

انواع ورشکستگی، ورشکستگی به تقصیر، ورشکستگی به تقلب

در قانون ۳ نوع ورشکستگی متمایز از یکدیگر پیشبینی شده است ۱- ورشکستگی عادی که توأم با حالت جرمی نیست و صرفاً جنبه حقوقی دارد ۲- ورشکستگی به تقصیر که ضمن حفظ جنبه حقوقی، عنوان کیفری نیز دارد «ماده ۵۴۱ قانون تجارت و ۱۱۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۶۲» ۳- ورشکستگی به تقلب که علاوه بر جنبه حقوقی دارای جنبه کیفری شدیدتری نسبت به ورشکستگی به تقصیر است. «ماده ۵۴۹ قانون تجارت و ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات مصوب ۱۳۶۲»

مصادیق ورشکستگی به تقصیر را می‌توان به این شرح برشمرد: ۱- هرگاه مخارج شخصی یا خانه ورشکسته نسبت به عایدی او فوق‌العاده بوده باشد ۲- چنانچه معاملاتی انجام داده باشد که نسبت به سرمایه‌اش در عرف تجارت موهوم بوده یا نفع آن منوط به اتفاق محض باشد ۳- در صورتی که به قصد به تعویق انداختن ورشکستگی خریدی بالاتر از مظنه روز یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد ۴- اگر به حساب شخص دیگری بدون دریافت عوض تمهیداتی کرده باشد که نسبت به وضع مالی او فوق‌العاده باشد ۵- هرگاه عملیات تجارتي او متوقف شده و به تکلیف مقرر در ماده ۴۱۳ قانون تجارت عمل نکرده باشد ۶- در صورت نداشتن دفاتر قانونی یا وجود نقص یا بی‌ترتیبی در دفاتر «مواد ۵۴۱ و ۵۴۲»



قانون تجارت»

ورشکستگی به تقلب در موارد زیر تحقق پیدا می‌کند: ۱- در صورتی که تاجر دفاتر خود را مفقود کرده باشد ۲- هرگاه قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده یا به طریق مواضعه و معاملات صوری از بین برده باشد ۳- چنانچه خود را به وسیله اسناد یا صورت دارایی یا قروض تقلبی به میزانی که در حقیقت مدیون نبوده مدیون قلمداد کند «ماده ۵۴۹ قانون تجارت».

جرائمی که اشخاص غیر تاجر ورشکسته در ارتباط با امر ورشکستگی مرتکب می‌شوند:

گاهی آثار ناشی از ورشکستگی از تاجر ورشکسته و طلبکاران و مدیونین وی فراتر رفته به اشخاص ثالث می‌رسد و در عین حال جنبه جرمی پیدا می‌کند که ذکر جزئیات آنها موجب اطاله کلام است و تنها به ذکر اجمالی و نمونه‌وار آنها بسنده می‌شود، از آنجمله‌اند: کسانی که عالمیاً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارایی او را مخفی یا نگاهداری کرده یا از بین ببرند. کسانی که به قصد تقلب طلبی غیرواقعی را اظهار و عنوان کنند. کسانی که دفاتر تاجر ورشکسته به تقلب را مفقود کرده یا به طور کلی مرتکب اعمالی شوند که از مصادیق ورشکستگی به تقلب در مورد تاجر متوقف باشد. مدیر تصفیه‌ای که وجوه تاجر ورشکسته را حیف و میل کرده یا با دیگری به نفع خود و به ضرر طلبکاران تبانی یا قرارداد خصوصی منعقد کند «مواد ۵۵۱ الی ۵۵۸ قانون تجارت» بدیهی است مجازات این جرمها

یکسان نبوده و برحسب اهمیت موضوع فرق می‌کند.

رسیدگی به جنبه‌های حقوقی ورشکستگی به تقلب یا تقصیر در صلاحیت چه دادگاهی است؟

رسیدگی به کلیه دعوی حقوقی علیه ورشکستگان به تقلب یا تقصیر (بجز موارد مذکور در ماده ۵۵۴) از صلاحیت دادگاه کیفری خارج بوده و در قلمرو صلاحیت دادگاه حقوقی است «ماده ۵۵۹ قانون تجارت».

ماده ۵۵۴ پیشگفته ناظر به جرائم اشخاص غیر تاجری است که در ارتباط با امر ورشکستگی رخ داده باشد و به موجب آن دادگاه کیفری مکلف است درخصوص مسائل ذیل ولو متهم تبرئه شده باشد حکم بدهد:

- ۱- راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکاران. دادگاه باید این حکم را در صورتی که مدعی خصوصی هم در میان نباشد صادر کند.
- ۲- راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است.

در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی:

حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است. اعتراض باید از

طرف ورشکسته شده ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع مقیم ایران ظرف یک ماه و از طرف آنهایی که مقیم خارجه‌اند ظرف ۲ ماه به عمل آید. مبدأ مدتهای مزبور تاریخ اعلان است «مواد ۵۳۶ و ۵۳۷ قانون تجارت». حکم ورشکستگی قابل استیناف است و مهلت استیناف ده روز از تاریخ ابلاغ است «ماده ۵۳۹ قانون تجارت».

نظر به اینکه قانون هم اصطلاح «اعتراض» و هم اصطلاح «استیناف» را به کار برده و مرجع رسیدگی به اعتراض و استیناف را نیز تعیین نکرده است معلوم نیست اولاً منظور از اعتراض و استیناف یکی است یا اینکه هریک جداگانه قابل اجراست. به نظر نگارنده اعتراض و استیناف دو طریقه شکایت جداگانه‌اند و از هر دو می‌توان استفاده کرد و به نظر می‌رسد مرجع رسیدگی به اعتراض دادگاه صادرکننده حکم و مرجع رسیدگی کننده به استیناف دادگاه استان سابق بوده است که چون در تشکیلات قوه قضائیه فعلی چنین دادگاهی وجود ندارد شاید بتوان دیوان عالی کشور را (که در مواردی به رسیدگی ماهوی و موضوعی نیز می‌پردازد) مرجع رسیدگی استینافی دانست. نظر دیگری هم می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینکه در حال حاضر با حذف دادگاههای مرجع پژوهش، رسیدگی به ورشکستگی یک درجه‌ای و غیرقابل استیناف است. به‌رحال رفع اجمال به عهده رویه قضائی است.

قرارهای زیر غیرقابل اعتراض و پژوهش و تمیز است: ۱- قرارهای راجع به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه، ۲- قرارهای راجع به تقاضای اعانه جهت ورق بزنید



تاجر ورشکسته یا خانواده او ۳- قرارداهای راجع به فروش اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است ۴- قراردایی که قرارداد ارفاقی را موقتاً موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع‌فیه را مقرر می‌دارد ۵- قرارداهای صادره در خصوص صلاحیت اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است «ماده ۵۴۰ قانون تجارت»

از آنجا که بنابر اصول و برطبق مقررات آیین دادرسی مدنی هیچ قرارداری به تنهایی قابل رسیدگی فرجامی نیست مگر آنچه قانون صریحاً اجازه داده باشد و از طرف دیگر در قانون تجارت و سایر قوانین حکمی در خصوص قابل فرجام بودن احکام و قرارداهای مربوط به ورشکستگی دیده نشد تا تصریح به غیرقابل تمیز بودن پاره‌ای از قرارها را در ماده ۵۴۰ فوق‌الذکر توجیه نماید و تقاضای اعانه برای ورشکسته و خانواده‌اش نیز در قانون مورد اشاره قرار نگرفته تا نیازی به ذکر غیرقابل فرجام بودن آن باشد از این‌رو لزوم اشاره به دو مورد مذکور در ماده ۵۴۰ مورد تردید است.

اعاده اعتبار و اعاده حیثیت:

تاجر ورشکسته پس از آنکه کلیه دیون خود و متفرعات و مخارج متعلق به آن‌را پرداخت از نظر حقوقی اعاده اعتبار می‌کند ولی در صورت محکوم شدن به ورشکستگی به تقصیر یا تقلب مادام که از نظر جزائی اعاده حیثیت نکرده است استحقاق اعاده اعتبار حقوقی را پیدا نمی‌کند.

یکی از شرایط لازم برای اعاده اعتبار تجارتمی این است که هرگاه یک یا چند نفر از بستانکاران مفقود یا غائب باشند یا از دریافت وجه امتناع نمایند، تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنان مدیون است به صندوق عدلیه بسپارد.

اعاده اعتبار با رسیدگی و حکم محکمه و به موجب عرضحال تقدیمی ورشکسته به دادستان و طرح موضوع در دادگاه و در صورت وجود معترض، رسیدگی به اعتراض طلبکاران اعتراض‌کننده حاصل می‌گردد.

در صورت ردّ عرضحال اعاده اعتبار، تجدید آن ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

تاجر ورشکسته در ۲ مورد زیر پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج‌سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعاده اعتبار نماید: ۱- تاجری که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده تمام وجوهی را که طبق قرارداد به عهده گرفته پرداخته باشد ۲- تاجر ورشکسته‌ای که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده باشند «مواد ۵۶۱ الی ۵۷۵ قانون تجارت».

وظایف و اختیارات دادستان:

علاوه بر ورشکستگی به تقلب یا تقصیر یا جرائمی که افراد غیر تاجر ورشکسته در ارتباط با ورشکستگی مرتکب می‌شوند و دادستان به لحاظ جزائی بودن امر به نمایندگی جامعه عهده‌دار رسیدگی مقدماتی و تحقیق و جمع‌آوری دلائل و جلوگیری از فرار یا

پنهان شدن متهم و نظارت بر ضابطین دادگستری و غیره و سرانجام صدور اعدانامه و طرح دعوی کیفری در دادگاه (مانند سایر جرائم) می‌باشد، قانون تجارت در ورشکستگی عادی (غیرجرمی) نیز وظایف متعددی به صورت اظهار و اعلام ورشکستگی، استحضار از پاره‌ای اقدامات، نظارت، مداخله مستقیم، تقاضا از دادگاه و امثال آن برای دادستان در نظر گرفته است که طی مواد ۴۱۵ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۷ و ۵۱۰ و ۵۶۰ و ۵۶۴ چگونگی آنها توضیح و بیان شده است و کلاً به منظور حفظ حقوق بستانکاران و اشخاص ثالث و در نهایت حفظ مصالح جامعه وضع شده و یکی از ویژگیهای مقررات ورشکستگی است. لیکن در قانون تصفیه امور ورشکستگی حتی یک مورد هم برای دادستان اختیار یا وظیفه‌ای منظور نشده است و اداره تصفیه بدون نظارت یا دخالت مقام قضائی مزبور امر تصفیه را دنبال کرده به انجام می‌رساند. این تفاوت به علت آن است که اداره تصفیه به سبب تعلق و بستگی که به قوه قضائیه دارد و متصدیان آن را قضات و کارمندان دادگستری تشکیل می‌دهند و اینان به کار تصفیه ورشکستگی آشنایی کامل دارند، لذا مورد وثوق و اعتماد بیشتری هستند و لزومی به نظارت دادسرا احساس نشده است. اما در خارج از حوزه صلاحیت اداره تصفیه چون مجریان عمل تصفیه (عضو ناظر و مدیر تصفیه) از افراد عادی شمرده می‌شوند، اقدامات حمایتی بیشتری ضرور تشخیص داده شده و براساس آن وظایفی به دادستان محول گشته است.



فصل سوم - در مقررات قانون تصفیه امور ورشکستگی

آنچه تا اینجا مرور شد عمدتاً مربوط به مقررات قانون تجارت بود و چنانچه گهگاه اشاره‌ای به قانون تصفیه امور ورشکستگی و سایر قوانین شد، صرفاً به لحاظ ارتباط با مسائل مطرح شده و برحسب ضرورت بوده است. اکنون لازم است قانون تصفیه امور ورشکستگی، که بعد از قانون تجارت از قوانین مهم ورشکستگی است هرچند به اختصار مورد بحث قرار گیرد.

قلمرو قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی و رابطه آنها:

رابطه بین قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی همچون رابطه بین عام و خاص است. با این توضیح که قانون تجارت قانون عام شمرده می‌شود و قلمرو اجرای آن تمام کشور است مگر نقاطی که برطبق ماده (۱) قانون تصفیه امور ورشکستگی در آن اداره تصفیه تأسیس شده باشد و قانون تصفیه امور ورشکستگی قانون خاص است و در هیچ نقطه‌ای قابل اجرا نیست مگر آنکه در آنجا اداره تصفیه تأسیس شده باشد و بنا به همین قاعده هرگاه قانون تصفیه امور ورشکستگی در حوزه عمل اداره تصفیه درخصوص امری ساکت بوده و راه‌حلی ارائه نداده باشد، حل قضیه به عهده قانون تجارت خواهد بود و

ماده ۱۲ قانون تصفیه امور ورشکستگی با این عبارت: «وظایف اداره تصفیه در این قانون و آیین‌نامه‌های مربوط بدان که وزارت دادگستری تهیه می‌کند تعیین می‌شود و در موارد سکوت برطبق قانون تجارت اقدام خواهد شد.» مؤید این نظر است.

مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه:

مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه دادگاهی است که حکم توقف را صادر کرده است. شکایت جریان کار را توقیف نمی‌کند مگر در موارد مهم که عمل مورد شکایت جبران‌ناپذیر و ادله شاکسی قوی باشد که در این صورت دادگاه می‌تواند دستور جلوگیری داده و معجلاً و خارج از نوبت و درجلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم خود را اعلان نماید... (ماده ۵ قانون تصفیه امور ورشکستگی).

تکلیف دادگاه پس از صدور حکم:

همین که حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم به اداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده می‌شود. «ماده ۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی» ارسال حکم به اداره تصفیه برای اطلاع و شروع عملیات تصفیه است و به نظر می‌رسد که ارسال حکم به اداره ثبت محل به خاطر حجر ورشکسته و به منظور جلوگیری از معاملات ثبتی و عملیات اجرایی و نظایر آن باشد که از آن پس نباید توسط شخص ورشکسته انجام گیرد و اداره تصفیه قائم‌مقام قانونی او خواهد بود.

نیابت:

هرگاه اموال ورشکسته در حوزه دادگاه دیگری واقع باشد اداره تصفیه می‌تواند اقدامات مورد لزوم را، از اداره تصفیه محل (اگر موجود باشد) و الا از دادگاه محل یا مامور دیگری که تعیین می‌کند بخواهد. (ماده ۹ قانون تصفیه امور ورشکستگی)

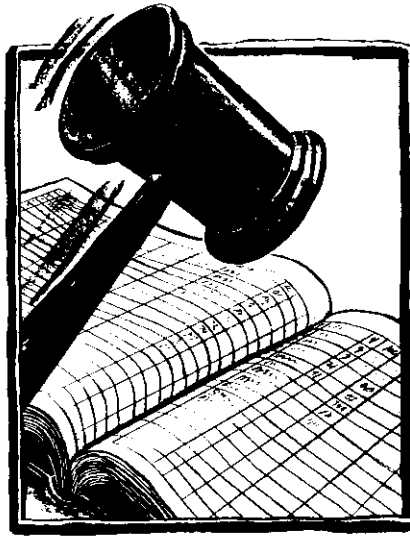
مرسوله‌های پستی و گسمرکی - استقراض:

اداره تصفیه می‌تواند از اداره پست و تلگراف و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگها و بسته‌هایی را که به‌عنوان متوقف فرستاده می‌شود یا از طرف متوقف ارسال شده است برای آن اداره بفرستد و نیز می‌تواند برای اقدامات تأمینیه بدوی به اعتبار دارایی موجود ورشکسته استقراض کند. «ماد ۱۰ و ۱۱ ق.ت.و»

اقدامات تأمینیه:

به محض قابل اجرا شدن حکم ورشکستگی و وصول رونوشت آن به اداره تصفیه، اداره مزبور از اموال ورشکسته صورت‌برداری و در صورت لزوم برای حفظ آنها اقدام به مهر و موم می‌کند (قابل توجه اینکه در محلی که اداره تصفیه موجود نباشد - چنانکه قبلاً دیدیم - مهر و موم اجباری و فوری است ولی در نقاطی که

ورق بزنید



اداره تصفیه وجود دارد مهر وموم الزامی نیست و موكول به تشخیص اداره تصفیه (است) و دفاتر تاجر را در اختیار می‌گیرد و عنداللزوم انبارها، مغازه‌ها، کالاها و کارخانه‌های ورشکسته را مهر و موم می‌کند و به‌طور کلی هر اقدام تامینی که برای حفظ اموال متوقف و مآلاً برای حفظ حقوق بستانکاران ضرورت داشته باشد صورت می‌دهد و اشیاء صورت‌برداری شده را ارزیابی و حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته که مستند به اسناد رسمی باشد تعیین و در صورت اموال درج می‌نماید و سپس صورت تنظیمی را به ورشکسته ارائه و از او سؤال می‌کند آیا مندرجات آنرا صحیح و کامل می‌داند یا نه؟ و پاسخ وی را ذیل صورت قید و به امضای او می‌رساند. «مواد ۱۳ الی ۲۰ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

توقیف تاجر ورشکسته:

علاوه بر ۳ مورد توقیف تاجر ورشکسته که در مواد ۴۳۵ و ۴۳۶ قانون تجارت تجویز شده و در فصل دوم توضیح داده شد، قانون تصفیه امور ورشکستگی به‌نوبه خود توقیف دیگری پیشبینی کرده است که چون جای بحث دارد عین ماده آن نقل می‌شود: «ماده ۲۱ قانون تصفیه امور ورشکستگی - متوقف مکلف است در مدت تصفیه خود را در اختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد. در صورت اقتضا اداره تصفیه می‌تواند اقدام به جلب او نماید و چنانچه توقیف او لازم شود قرار توقیف را از

اداره تصفیه است. نگارنده از طرز عمل اداره تصفیه و دادگاهها (در مورد رفع توقیف) بی‌اطلاع است و عقیده دارد برای رفع اشکال شاید بتوان گفت استعمال کلمه «به دستور» بنابر مسامحه آورده شده و مقصود قانونگذار این بوده است که «رفع توقیف به تقاضای اداره تصفیه به عمل می‌آید.» که در این صورت اداره تصفیه رفع توقیف را از دادگاه می‌خواهد و دادگاه قرار رفع توقیف را می‌دهد و اشکال مرتفع می‌شود.

دادگاه می‌خواهد. رفع توقیف به دستور اداره تصفیه به عمل می‌آید - ورشکسته می‌تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یک‌بار به دادگاه صادرکننده قرار توقیف شکایت کرده و رفع آن را بخواهد....»

نقشه:

از ویژگیهای این ماده این است که:

اداره تصفیه می‌تواند نفقه عادلانه ورشکسته و افسراد واجب‌النقحه او را مخصوصاً در مواردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار می‌دهد بپردازد و نیز تعیین خواهد کرد که متوقف و خانواده‌اش تا چه مدت می‌توانند در خانه‌ای که قبلاً به‌سر می‌برده‌اند مسکن نمایند «ذیل ماده ۲۱ قانون تصفیه امور ورشکستگی».

مستثنیات دین:

مستثنیات دین تحت اختیار ورشکسته گذاشته می‌شود ولی جزء صورت اموال قید می‌گردد. اشیائی که متعلق به اشخاص ثالث بوده یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهارحقی می‌نمایند در صورت اموال قید و مراتب ضمن صورت ذکر خواهد شد «مواد ۱۶ و ۱۷ قانون تصفیه امور ورشکستگی» هرگاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی و در آن قید

۱ - در امری که فاقد جنبه کیفری است اجازه جلب ورشکسته داده شده است.
۲ - دستور جلب که در امور کیفری معمولاً از اختیارات دادستانها، دادیاران، بازپرسان و در مواردی دادگاههای کیفری و در موارد نادر از اختیارات دادگاههای حقوقی «مانند ماده ۴۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی» است به اداره تصفیه واگذار شده است که مأموران آن همانند قضات دادسرا؛ و محاکم در مقام کشف و تعقیب جرائم یا صدور حکم و حلّ و فصل دعاوی نیستند والبسته این اختیار استثنایی از آن جهت به اداره تصفیه واگذار شده که از فرار یا مخفی شدن ورشکسته یا از حیف و میل اموال وی و تبانی احتمالی جلوگیری شود و مآلاً کار تصفیه با قدرت و سرعت به انجام برسد.

۳ - مهمتر آنکه طبق صریح ماده، توقیف تاجر ورشکسته به تقاضای اداره تصفیه و به موجب حکم دادگاه صورت می‌گیرد ولی رفع توقیف رأساً به دستور

می‌شود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً در ظرف مدت ده روز اجرای اصول ورشکستگی راه درخواست نکنند و هزینه آن را نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت. «ماده ۲۲ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

اقسام تصفیه:

تصفیه به دو گونه صورت می‌گیرد: ۱- تصفیه اختصاری ۲- تصفیه عادی

تصفیه اختصاری:

اگر به نظر اداره تصفیه حاصل اموال صورت برداری شده تکافوی پرداخت هزینه ورشکستگی را نکند اداره یاد شده اقدام به تصفیه اختصاری می‌کند مگر اینکه یکی از بستانکاران درخواست کند که کار بر طبق اصول تصفیه عادی جریان یابد و هزینه آن را هم قبلاً بپردازد.

در تصفیه اختصاری اداره آگهی می‌کند که در ظرف ۴۰ روز هرکس ادعایی دارد، بنماید و سپس بر طبق اقتضای منافع بستانکاران و بدون رعایت تشریفات اقدام به فروش اموال کرده و حاصل آن را بین طلبکاران تقسیم می‌کند و ختم عمل تصفیه را اعلام می‌دارد «ماده ۲۳ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

تصفیه عادی:

در تصفیه عادی مراحل و تشریفات

زیر باید طی شود:

۱- نشر آگهی در روزنامه رسمی و یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار، دوبار به فاصله ده روز، متضمن تعیین ورشکسته و محل اقامت و تاریخ توقف، اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعای حقی دارند به اینکه ادعای خود را ظرف ۲ ماه اعلام کنند. واصل یا رونوشت گواهی شده مدارک خود را تسلیم نمایند، اخطار به بدهکاران

متوقف که ظرف ۲ ماه خود را معرفی کنند. متخلفین از این اخطاریه به جریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین به نفع صندوق (ب) محکوم خواهند شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه نقدی متخلف را به حبس از ۳ تا ۶ ماه نیز محکوم نماید، اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته نزد آنهاست بر اینکه آن اموال را ظرف مدت مذکور در اختیار اداره تصفیه بگذارند وگرنه هر حقی نسبت به آن مال دارند از آنها سلب خواهد شد. تشکیل اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یک نفر از کارمندان اداره تصفیه و قرائت گزارش کار برای طلبکاران و استماع پیشنهادهای آنان، وصول مطالبات و در صورت لزوم اقامه دعوی، فروش اشیائی که قیمت آنها در معرض تنزل است، فروش برگهای بهادار و آنچه در بازار قیمت معینی دارد.

۲- رسیدگی به مطالبات و تصدیق یا رد آنها و در صورت اقتضا، با جلب نظر متوقف، مطالبه دفاتر بستانکاران در صورتی که لازم باشد، منظور کردن مطالباتی که مستند به سند رسمی است یا وثیقه ملکی دارد، تهیه صورتی ظرف ۲۰ روز با در نظر گرفتن مطالبات دارای حق

رهن یا رجحان، تهیه صورت بستانکاران مردود با ذکر دلیل و مطلع کردن بستانکاران از این صورت به وسیله نشر آگهی، رسیدگی فوری و اختصاری دادگاه به اعتراض بستانکار ذینفع (البته در صورت وجود معترض)، به طرفیت حسب‌المورد اداره تصفیه یا بستانکار دیگر وفق ماده ۳۶ قانون تصفیه، اظهار نظر نسبت به اسنادی که در ارائه آنها تاخیر شده ولی عذر موجهی در بین بوده است.

۳- دعوت بستانکارانی که طلب آنها قبول شده به وسیله اخطاریه و چنانچه درخواست قرارداد ارفاقی شده باشد، ذکر این مطلب در دعوتنامه برای حضور در جلسه.

۴- قرائت گزارش کامل وضع دارایی و مطالبات متوقف و استماع نظریات متوقف و بستانکاران و تنظیم صورت مجلس.

۵- فروش اموال به طریق مزایده، ترک مزایده در صورتی که هیئت بستانکاران (با داشتن شرایط مذکور در ماده ۴۸۰ قانون تجارت) رضایت دهند، یا مال در بازار یا بورس قیمت معینی داشته باشد.

۶- رعایت غبطه بستانکاران و عرف و عادت در تعیین شرایط فروش.

۷- تقسیم وجوه حاصل از فروش بین طلبکاران و اخذ اسناد طلب از آنان و اعطای سند عدم کفایت دارایی به بستانکارانی که به تمام طلب خود نرسیده‌اند. «مواد ۲۴ الی ۴۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

خاتمه ورشکستگی:

پس از تقسیم اموال خاتمه ورق بزنید

ورشکستگی اعلام می‌شود. هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموال مربوط به متوقف کشف شود اداره تصفیه آنها را به تصرف خود درآورده و حاصل فروش آن را، بدون هیچ تشریفات بین بستانکاران تقسیم می‌کند. نسبت به سهمیه‌هایی که به واسطه مشکوک بودن طلب به ودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آنها مجاز خواهد شد به همین ترتیب اقدام می‌گردد. «ماده ۴۹ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

مدت انجام عمل تصفیه:

قانونگذار در ماده ۵۰ قانون تصفیه امور ورشکستگی مدت تصفیه را ۸ ماه از تاریخ وصول حکم به اداره تصفیه تعیین کرده که باید ظرف این مدت فیصله یابد، ولی در ذیل ماده در صورت ضرورت اجازه تمدید آن را به دادگاه استان تفویض کرده است، که در تشکیلات فعلی قوه قضائیه وجود ندارد و به لحاظ یکدرجه‌ای شدن رسیدگی ماهوی جانشینی هم برای آن دیده نمی‌شود.

چون قدرمسلم آن است که مقنن اعطای اجازه تمدید را وظیفه دادگاهی می‌دانسته که در سلسله مراتب قضایی نسبت به دادگاه صادرکننده حکم در مرتبه بالاتری قرار داشته باشد و در وضع حاضر تنها دیوان عالی کشور این خصوصیت را داراست و گاهی به رسیدگی ماهوی نیز می‌پردازد، از این رو به نظر می‌رسد مرجع صدور اجازه تمدید، دیوان مزبور باشد. در حال مسئله‌ای است نظری و محتاج تحقیق بیشتر.

اشیاء مورد مطالبه اشخاص ثالث:

اداره تصفیه در مورد این‌گونه اشیاء تصمیم مقتضی گرفته و چنانچه ادعاکنندگان را محق بداند مورد ادعا را تسلیم می‌کند، در غیر این صورت به آنان ۱۰ روز مهلت می‌دهد که در دادگاه صلاحیتدار اقامه دعوی کنند. کسانی که در این فرجه به دادگاه رجوع نکنند دعوای آنان دیگر مسموع نخواهد بود «ماده ۲۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

حیطه اختیارات اداره تصفیه:

قانون به ملاحظه موقعیت ویژه‌ای که برای متصدیان امر ورشکستگی در اداره تصفیه قائل بوده، آنان را از تشریفات و نظارتهای عدیده‌ای که در قانون تجارت برای مدیر تصفیه مقرر بوده معاف کرده و به آنها اختیارات وسیعی داده است که در صفحات قبل به بخشی از آنها اشاره شده است و در این مجال به ماده ۳۹ قانون تصفیه امور ورشکستگی استناد می‌شود که به موجب آن: «اداره‌گزارش کاملی نسبت به وضعیت دارایی و مطالبات متوقف داده و نظریات متوقف و بستانکاران را استماع نموده در صورت مجلس ذکر می‌کند ولی تصمیم با خود اداره است مگر در مورد قرارداد ارفاقی و صرف نظر کردن از دعاوی مشکوک.»

در مقررات مخصوص:

بستانکارانی که دارای وثیقه‌اند نسبت

به حاصل فروش مال مورد وثیقه در برگ حاصل فروش، مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می‌شوند.

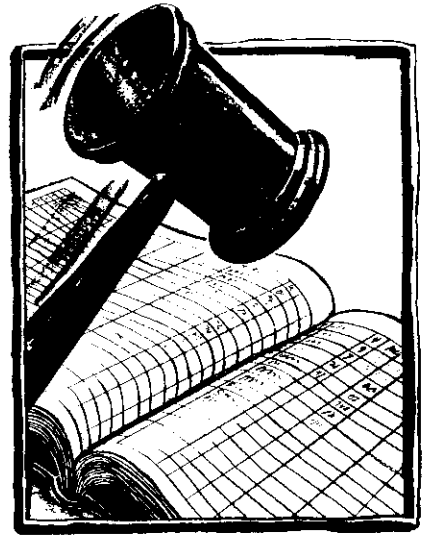
طلبهایی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقیمانده طلبهایی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش، این تقدم رعایت و قید می‌شود.

طبقه اول

الف - حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف.
ب - حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت ۶ ماه قبل از توقف.
ج - دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت ۳ ماه قبل از توقف.

طبقه دوم

طلب اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به میزانی که ورشکسته از جهت ولایت و یا قیمومت مدیون شده است. این نوع طلب در صورتی دارای حق تقدم خواهد بود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت یا در ظرف یکسال از انقضای آن اعلام شده باشد.



شرح آن در فصل بعد خواهد آمد، مراعات شود.

آمده است: «تصفیه موسسه بیمه طبق قانون تجارت به عمل می‌آید. در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد دادگاه بیمه مرکزی ایران را به عنوان قائم مقام اداره تصفیه معین می‌نماید و در حوزه دادگاههای شهرستانی که اداره تصفیه در آنجا تاسیس گردیده است اداره تصفیه با معاونت بیمه مرکزی ایران امر تصفیه را انجام خواهد داد.»

فصل چهارم - در مقررات مختلف

طبقه سوم

در این دو ماده به نکاتی کاملاً استثنائی برمی‌خوریم که در زیر به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

الف - در صورت اعلام ورشکستگی یک موسسه بیمه دادگاه مکلف است قبل از هرگونه اقدامی نظر بیمه مرکزی ایران را جلب و پس از وصول نظریه با توجه به آن تصمیم لازم اتخاذ کند.

ب - تصفیه موسسه بیمه ورشکسته برطبق قانون تجارت به عمل می‌آید، حتی در صورت وجود اداره تصفیه در حوزه دادگاه.

ج - در نقاطی که اداره تصفیه امور ورشکستگی وجود ندارد بیمه مرکزی ایران قائم مقام اداره تصفیه است و دادگاه مکلف به تعیین بیمه مرکزی ایران به جانشینی اداره مزبور است و به عبارت روشنتر کار تصفیه با مباشرت مستقیم بیمه مرکزی صورت می‌گیرد.

د - در حوزه دادگاههایی که اداره تصفیه وجود دارد، امر تصفیه با اداره تصفیه است با معاونت و همکاری بیمه مرکزی ایران.

به نظر می‌رسد تمهیدات قانونی دو ماده بالا به این منظور وضع شده باشد که در صورت امکان از وقوع ورشکستگی بقیه در صفحه ۱۲۰

آنچه تا اینجا مورد بحث قرار گرفت عمدتاً قانون تجارت و قانون تصفیه امور ورشکستگی و به طور فرعی قوانینی از قبیل آیین دادرسی مدنی، قانون اعسار، قانون امور حسبی، قانون مجازات اسلامی - تعزیرات و غیره بوده است. ولی در قوانین دیگر نیز مقرراتی در تماس و ارتباط با امر ورشکستگی دیده می‌شود که ذیلاً به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

طلب پزشک و دارو فروش و مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون در ظرف سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم

الف - نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب - مهریه زن تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه ازدواج اقلأ پنج سال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت به مازاد جزء سایر دیون محسوب می‌شود.

طبقه پنجم

سایر بستانکاران. «ماده ۵۸ قانون تصفیه امور ورشکستگی»

لازم به یادآوری است که حق تقدم مذکور در طبقات پنجگانه فوق باید با رعایت موادی از قانون کار و قانون بیمه، که

مشکلات قانونی مالیات سود سهام

اشاره:

چندی پیش رأی شماره ۳۰/۴/۱۲۸۵۵ هیئت عمومی شورای عالی مالیاتی در ارتباط با چگونگی محاسبه مالیات در اجرای مفاد ماده ۱۰۵ قانون مالیاتهای مستقیم صادر شد.*
رأی یاد شده، دو مسئله مالیاتی و حل صحیح آن را که توسط ممیز کلی تابعه اداره کل مالیات بر شرکتها تهیه شده تأیید کرده است.

بررسی بیشتر این مسائل و محاسبه مالیاتهای متعلقه نشان می‌دهد که اجرای قانون مالیاتهای مستقیم در بحث شرکتها در بسیاری از موارد ضمن ایجاد تناقض با قانون تجارت، باعث می‌شود که کل سود نقدی مثلاً ۴۰ درصدی نیز برای پرداخت مالیات متعلقه کافی نباشد و گروه سهامداران تا میزان ۵ تا ۶ درصدی نه تنها سودی نصیبشان نشود، بلکه مبالغی نیز بابت مالیات به شرکت بدهکار شوند.

مقامات مالیاتی ممکن است این تصور را داشته باشند که بدهکار شدن بعضی از سهامداران در حسابهای شرکتها مهم نیست. ولی حسابداران و مدیران واحدها که باید جوانب مختلف حسابداری و قانون تجارت را نیز در کنار رعایت مسائل مالیاتی در نظر داشته باشند، در این میان با مشکل بزرگی روبرو می‌شوند که در این مقال به آن پرداخته می‌شود.

طرح مسئله:

همان‌طور که در جدول شماره ۱ که دقیقاً براساس رأی یاد شده شورای عالی مالیاتی تنظیم شده است و نیز در سند حسابداری مربوط ملاحظه می‌شود، برخی از صاحبان سهام (در این مثال، سهامداران دولتی که پس از کسر ۱۰ درصد مالیات بر شرکت، کل باقیمانده سود آنها طبق قانون مالیاتهای مستقیم، به صورت یکجا مشمول مالیات تصاعدی ماده ۱۳۱ می‌شود)، بدهکار می‌شوند. گرچه این موضوع خود از دیدگاه قانون تجارت ناشناخته است، ولی در عین حال تساوی حقوق صاحبان سهام (ماده ۱۴۸) را مخدوش می‌کند. چون بعضی از صاحبان سهام به شرکت بدهکار شده‌اند و هیچ ماده قانونی نیز برای الزام آنان به پرداخت بدهی (مالیاتی)شان، وجود ندارد.

* متن رأی همراه سؤالات و پاسخ آنها به نقل از مجموعه قوانین مالیاتهای مستقیم - غلامحسین دوانی - صفحات ۳۸۸ تا ۳۹۹.



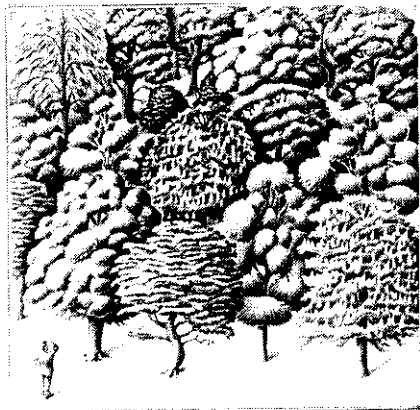
جدول شماره ۱ - محاسبه سود، مالیات و خالص قابل دریافت (بدهی) سهامداران شرکت الف
 کلیه ارقام به هزارریال (پذیرفته شده در بورس تهران)

سهامداران	درصد سهام	سود قابل تقسیم	اندرخته‌ها	سود تقسیم نشده	سود تقسیم شده	مالیات	خالص (بدهی)
شهرداری	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰,۳۹۰	(۳۹۰)
شرکت وابسته به شهرداری	۶	۶۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۲۴,۹۳۵	(۹۳۵)
شرکت دولتی	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۲۰,۳۹۰	(۳۹۰)
بانک الف (از منابع بانک)	۶	۶۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۲۴,۹۳۵	(۹۳۵)
بانک ب (از محل سپرده‌ها)	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۹,۰۳۰	۱۰,۹۷۰
بانک پ (از محل سپرده‌ها)	۶	۶۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۲۳۰	۱۱,۷۷۰
مؤسسه خیریه (معاف)	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	-	۲۰,۰۰۰
شرکت خارجی ۱	۲۵	۲۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۶۵,۳۳۰	۳۴,۶۷۰
شرکت خارجی ۲	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۹,۰۳۰	۱۰,۹۷۰
شرکت خارجی ۳	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۹,۰۳۰	۱۰,۹۷۰
شرکت خارجی ۴	۶	۶۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۱,۸۳۰	۱۲,۱۷۰
شرکت خصوصی ۱	۵	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۹,۰۳۰	۱۰,۹۷۰
شرکت خصوصی ۲	۶	۶۰,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۴,۰۰۰	۱۱,۸۳۰	۱۲,۱۷۰
صد نفر شخص حقیقی	۱۰	۱۰۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۴۰,۰۰۰	۶,۷۲۰	۳۳,۲۸۰
جمع	۱۰۰	۱,۰۰۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	۲۰۰,۰۰۰	۴۰۰,۰۰۰	۲۳۴,۷۱۰	۱۶۵,۲۹۰

سهامداران طلبکار ۱۶۷,۹۴۰
 سهامداران بدهکار (۲,۶۵۰)

ورق بنزید

- ارزش ویژه هر سهم ۱۰۰۰ ریالی پس از تقسیم سود ۲,۲۰۰ ریال
 (۵۰۰,۰۰۰): (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ + ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰)



سهام دارند ولی در عمل می‌دانیم که این‌گونه سهامداران در شرکت‌های بزرگ (و حتی پذیرفته شده در بورس) معمولاً به میزان بسیار بیشتری سهام دارند، این میزان گاهی به ۶۰ درصد و بیشتر می‌رسد. هرچه میزان سهام این‌گونه سهامداران بیشتر باشد، مشکل بزرگتر

از کل سود مبلغ ۱۰۰ میلیون ریال حاصل از فعالیت کشاورزی (معاف حتی برای دولتی‌ها) و ۲۰۰ میلیون ریال سایر درآمدهای معاف (برای غیردولتی‌ها) است. ضمناً ۱۰۰ میلیون ریال از اندوخته‌ها مربوط به توسعه و تکمیل است.

به حداقل قانونی (۱۰ درصد) پایین می‌آید. هرچه سود نقدی کمتر باشد، مشکل بزرگتر می‌شود.

۳- شرکت مورد نظر در بورس تهران پذیرفته شده است و بنابراین از معافیت‌های دوگانه ده درصد مالیات شرکت و ۱۵ درصد از سود تقسیم شده استفاده می‌کند. اگر شرکت در بورس پذیرفته نشده باشد به علت زیادتر شدن مالیات و کمتر شدن سود نقدی، مشکل بزرگتر می‌شود. جدول شماره ۲ محاسبات مربوط در این حالت را نشان می‌دهد. (دومین مثال مندرج در بخشنامه یاد شده)

۴- مالیات مربوط به سود تقسیم نشده و اندوخته‌ها را نمی‌توان از خودشان کم کرد یعنی امکان نشان دادن اندوخته‌ها و سود تقسیم نشده هر سهامدار به صورت خالص وجود ندارد. ممکن است مقامات مالیاتی به این مسئله (خالص بودن سهم هر سهامدار از اندوخته و سود تقسیم نشده در قسمت حقوق صاحبان سهام) حساسیتی نداشته باشند ولی از دید

سند حسابداری

سند حسابداری ترکیبی و نهایی به شکل زیر درمی‌آید (چنانچه سود سهام پیشنهادی در اول کار به صورت ناخالص ثبت شود نیز به هر حال پس از پرداخت مالیات، وضع به همین صورت درمی‌آید):

ریال	ریال	ریال
	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	حساب تقسیم سود
	۳۹۰,۰۰۰	بدهکاران - شهرداری
	۹۳۵,۰۰۰	بدهکاران - شرکت وابسته به شهرداری
	۳۹۰,۰۰۰	بدهکاران - شرکت دولتی
	۹۳۵,۰۰۰	بدهکاران - بانک الف
۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰		اندوخته توسعه و تکمیل
۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰		اندوخته عمومی
۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰		سود انباشته
۱۶۹,۹۴۰,۰۰۰		سود سهام پیشنهادی - خالص
۲۳۲,۷۱۰,۰۰۰		ذخیره مالیاتی
<u>۱,۰۰۲,۶۵۰,۰۰۰</u>	<u>۱,۰۰۲,۶۵۰,۰۰۰</u>	

می‌شود.

۲- شرکت‌های یاد شده به علت نیاز شدید به سرمایه در گردش، به ندرت سود سهام نقدی تا حد ۴۰ درصد از کل سود را تقسیم می‌کنند. این نسبت گاهی

توضیح لازم:

۱- سهامداران دولتی و شهرداری یاد شده در این مثال حداکثر ۶ درصد

جدول شماره ۲ - محاسبه سود، مالیات و خالص قابل دریافت (بدهی) سهامداران شرکت ب پذیرفته شده در بورس تهران)

کلیه ارقام به هزارریال

سهامداران	درصد سهام	سود تقسیم شده	مالیات	خالص (بدهی)	
					ناخالص
شهرداری	۵	۲۰,۰۰۰	۲۰,۳۹۰	(۳۹۰)	
شرکت وابسته به شهرداری	۶	۲۴,۰۰۰	۲۴,۹۳۵	(۹۳۵)	
شرکت دولتی	۵	۲۰,۰۰۰	۲۰,۳۹۰	(۳۹۰)	
بانک الف (از محل بانک)	۶	۲۴,۰۰۰	۲۴,۹۳۵	(۹۳۵)	
بانک ب (از محل سپرده‌ها)	۵	۲۰,۰۰۰	۱۱,۶۵۰	۸,۳۵۰	
بانک ب (از محل سپرده‌ها)	۶	۲۴,۰۰۰	۱۴,۳۹۰	۹,۶۱۰	
مؤسسه خیریه (معاف)	۵	۲۰,۰۰۰	-	۲۰,۰۰۰	
شرکت خارجی ۱	۲۵	۱۰۰,۰۰۰	۷۲,۹۱۹	۲۷,۰۸۱	
شرکت خارجی ۲	۵	۲۰,۰۰۰	۱۱,۶۵۰	۸,۳۵۰	
شرکت خارجی ۳	۵	۲۰,۰۰۰	۱۱,۶۵۰	۸,۳۵۰	
شرکت خارجی ۴	۶	۲۴,۰۰۰	۱۴,۳۹۰	۹,۶۱۰	
شرکت خصوصی ۱	۵	۲۰,۰۰۰	۱۱,۶۵۰	۸,۳۵۰	
شرکت خصوصی ۲	۱۶	۶۴,۰۰۰	۴۴,۰۸۷	۱۹,۹۱۳	
		۴۰۰,۰۰۰	۲۸۳,۰۳۶	۱۱۶,۹۶۴	
		۴۰۰,۰۰۰	۲۸۳,۰۳۶	۱۱۶,۹۶۴	

سهامداران طلبکار ۱۱۶,۹۶۴
سهامداران بدهکار (۲,۶۵۰)

- ارزش ویژه هر سهم ۱,۰۰۰ ریالی پس از تقسیم سود ۲,۲۰۰ ریالی

برای مثال فرض کنیم سود انباشته به صورت ناخالص و اندوخته به صورت خالص ثبت شود؛ در این صورت ارزش ویژه هر سهم مربوط به سهامداران مختلف به شرح جدول شماره ۳ خواهد بود. حال آنکه در مثال جدول ۱ دیدیم ارزش ویژه هر سهم، صرف نظر از سهامدار مربوط، مبلغ ۲,۲۰۰ ریالی بود و اگر قیمت بازار سهم مثلاً دو برابر ارزش ویژه آن باشد، هر سهامدار، سهم خود را در قیمت ۴,۴۰۰ ریالی عرضه می‌کرد و برای خریدار نیز فرقی نمی‌کرد که فروشنده چند سهم دارد.

وضع بدتر می‌شود

در شرکت‌هایی که تاکنون مورد توجه قرار گرفته است، تعداد بسیار کمی از افراد و شرکتها سهامدارند، ضمناً سهام به‌طور نسبتاً همگن بین سهامداران توزیع شده است. از طرفی میزان سود نقدی پیشنهادی نسبتاً زیاد تعیین شده است. مثال زیر که محاسبه مالیات آن در جدول شماره ۴ آمده است کمی واقع بینانه‌تر تنظیم شده است. پیش آمده به مراتب، بدتر است.

= شرکت سهامی عام «ج» پذیرفته شده در بورس تهران
- سرمایه ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریالی
ورق بزنید

خواهیم داشت، یعنی در این صورت سهام هرکس به دلیل مختلف بودن ارزش ویژه آن، قیمتی مخصوص خواهد داشت.

حسابداری، مدیریت مالی و مخصوصاً بورس، این اقدام، فاجعه‌آمیز تلقی خواهد شد چرا که در این صورت به تعداد سهامداران شرکت، قیمت سهام

جدول شماره ۳ - محاسبه ارزش ویژه سهام سهامداران جدول ۱
(درحالی که اندوخته هر سهامدار به صورت خالص ثبت شود)

کلیه ارقام به هزارریال

سهامدار	تعداد سهام	مبلغ سرمایه	سود انباشته (ناخالص)	اندوخته خالص	جمع	ارزش ویژه سهم سهم ۱۰۰۰ ریالی
شهرداری	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۱,۸۴۴	۴۶,۸۴۴	۱,۸۷۴
شرکت وابسته به شهرداری	۳۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۱۴,۰۲۶	۵۶,۰۲۶	۱,۸۶۸
شرکت دولتی	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۱,۸۴۴	۴۶,۸۴۴	۱,۸۷۴
بانک الف	۳۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۱۴,۰۲۶	۵۶,۰۲۶	۱,۸۶۸
بانک ب	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۷,۰۸۵	۵۲,۰۸۵	۲,۰۸۳
بانک پ	۳۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۰,۲۸۵	۶۲,۲۸۵	۲,۰۷۶
مؤسسه خیریه	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰	۲,۴۰۰
شرکت خارجی ۱	۱۲۵,۰۰۰	۱۲۵,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۷۹,۸۳۵	۲۵۴,۸۳۵	۲,۰۳۹
شرکت خارجی ۲	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۷,۰۸۵	۵۲,۰۸۵	۲,۰۸۳
شرکت خارجی ۳	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۷,۰۸۵	۵۲,۰۸۵	۲,۰۸۳
شرکت خارجی ۴	۳۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۰,۲۸۵	۶۲,۲۸۵	۲,۰۷۶
شرکت خصوصی ۱	۲۵,۰۰۰	۲۵,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۱۷,۰۸۵	۵۲,۰۸۵	۲,۰۸۳
شرکت خصوصی ۲	۳۰,۰۰۰	۳۰,۰۰۰	۱۲,۰۰۰	۲۰,۲۸۵	۶۲,۲۸۵	۲,۰۷۶
صد نفر شخص حقیقی	۵۰,۰۰۰	۵۰,۰۰۰	۲۰,۰۰۰	۳۷,۶۰۰	۱۰۷,۶۰۰	۲,۱۵۲
	<u>۵۰۰,۰۰۰</u>	<u>۵۰۰,۰۰۰</u>	<u>۲۰۰,۰۰۰</u>			

همانطور که ملاحظه می شود ارزش ویژه هر سهم از ۱۸۶۸ ریال تا ۲۴۰۰ ریال در نوسان است.

سود ویژه قبل از مالیات
۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۱٪ و ۲۹۰۰ سهامدار خصوصی هر یک
۰/۰۱ درصد و جمعاً ۲۹٪

- سهامداران: شرکت دولتی ۳۵٪،
بانک (از منابع بانک) ۲۰٪، شرکت
سرمایه گذاری ۱۰٪، سهامدار بزرگ
خصوصی ۵٪ و یک سهامدار خصوصی

- تصمیم مجمع عمومی برای تقسیم
سود به شرح زیر بوده است:
- انتقال به اندوخته عمومی
۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

- تقسیم سود ۲۵٪ سرمایه
۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

- سود تقسیم نشده
۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

(سود تقسیم نشده ممکن است
بعداً به صورت سود سهمی درآید)

جدول شماره ۴ - محاسبه سود، مالیات و خالص قابل دریافت (بدهی) سهامداران شرکت ج (پذیرفته شده در بورس)

کلیه ارقام به هزار ریال

سهامداران	درصد سهام سود تقسیم شده ناخالص	مالیات	خالص (بدهی)
شرکت دولتی	۳۵	۵۹۲,۴۶۵	(۴۱۷,۴۶۵)
بانک	۲۰	۳۳۸,۷۶۵	(۲۳۸,۷۶۵)
شرکت سرمایه گذاری	۱۰	۱۴۳,۳۳۰	(۹۲,۳۳۰)
سهامدار خصوصی	۵	۶۳,۴۵۵	(۳۸,۴۵۵)
سهامدار خصوصی	۱	۹,۵۳۰	(۴,۵۳۰)
۲۹۰۰ سهامدار خصوصی	۲۹	۱,۰۱,۷۹۰	۴۳,۲۱۰
		<u>۱,۲۴۹,۳۳۵</u>	<u>(۷۴۸,۳۳۵)</u>

- ارزش ویژه هر سهم ۱۰۰۰ ریالی
پس از تقسیم سود ۲,۲۵۰ (ریال)

سهامداران طلبکار ۴۳,۲۱۰
سهامداران بدهکار (۷۴۸,۳۳۵)

همانطور که براساس جدول ۴ مشخص است، در چنین حالتی که خیلی هم بعید نیست، تنها کسانی که حدود یک صدم درصد سهام داشته باشند ممکن است بدهکار نشوند. در مثال مورد بحث سهامدار یک صدم درصدی که مبلغ ۳۰۰,۰۰۰ ریال سود برده است، مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ ریال اندوخته و مبلغ ۱۵۰,۰۰۰ ریال سود تقسیم نشده دارد. البته از ۵۰,۰۰۰ ریال سود تقسیم شده نیز تنها ۱۴,۹۰۰ ریال به خانه می برد و نیز با استفاده از معافیت های دوگانه (۱۰ درصد مالیات شرکت و ۱۵ درصد از سود تقسیم شده) هنوز روی ۳۰۰,۰۰۰ ریال سود کل، مبلغ ۳۵,۹۰۰ ریال مالیات خواهد پرداخت (۱۱,۹۷ درصد).

البته به علت اینکه مالیات سود تقسیم شده و نشده یکجا محاسبه می شود اگر در مثال فوق تغییر بزرگی ایجاد کنیم نیز وضع خیلی بهتر نمی شود:

اندوخته ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سود تقسیم شده ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

سود تقسیم نشده ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

نتیجه در جدول شماره ۵ مشخص شده است.

والبته تنها راه چاره برای اینکه سهامداران ۵ و ۱۰ درصدی نیز بدهکار نشوند اینست که حداقل ۱/۵ میلیارد ریال از سود تقسیم شود که در این حالت ارزش ویژه هر سهم ۱۰۰۰

بقیه در صفحه ۶۹

جدول شماره ۵ - محاسبه سود، مالیات و خالص قابل دریافت (بدهی) سهامداران شرکت د (پذیرفته شده در بورس)

کلیه ارقام به هزار ریال

سهامداران	درصد سهام سود تقسیم شده ناخالص	مالیات	خالص (بدهی)
شرکت دولتی	۳۵	۵۹۲,۴۶۵	(۲۴۲,۴۶۵)
بانک	۲۰	۳۳۸,۷۶۵	(۱۳۸,۷۶۵)
شرکت سرمایه گذاری	۱۰	۱۴۳,۳۳۰	(۴۳,۳۳۰)
سهامدار خصوصی	۵	۶۱,۵۸۰	(۱۱,۵۸۰)
سهامدار خصوصی	۱	۹,۲۳۰	۷۷۰
۲۹۰۰ سهامدار خصوصی	۲۹	۹۹,۱۸۰	۱۹۰,۸۲۰
		<u>۱,۲۴۴,۵۵۰</u>	<u>(۲۴۴,۵۵۰)</u>

- ارزش ویژه هر سهم ۱۰۰۰ ریالی
پس از تقسیم سود ۲۰۰۰ (ریال)

سهامداران طلبکار ۱۹۱,۵۹۰
سهامداران بدهکار (۲۴۴,۵۵۰)



در جشن انتشار صدمین شماره ماهنامه حسابدار تمامی همکاران حسابدار و میهمانانی از خانواده مطبوعات کشور عصر و شبی دلپذیر را در کنار هم گذراندند.

عصر روز چهارشنبه ۲۴ شهریور پژوهشگران، کارشناسان، استادان رشته حسابداری که برای صد شماره حسابدار مقاله فراهم آورده بودند، به همراه گردانندگان ماهنامه در مدت انتشار صد شماره آن، در کنار همکاران ماهنامه دربرگیرنده ویراستار، طراح، عکاس، مدیران مؤسسات چاپ، حرفه‌جینی و لیتوگرافی، و سرانجام توزیع‌کنندگان ماهنامه از ترافیک سنگین عصرهای تابستان جاده قدیم شمیران و خیابان شهید باهنر (نیاوران) گذشتند تا به اردوگاه شهید باهنر (منظره) برسند و در کنار یکدیگر و در کنار میهمانانی از خانواده مطبوعات کشور انتشار صدمین شماره ماهنامه حسابدار را در هوای پاک و دلپذیر کوهپایه‌های شمالی تهران جشن بگیرند و کوششی علمی - فرهنگی را پاس بدارند.

آنچه در صفحات پیش روی می‌خوانید گزارشی است از این مراسم.



— هوشنگ خستویی - رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران



برنامه را آغاز کنیم» و میهمانان درگیر طبع زیبا پسند و هوای پاک و دلپذیر که حاضران را امان رفتن به داخل تالار نمی‌داد. تا سرانجام مهارت‌های سردبیری بر لطافت هوا نیز پیروز شد و میهمانان در داخل سالن جشن قرار گرفتند.

در این زمان آقای محمد شلیله سردبیر ماهنامه به عنوان مجری جشن به میهمانان ماهنامه این‌گونه خوش‌آمدگفت:

«به جشن انتشار صدمین شماره

برگزارکنندگان جشن را با مشکلی لطیف روبه‌رو می‌کردند و آن اینکه سرانجام چگونه باید میهمانان را از فضای گسترده اردوگاه به تالار قرا خواند. کاری که به‌طور طبیعی برعهده سردبیر ماهنامه گذاشته شد. و سردبیر که در سالهای گذشته برای گرد آوردن مقاله و مطلب و پیگیری امور مربوط به پیشرفت مراحل چاپ و انتشار با نزدیک به تمامی میهمانان در ارتباطی مستمر بوده، حالا تنها درخواستش این بود که: «استدعا می‌کنم به داخل سالن تشریف بیاورید تا

حضور میهمانان جشن از ساعت ۶ بعدازظهر بتدریج آغاز شد و اگرچه میهمانان به سالن محل برگزاری جشن هدایت می‌شدند اما یا در دم و بدون هیچ تردیدی راهی فضای آزاد و زیبای اردوگاه می‌شدند و یا گاهی در سالن می‌نهادند، دمی می‌نشستند و پس از چند لحظه چنانکه گویی کسی نباید از کار آنان آگاه شود، به آسانی و آرامی به دوستان در فضای آزاد می‌پیوستند و





— محمد شلیله - سردبیر ماهنامه

حسابدار به شماره ۱۰۰ رسید. زمانی که دوره جدید انتشار حسابدار را آغاز کردیم، فکر نمی‌کردیم که بتوانیم ده شماره ماهنامه منتشر کنیم».

سپس افزودند:

«از شما که به‌خاطر انتشار صدمین شماره حسابدار به اینجا تشریف آورده‌اید تشکر می‌کنیم و از خانها و آقایانی که در راه انتشار حسابدار به ما یاری رساندند بویژه کسانی که در مراحل آغازین انتشار حسابدار که هنوز شناخته شده نبود و تهیه مقاله بسیار مشکل بود ما را یاری دادند، سپاسگزاریم. به‌هر حال مجله حسابدار متعلق به شماست و انشاء... از این به بعد نیز با همکاری و اعطای مقاله انتشار آن تداوم یابد و بار دیگر در همین جا دویستمین شماره حسابدار را جشن بگیریم».

پس از سخنان آقای دکتر تقوی آقای غلامرضا سلامی نایب رئیس و عضو شورای عالی انجمن به حضار معرفی شدند و در توصیف نقش ایشان در تداوم فعالیت‌های ماهنامه حسابدار گفته شد:

«آقای غلامرضا سلامی سالها از

چگونه در این راه جان باختند. یا با هیچ ابزار و وسیله‌ای نمی‌توانیم تأثیری را بیافرینیم که فرهاد با تیشه‌ای در بیستون آفرید. چه دلاورانی که از آنها یاد کردیم و چه فرهاد هر دو عاشق بودند. اما به گمان من برای انجام کارهای مطبوعاتی نیز باید عاشق بود. باید عاشق بود که بتوان با دریافت مابه‌ازای اندک، کاری دشوار را پیش برد. باید عاشق بود تا آرمان را به پول نفروخت و من دست‌اندرکاران ماهنامه حسابدار را عاشق می‌دانم که با امکانات بسیار محدود چنین کار مهمی را انجام می‌دهند. بنابراین کسانی‌را که در این جشن به شما معرفی می‌شوند به چشم بزرگی بنگرید که تا کسی بزرگ نباشد نمی‌تواند در وادی بزرگی گام بردارد».

پس از سخنان آقای خستویی، سردبیر ماهنامه برجسته‌ترین ویژگی آقای دکتر مهدی تقوی مدیر مسئول ماهنامه حسابدار را در کار با ماهنامه برشمرد. وی گفت برخورد راحت و مشکل‌گشای آقای دکتر تقوی از راهگشاترین امکانات ماهنامه در طول سالهای انتشار آن بوده است و افزود انتشار حسابدار مدیون سالها کوشش و تلاش ایشان است و در زمانهایی که حسابدار با هر اندازه از تأثیر از نظر عوامل و امکانات انتشار با چنان محدودیتهایی روبه‌رو بوده که فعالیت آن به آسانی می‌توانسته متوقف شود، آقای دکتر تقوی با پشتکار چشمگیری نگذاشتند حسابدار متوقف شود. وی پس از اشاره‌ای کوتاه به پیشینه علمی و دانشگاهی آقای دکتر تقوی از ایشان درخواست کرد که حرفهای خود را درباره سرگذشت حسابدار با حاضران در میان بگذارند. آقای دکتر تقوی ساده و بی‌پیرایه چنان که مشی ایشان است گفتند:

«ما بسیار خوشحالیم که سرانجام

ماهنامه حسابدار خوش آمدید. جشنی که به‌اعتبار شرکت‌کنندگان آن، بیانگر وجود قلبهای امیدوار و بزرگی است که به نیکبختی و بهروزی انسانها می‌اندیشند. به جشن ما و به جشن خودتان خوش آمدید. ما امشب میزبان حسابداران برجسته، صاحب‌نظران صاحب نام و مؤثر جامعه مطبوعات، حقوقدانان معتبر، کارشناسان و کارگزاران نامی مالیات، بیمه و بانکداری کشور و دیگر صاحب‌نظران و پژوهشگران جامعه دوستی هستیم که وصف نیکبختی و نیکخواهیهای آنان نه کار من و نه کار آسانی است....»

مجری جشن سپس به روان پاک استادان و بنیانگذاران حسابداری نوین در ایران روانشادان اسمعیل عرفانی‌نژاد و حسن سجادی‌نژاد درود فرستاد و از دیگر استادان برجسته و پیشکسوتان رشته و حرفه حسابداری و حسابرسی یاد کرد. پس آنگاه برنامه برگزاری جشن را اعلام کرد و از آقای هوشنگ خستویی رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران دعوت کرد که جشن را افتتاح کنند.

آقای هوشنگ خستویی سخنان خود را چنین آغاز کردند:

«با سلامی بسیار صمیمانه به خدمت هر یک از مدعوین عزیز که با حضور خودشان مجلس حسابداران را گرمی و صفا بخشیدند».

آقای خستویی افزودند:

«این جشن برای دستیابی به دو هدف برگزار شده است. دیدار دوستان و ارج نهادن به کسانی که ماهنامه حسابدار را تهیه و تدارک می‌بینند. برخی از کارها دارای ویژگیهایی است که برای انجام آنها باید عاشق بود. به‌عنوان مثال برای دفاع از کشور باید عاشق بود، چنانکه دیدیم دلاوران ما

موجودیت حسابدار حمایت و پشتیبانی کرده‌اند و هوشمندها و درست‌اندیشی‌های ایشان در راه رفع مشکلات فراوان حسابدار از برجسته‌ترین عوامل پایداری حسابدار بوده است.»

پس از ارائه پیشنهاد پیشینه تحصیلی و شغلی آقای سلامی، از ایشان برای ارائه دیدگاه‌هایشان در باره ماهنامه حسابدار، خواسته شد که در جایگاه سخنرانان قرار گیرند. سخنان آقای سلامی در جشن انتشار صدمین شماره حسابدار را در این شماره خواهید خواند.

پس از سخنان آقای سلامی، مجری جلسه از آقای جمشید ارجمند درخواست کرد که معرفی آقای مهدی بهشتی‌پور از پیشکسوتان برجسته مطبوعات حرفه‌ای را عهده‌دار شوند. آقای ارجمند در مقدمه معرفی آقای بهشتی‌پور گفتند:

«وظیفه بسیار مطبوعی برعهده من گذاشته شده است؛ یعنی اجرا و احیای سنت بسیار ستودنی و زیبایی که نظیر آن را در جوامع زیادی نمی‌توان سراغ گرفت. مگر در جوامعی که برخوردار از پیشینه فرهنگ و تمدن، روابط و مناسبات اجتماعی بسیار نزدیک و مبتنی بر ژرفا و عمقی باشد. این سنت همانا تجلیل و گرامی‌داشت پیشکسوتان حرفه‌است. این‌گونه بزرگداشت حکایت از دو ریشه بررسی‌شدنی دارد، یکی وجود یک روابط و مناسبات بسیار قدیمی در ایران و بزرگداشت و احترام اعضای حرفه و وجود سلسله مراتبی در حرفه‌ها و دیگری وجود پیشینه مناسبات کار در ایران که از وجود سابقه مناسبات اقتصاد شهری منظم و سازمان‌یافته خیر می‌دهد.»

آقای ارجمند سپس گفتند:
«جا دارد که امشب من نیز از ماهنامه

حسابدار به‌عنوان عضو پایدار و جاقفاده از خانواده مطبوعات که صد شماره را پشت سر گذاشته و هر شماره آن قدمی به جلو برداشته تشکر کنم که این فرصت را برای مطرح کردن حرفه و نقش دست‌اندرکاران و پیشکسوتان آن فراهم آورده است.»

ایشان معرفی آقای بهشتی‌پور را چنین آغاز کردند:

«استاد همه ما آقای مهدی بهشتی‌پور بیش از ۴۰ سال است که به جامعه

خوانده‌ایم. ایشان از اواخر دهه ۲۰ وارد خدمت مطبوعاتی شده‌اند و دوره پرافت و خیز و پر نشیب و فرازی را پشت سر گذاشته‌اند و از نزدیک حاضر و ناظر بر جریان‌ات اقتصادی کشور بودند. اما به‌رغم کسالتی که دارند، هنوز همچنان در راه گذشته گام برمی‌دارند.»

آقای ارجمند سپس از دستاوردهای فعالیتهای سالهای طولانی کار و تلاش مطبوعاتی استاد مهدی بهشتی‌پور یاد کردند:



— مهدی بهشتی‌پور - روزنامه‌نگار



— جمشید ارجمند - ویراستار ماهنامه

«ایشان کتابهایی مانند «تاریخ صنعت نساجی در ایران» و «تاریخ ذوب آهن» را منتشر کرده‌اند و بعد هم کتاب اقتصاد و انقلاب را به رشته تحریر درآورده‌اند و اکنون نیز در پی سالها پژوهش دست‌اندرکار تألیف اثری هستند که واقعا جا دارد ما همه منتظر انتشار آن باشیم. یعنی «تاریخ مطبوعات ایران بعد از ۱۳۲۰»، یعنی بخش اعظم تاریخ دوره‌ای ورق بزیند

مطبوعات و به جامعه ما خدمت کرده‌اند و می‌کنند بویژه آن که ایشان در بخشی از مطبوعات کشور اشتغال داشته‌اند که نزدیکی بسیاری با زمینه کار ماهنامه حسابدار دارد. ایشان سالهای سال دبیر سرویس اقتصادی روزنامه اطلاعات بودند و سالهای سال هم در تهران اکونومیست رئیس هیئت تحریریه بودند. افزون بر این بیشتر ما مقالات ایشان را در زمینه تحلیلهای اقتصادی و مسائل بازرگانی

از مطبوعات که ایشان نقش فعال در آن دوره داشته‌اند. ایشان اثر جالب دیگری را در دست دارند و آن کتاب «قربانیان مطبوعات» است که نام آن بلافاصله شنونده را به یاد عشقی، فرخی، صوراسرافیل و کریمپور و دکتر فاطمی و... می‌اندازد. که مشتاقانه منتظر رفع مشکلات انتشار آن هستیم».

آقای ارجمند در پایان از آقای بهشتی پور برای ایراد سخنریشان دعوت کردند. سخنرانی آقای بهشتی پور را در همین شماره در صفحات آینده می‌خوانید.

پس از سخنرانی آقای بهشتی پور، آقای شلیله سردبیر ماهنامه حسابدار اظهار داشتند که تاریخچه‌ای از آغاز تا انتشار صدمین شماره حسابدار فراهم آورده بودیم که به دلیل کمی فرصت تنها برای به جا آوردن شرط وفاداری به ذکر نام نه تمامی کسانی که حسابدار را یاری کرده‌اند، بلکه تنها کسانی که در زمانهای خاص در پدید آوردن یا تحول بخشیدن به پیشرفت حسابدار یا جلوگیری از توقف آن سهم درخور توجهی داشته‌اند بسنده می‌کنیم. از جمله از آقای رسول محمدی سالک که عضو نخستین شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران و تنها شرکت‌کننده در این جشن از اعضای شورای عالی انجمن هستند که از بانیان و بنیانگذاران حسابدار به‌شمار می‌آیند. از خانم فریده خلعتبری باید یاد کنیم که مسئولیت اجرایی ایجاد حسابدار برعهده ایشان بوده است و تولد و تداوم فعالیت حسابدار به میزان چشمگیری مدیون کوششهای احترام‌برانگیز ایشان است. در زمانی آقای مهربان‌پروز به یاری مجله شتافته‌اند و با کوششها و پیگیریهای بسیار آن را از یکی از بحرانهای مهم رهانیده‌اند. از

ذکر سهم و نقش آقای دکتر تقوی که همگان آگاهید می‌گذرم. در دوره‌ای آقای عباس اسرار حقیقی ریاست کمیته انتشارات انجمن را عهده‌دار بوده‌اند و نشریه را هدایت می‌کردند. آقای فریبرز امین تلاشهای درخور توجهی برای پیشبرد امور ماهنامه مبذول داشته‌اند. بررسی گذشته انجمن بیانگر آن است که آقای پرویز افتخار جواهری در دوره‌ای حساس و طولانی مسئولیت اداره انجمن و پشتیبانی و هدایت ماهنامه را برعهده داشته‌اند و شاید اگر در آن زمان و دوره نشریه از حمایت ایشان برخوردار نبود، ممکن بود فعالیتهای آن با توقف روبه‌رو شود. از پیگیریها و پشتیبانیهای مستمر آقای بهروز وقتی برای ارتقا و ادامه انتشار ماهنامه باید یاد کرد. همچنین از آقایان پرویز صادقی، جهانگیر رضایی و غلامحسین دوانی و بسیاری دیگر که ذکر نام آنها در فرصت اندکی که از برنامه امشب پیش‌روی ماست، امکانپذیر نیست. همچنین باید از استادان، صاحب‌نظران، پژوهشگران و کارشناسان دیگر حرفه‌ها که در هر شماره

حسابدار که به بررسی مقوله ویژه‌ای اختصاص داشت در کنار ما قرار گرفتند و انتشار هر ویژه‌نامه را امکانپذیر ساختند یاد کرد. از جمله باید از کارگزاران و کارشناسان بورس اوراق بهادار، نظام مالیاتی کشور، سیستم بانکی و جامعه بیمه‌گران و... نام برد. پس از سپاسگزاریهای آقای شلیله از همکاران سابق ماهنامه، نوبت صرف شام رسید.

اغراق نیست اگر زمان صرف شام را بتوان یکی از دلپذیرترین زمانهایی توصیف کرد که گروهی از حسابداران، کارگزاران حرفه‌های همسان و میهمانان مطبوعات این فرصت را به دست می‌آوردند که در هوای پاک و دلچسب کوهپایه‌های شمال تهران شبی را با هم بگذرانند و شامی را با هم صرف کنند. فارغ از غوغای فرساینده کار در شرایط کنونی و ارتباطات فشارافزای آن. وضعی که زمان صرف شام را به درازا کشانید، اما انگار به همه خوش گذشت، و به هر حال به پایان رسید.



حسابداری



— مصطفی علی مدد - استاد و پژوهشگر رشته حسابداری

آقای شلیله در ادامه معرفی آقای ارجمند افزودند:

«ایشان در سال ۱۳۱۸ در تهران متولد شدند، و در رشته اقتصاد و روزنامه‌نگاری، اقتصاد جهانگردی، مدیریت، زبانهای باستانی و زبانشناسی در ایران و فرانسه به تحصیل پرداخته‌اند. در سال ۱۳۳۸ به



— آقای جمشید ارجمند در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای نظام‌الدین ملک‌آرایی.

پس از صرف شام اداره کننده جلسه به معرفی آقای مصطفی علی مدد، از زبان خودشان در جریان گفتگویی با ماهنامه حسابداری پرداختند که:

«من یک تصدیق دوچرخه دارم و یک قلب پاک و چیز چندان بیشتری ندارم. شاگرد آدمهای مختلفی بودم در رشته حسابداری، شاگرد دکتر اکبری، شاگرد دکتر جورابچی، شاگرد دکتر عزیز نبوی که بر من در رشته‌ام حق بسیاری دارند و در این اواخر شاگرد آقای سجادی‌نژاد».

سپس از آقای علی مدد درخواست شد که سخنرانی خود را ارائه کنند. که آن را در صفحات بعد خواهید خواند.

پس از سخنرانی آقای علی مدد نوبت به معرفی همکاران سردبیری رسید در این زمان آقای شلیله به ترتیب از همکاران خود دعوت کردند تا در برابر شرکت‌کنندگان قرار گیرند و یکایک به آنها معرفی شوند.

در این بخش همچنین از آقای نظام‌الدین ملک‌آرایی رئیس مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی درخواست شد که هدایای پیشبینی شده برای همکاران سردبیری را توزیع کنند. قبل از اجرای این مراسم سردبیر ماهنامه از آقای ملک‌آرایی به‌عنوان یکی از جدیترین و مؤثرترین یاریگران ماهنامه حسابداری، که همواره از هر گونه همکاری، پشتیبانی و رهنمود به ماهنامه استقبال می‌کنند یاد

حوزه مطبوعات حرفه‌ای پیوسته‌اند و بویژه در دهه ۴۰ در زمینه نقد فیلم و سینما فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند و بعدها فعالیت‌های مطبوعاتی خودشان را به سایر زمینه‌ها گسترش داده‌اند. آقای ارجمند کتابهایی را در زمینه سینما تألیف و کتابهای متعددی را ترجمه کرده‌اند. قبل از انقلاب اسلامی سردبیری مجله رودکی و پس از انقلاب سردبیری مجله علمی را ورق بزیند

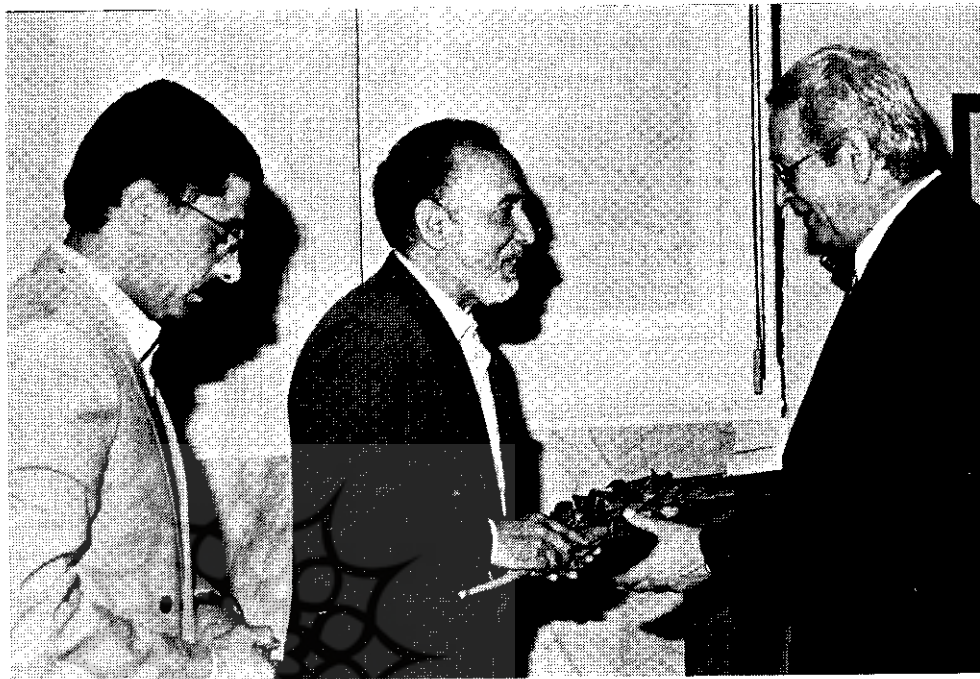
کردند. در این قسمت نخست آقای جمشید ارجمند ویراستار ماهنامه به‌وسیله آقای شلیله چنین معرفی شدند:

«آقای ارجمند را نمی‌توانم همکار خود بخوانم، ایشان معلم، برادر، یار و یاور و پشتیبان من هستند که زحمات و ویرایش فارسی مجله را برعهده دارند و البته مسئولیت زبان تخصصی ماهنامه یکسره با ماهنامه است».

آقای سعید جعفری است که نزدیک به تمامی همکاران و پژوهشگران و صاحب‌نظران همکار ماهنامه ایشان را می‌شناسند، ایشان متولد سال ۱۳۵۰ و در واقع ۱۲ سال قبل از تولد حسابدار متولد شده‌اند. ایشان هم‌اکنون دانشجوی سال اول رشته مدیریت بیمه دانشگاه آزاد اسلامی هستند.»

در پایان بخش معرفی همکاران سردبیری آقای مهدی میرزایی عکاس ماهنامه به حضاران معرفی شدند. در معرفی ایشان گفته شد:

«در سال ۱۳۳۱ متولد شدند، از سال ۱۳۵۲ همکاری خود را با روزنامه کیهان آغاز کرده‌اند که هم‌اکنون نیز همکاری ایشان با کیهان به عنوان عکاس ادامه دارد. بازتاب فعالیت ایشان در نزدیک به بیشتر صفحات مصاحبه، میزگرد، سمینارها و دیگر گزارشها به چشم می‌خورد.»



— آقای پرویز خوانساری در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای نظام‌الدین ملک‌آرایی



— آقای سعید جعفری در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای ملک‌آرایی

یادآوری کنم که شاگرد استاد محسن دولو بوده‌اند. فعالیت‌های حرفه‌ای خود را با طراحی تهران مصور بچه‌ها آغاز کرده‌اند. از همکاری دکتر نصرالله شیفته و خانم فروغ فخرزاد بهره‌مند بوده‌اند. مدتی با مجله روشنفکر و سالها با مؤسسه کیهان همکاری کرده‌اند و دوره‌های متعددی را در کشورهای مختلف در زمینه‌های طراحی نشریات گذرانده‌اند. عضو جامعه جهانی تبلیغات و عضو سندیکای نویسندگان و خبرنگاران هستند.»

سردبیر حسابدار در ادامه معرفی همکاران ماهنامه یکی از کارکنان جوان خود را این‌گونه معرفی کردند:

«همکار جوانی مدت ۲ سال است که به جمع همکاران حسابدار پیوسته‌اند که محصول کار و تلاش وی را در جزء جزء نشریه حسابدار می‌توان دید. این همکار

عهده‌دار بوده‌اند و هم‌اکنون با ماهنامه صنعت حمل و نقل و حسابدار همکاری می‌کنند و سردبیر فصلنامه «اقتصاد کشاورزی و توسعه» هستند.»

آقای شلیله سپس به معرفی طراح و صفحه‌پرداز ماهنامه آقای پرویز خوانساری پرداختند و در باره ایشان گفتند: «یار دیگر ماهنامه و یاور بزرگوار من هنرمند چیره‌دست آقای خوانساری هستند که یکی از دستاوردهای ذوق و هنرشان تابلویی است که در برابر شما قرار دارد.» و افزودند:

«آقای خوانساری در سال ۱۳۱۴ در ساری متولد شدند. دوره دبیرستان را در دبیرستان علمیه به پایان بردند. بعد از پایان دوره دبیرستان به فعالیت در زمینه نقاشی رنگ و روغن و سایر فعالیت‌های هنری پرداخته‌اند و از من خواسته‌اند که حتماً

حسابدار



— مجید میراسکندری (مدیر اجرایی ماهنامه)

نقش آنها در کار نشریه پرداختند. از جمله از خانم منیژه نفیسی به عنوان مسئول امور مشترکین ماهنامه که سالها با انجمن همکاری دارند، از خانم میترا مقدس زاده مسئول حسابداری انجمن، از آقای اکبرزاده مدیر مؤسسه لیتوگرافی صحیفه نور و خانم خامنه ای مدیر مؤسسه حروفچینی ماهنامه و زحمات مؤثر و ارزشمند هر یک یاد کردند تا نوبت به آقای علی اکبر حاجی حسینی همکار دبیرخانه و ماهنامه رسید. آقای میراسکندری در معرفی ایشان گفتند:

سالهاست که عضو کمیته انتشارات انجمن هستند و تواناییها و خلاقیتهای ایشان همیشه مددکار انجمن بوده و هست و هر اقدامی با همراهی، همکاری و یاری ایشان انجام می شود.

در این قسمت آقای میراسکندری ضمن تشریح مراحل اجرایی تولید ماهنامه پس از تنظیم و صفحه بندی تا توزیع آن همکاران هر مرحله را به شرکت کنندگان معرفی کردند. منتها چون چهار نفر از همکاران فردی و مؤسسه ای امور اجرایی ماهنامه در جلسه حضور نداشتند، تنها به ذکر نام و سهم و

در پایان این بخش آقای نظام الدین ملک آرای پس از توزیع هدایای همکاران سردبیری سخنانی به این شرح بیان داشتند: «من هم از طرف حضار از دعوتی که برای شرکت در ضیافت انتشار صدمین شماره مجله حسابدار به عمل آمده سپاسگزاری می کنم و توفیق روزافزون تمام همکاران را در مداومت انتشار این مجله وزین و ممتاز از خداوند متعال خواستارم.»

سپس نوبت به معرفی همکاران امور اجرایی ماهنامه رسید و از آقای میراسکندری درخواست شد که برای معرفی همکاران اجرایی ماهنامه اداره جلسه را به عهده گیرند. قبل از اجرای این مراسم آقای شلیله به معرفی کوتاه آقای میراسکندری پرداختند و گفتند:

«آقای میراسکندری عضو شورای عالی و دبیر انجمن حسابداران خبره ایران و

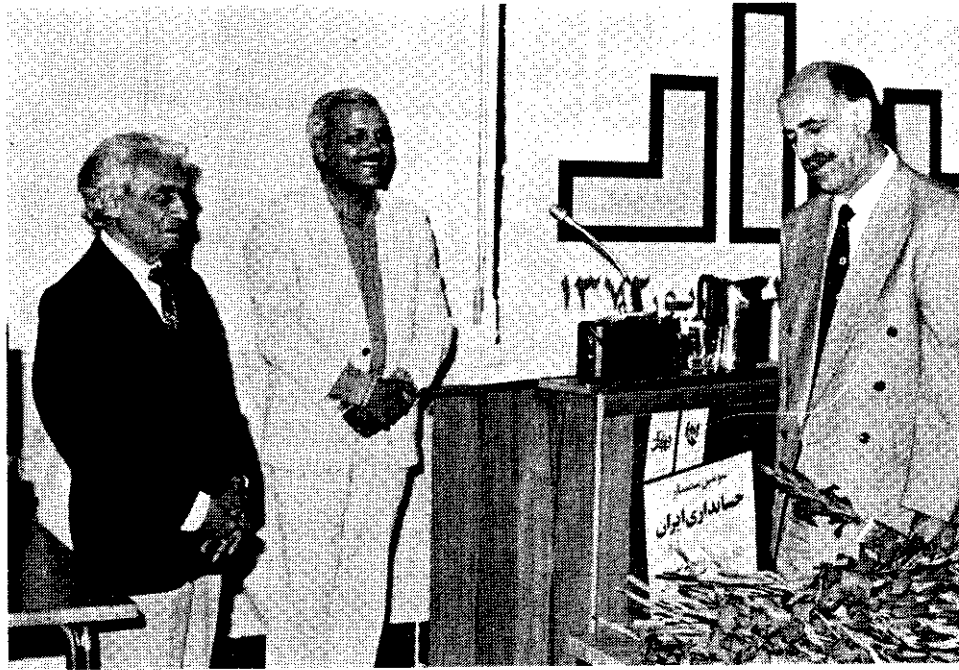
ورق بزیند



— آقای علی اکبر حاج حسینی در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای حیدرخوی



— آقای مهدی میرزائی - عکاس ماهنامه



— آقای یعقوب حسینی مدیر چاپخانه سرو (سمت راست)

چهره‌های مؤثر و شناخته شده حسابداری ایران هستند توزیع شد.

در پایان آقای شلیله از میهمانان شرکت‌کننده در جشن و از جامعه مطبوعات تشکر کرد و بویژه بر برخورد دلپذیر و مؤثر و کردار حرفه‌ای سندیکای نویسندگان و خبرنگاران تأکید کرد.

سرانجام تقدیرنامه‌های استادان، پژوهشگران، کارشناسان و کارگزارانی که حسابدار را در انتشار صد شماره آن یاری داده بودند، به‌وسیله آقایان هوشنگ خستویی رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خیره ایران، محمد حیدری دبیر سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات و بهروز وقتی عضو شورای عالی انجمن حسابداران و از حسابداران حرفه‌ای قدیمی کشور توزیع شد.

در پایان همچنین هدایای محدودی که تهیه شده بود به ابتکار آقای غلامرضا سلامی از طریق قرعه‌کشی به تعدادی از شرکت‌کنندگان اهدا شد.

مسئول توزیع ماهنامه پرداختند و افزودند: «به هر حال بجز توزیع تعدادی ماهنامه برای اعضای انجمن، ماهنامه‌های چاپ شده را به دست آقای محسن حیدرزاده می‌سپاریم تا ایشان به دست خوانندگان و مخاطبان مجله برسانند».

گفتنی است که هدایای همکاران اجرایی ماهنامه بنا به درخواست آقای میراسکندری به وسیله استاد غلامرضا حیدر خوبی که از

«همکار خوب من، آقای علی‌اکبر حاجی حسینی بیشتر از بسیاری از همکاران حرفه‌ای و از جمله خود من در خدمت حرفه بوده‌اند. ایشان در بسیاری از کارهای مجله، ما را یاری می‌دهند؛ از تحویل و تحول کاغذ گرفته تا ارسال مجله برای توزیع یا مشترکان و اعضای انجمن. ایشان به هر حال در تمامی مراحل نقش دارند».

سپس نوبت به معرفی آقای حسینی مدیر چاپخانه سرو رسید. آقای میراسکندری در معرفی چاپخانه سرو و مدیریت آقای حسینی گفتند:

«آخرین مرحله از فرایند تولید ماهنامه حسابدار را چاپخانه سرو و با مدیریت آقای حسینی انجام می‌دهند که کار بسیار دقیق و مشکلی است، بویژه در این روز و روزگار با کاغذهای دارای کیفیتهای مختلف و مرکبهای با کیفیت پائین. اما به هر حال با تواناییها و تجربه طولانی و استادی آقای حسینی نشریه با کیفیتی در حد امکان خوب و مناسب چاپ می‌شود».

مدیر اجرایی ماهنامه سرانجام به معرفی



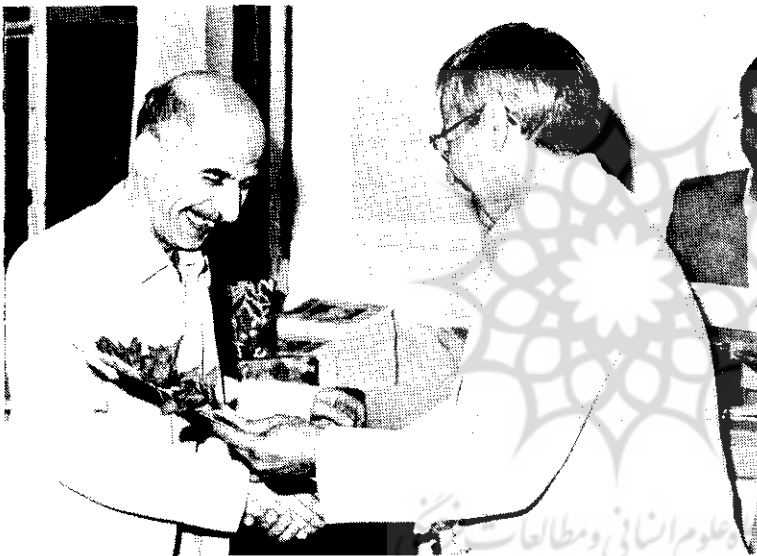
آقای محسن حیدرزاده



— آقای حیدری دبیر سندیکای خبرنگاران و آقای نظام ملک آ



— ردیف جلو از راست به چپ: آقای محمد قائد (سر دبیر ماهنامه صنعت حمل و نقل)، جمشید ارجمند، مهدی بهشتی پور، ...



— آقای دکتر مهدی تقوی در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای خستویی.

یژنامه جشن انتشار صدمین شماره حسابدار با تشکر و قدردانی آقای غلامرضا سلامی نایب رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران از آقای شلیله سردبیر ماهنامه پایان گرفت.



— آقای بهروز وقتی در حال دریافت هدیه ماهنامه از آقای هوشنگ خستویی.



— آقای محمد حیدری

● درخواست من از جامعه مطبوعات این است که حسابداری را تنها مقوله‌ای تخصصی که نمی‌تواند با عموم مردم ارتباط برقرار کند، تلقی نکنند.

انضباطهای حسابداری، در عین حال حسابداری در کلیت خودش همانند بسیاری از دانشها مقوله‌ای عام است که مسائل آن می‌تواند در سطح گسترده‌ای در جامعه مطرح باشد. انتظار ما این بود که با اتخاذ روش جدید انتشار مجله که در آن مسائل تخصصی در جنبه عام آن مطرح می‌شود و تاکنون مسائلی مانند مالیات، بیمه، بانکداری، بورس و... موارد متعدد دیگر از جمله آموزش حسابداری را دربر گرفته و به انعکاس دیدگاههای کارشناسی تخصصی پرداخته شده است، توجه بیشتری در سطح جامعه و مطبوعات به این مسائل بشود و فرهنگ شناخت حسابداری در جامعه توسعه یابد.



به نظر من پیشرفت یا عقب‌افتادگی هر کشوری را می‌توان با درجه پیشرفت یا عقب‌ماندگی سیستم اطلاعات حسابداری در آن جامعه سنجید. درست است که حسابداری در جامعه ما چندان شناخته شده نیست، اما واقعیت این است که برداشتن هر گامی در راه تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تنظیم بودجه، تفریح بودجه، تشخیص وصول مالیات، با تکیه بر سیستمهای کارآی حسابداری میسر است. اطلاعات سیستم حسابداری ملی نمی‌تواند کامل باشد، مگر

داخلی قدردانی کنیم. افزون بر این، ما برای انتشار مجله با کمبود مقاله نیز روبه‌رو بودیم چرا که می‌کوشیدیم تا مطالب مجله بیشتر زاینده فکر کارشناسان حرفه حسابداری و حسابرسی و همکاران مالیاتی و رشته‌های وابسته باشد و کمتر از مطالب ترجمه شده استفاده کنیم، که خوشبختانه اکنون به‌طور نسبی به این هدف نزدیک شدیم. چرا که ما فکر می‌کنیم مسائل حرفه حسابداری در ایران مسائل خاص ایران است و مسائل مربوط به ایران باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. البته به‌رغم تکنیکی بودن

● سلام و خیرمقدم عرض می‌کنم. اکنون که وظیفه طرح مسائلی در باره حسابداری به من محول شده، مطالبی را در باره کوششهایی که در راه استمرار انتشار حسابداری به عمل آمده است عرض می‌کنم. ۹ سال پیش که نخستین شماره حسابداری در دوره جدید با همت آقای دکتر تقوی و همکاران شورای عالی انجمن و سایر اعضای کمیته انتشارات منتشر شد، واقعاً امیدی نداشتیم که انتشار آن بتواند ادامه پیدا کند، چرا که انجمن هم با مشکل تأمین مالی برای این کار روبه‌رو بود و هم از نظر نیروی انسانی برای این کار در مضیقه بود و هم این که از انجمن پشتیبانی نمی‌شد و ناچار بودیم این بار را به تنهایی به دوش بکشیم. البته وزارت محترم ارشاد اسلامی در زمینه تأمین کاغذ و سایر نیازمندیهای ماهنامه در حد امکان ما را یاری دادند. ما هم لازم می‌دانیم در این جلسه از یاریهای این وزارتخانه و اداره کل مطبوعات



— آقای غلامرضا سلامی.

دیگر تفاوت هزینه‌های انجام شده یک پروژه در ایران در مقایسه با هزینه‌های پروژه همانند در یک کشور صنعتی است. که چون این مقایسه‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مربوط انجام نمی‌شود، تأثیر آنها بازتاب آشکاری ندارد. به هر حال صحبت من با میهمانانی که از جامعه مطبوعات قبول زحمت فرموده و در این جشن حضور دارند این است که مقوله حسابداری را تنها مقوله‌ای تخصصی که نمی‌تواند با عموم مردم ارتباط برقرار کند، تلقی نکنند، بلکه این رسالت و وظیفه را می‌توان برای جامعه مطبوعات قائل بود که اسباب آشنایی بیشتر مردم را با حسابداری فراهم آورند تا فرهنگ حسابداری در کشور همگانی شود و مردم و نمایندگان مردم حسابخواهی کنند. آشکار است در این صورت کسی که از اصول مدیریت یا امانت عدول کرده باید پاسخگو باشد و کسی که بر اساس اصول و ضوابط درست فعالیت کرده، با اطمینان خاطر بیشتری ادامه فعالیت می‌دهد که گفته‌اند آن را که حساب پاک است، از محاسبه چه باک است. ●

مدیریت در جامعه جلوگیری کند. وقتی که اطلاعات حسابداری منتشر نمی‌شود یا اگر منتشر شود تجزیه و تحلیل نمی‌شود، نمی‌توان به نارسایی‌های موجود در سازمانها پی برد، در حالی که اگر اطلاعات یاد شده منتشر و تجزیه و تحلیل شود، بسیاری از مشکلات آشکار خواهد شد.

به‌عنوان مثال همه می‌دانیم که برخی از شرکتها از سهمیه ارزی با نرخ برابری ۷۰ ریال یا ۶۰۰ ریال استفاده می‌کردند. در حالی که کالاهایشان با کالاهای خارجی با ارز آزاد رقابت نمی‌کرد. با این که سهمیه ارزی داشتند، حقوق گمرکی و بهره بانکی کمتری پرداخت می‌کردند. ریشه‌یابی این‌گونه نابسامانیها تنها از راه تجزیه و تحلیل مالی امکانپذیر است. یا باز می‌بینیم که تفاوت نرخ دریافتی و پرداختی بهره در ایران ۵ برابر نرم بین‌المللی است که چیزی نزدیک به ۲ درصد است در حالی که در ایران این تفاوت ۱۰ درصد است. این مسائل باید به‌وسیله حسابداران متخصص تجزیه و تحلیل شود. به هر حال با طرح این مسائل می‌خواهم بگویم که مطبوعات نباید این مسائل اساسی را نادیده بگیرند و خودشان را از ورود به این‌گونه بحثها کنار بکشند. از جمله مسائل درخور توجه

این که سیستم اطلاعات حسابداری در بخش دولتی، خصوصی و عمومی کشور کامل باشد.

به این دلایل هم ما انتظار داشتیم وقتی که مجله به طرح مسائل عمومی جامعه می‌پردازد، در سطح جامعه این مسائل مورد بحث و بررسی قرار گیرد و نشریات تخصصی و اجتماعی نیز به بررسی بیشتر و ارزیابی آنها بپردازند. تا حیطه موضوعی حسابداری در جامعه بیشتر معرفی شود و این رشته رونق بیشتری پیدا کند. درباره اهمیت این رشته می‌توان به آمار و اطلاعات دیگر کشورها استناد کرد. به‌عنوان مثال در کشور آلمان ۲۵۰ هزار نفر حسابدار یا مشاور مالیاتی فعالیت می‌کنند و کادر مالیاتی متخصص سیستم مالیاتی آلمان ۱۵۰ هزار نفرند. در حالی که بعید به نظر می‌رسد که کل فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری ایران به ۱۵ هزار نفر برسد. حتی به‌دست آوردن آمار حسابداران متخصص در ایران نیز تقریباً غیرممکن است. در امریکا نزدیک به ۲۵۰ هزار حسابدار متخصص غیرامریکایی دارای عنوان CPA فعالیت می‌کنند. منظور من از طرح این مسائل در این جلسه این است که نشان دهم بی‌توجهی به حسابداری چه پیامدهایی می‌تواند داشته باشد. حسابداری می‌تواند از سوءاستفاده‌ها، ریخت و پاشها یا ضعف

دوران پرفراز و نشیبی را در مطبوعات گذرانده ایم

* مهدی بهشتی پور (روزنامه نگار)

با عرض سلام و سپاس فراوان از حضار محترم. افتخار می‌کنم که امشب در حضور چند تن از دوستان بسیار خوب و باارزش هستم که بعضی از آنها به سن پسران من هستند ولی فضل و دانششان به مراتب از من بیشتر است که در برابرشان سر تعظیم فرود می‌آورم. امروزه کسانی در مطبوعات ما هستند که گمنامند، ولی واقعاً زحمت می‌کشند، کار می‌کنند و ناشناخته مانده‌اند. به هر حال من به این انجمن و اعضای تحریریه این مجله، مدیر محترم، سردبیر و همه اعضای آن تبریک و تهنیت می‌گویم. ما دوران پرفراز و نشیبی را در مطبوعات گذرانده‌ایم. ۱۶۰ سال از تاریخ مطبوعات فارسی زبان چاپی می‌گذرد، ولی متأسفانه هنوز هم ما در بسیاری از نشریاتمان داریم درجا می‌زنیم. با آماری که در چند ماه اخیر از طرف وزارت ارشاد داده شد، چیزی حدود روزانه ۶۰۰ هزار نسخه نشریه اعم از مجله و روزنامه و هفته‌نامه و گاهنامه در ایران منتشر می‌شود که با کمال تأسف برای آمارهای موجود در

یکی دو ماه اخیر نیز به علت گران شدن بهای برخی از نشریات، تعداد تیراژ باز هم پایتتر آمده است. در حالی که تا ۷-۸ ماه پس از انقلاب، ۴/۵ الی ۵ میلیون نشریه در روز منتشر می‌شد. یعنی کیهان در حدود ۱ میلیون و ۲۸۰ هزار نسخه، اطلاعات ۱ میلیون و صد و چند هزار نسخه و بقیه جراید از ۲۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار و مجلات باز هم در همین حدود، ولی امروزه متأسفانه تیراژها پایین است. ولی باعث خوشحالی من است که نشریاتی را می‌بینم مثل همین نشریه حسابدار واقعاً قدر آن را بدانید. کمک کنید. آقای خستویی خیلی مختصر صحبت کردند، ولی جالب بود که استمداد کردند و گفتند که باید به نشریه کمک شود. جناب سلامی به تفصیل صحبت کردند، خیلی خوب صحبت کردند. واقعاً چه از نظر حسابداری و چه از نظر مجله صحبت‌هایی کردند که من فکر نمی‌کنم لازم باشد آنها را تکرار کنم. این مجله حسنی که دارد که باید خیلی خوب به آن توجه بکنیم و همکارانم به آن توجه کرده‌اند و من هم تا حدودی توجه کردم و امیدوارم ادامه داشته باشد و کاری بکنیم که بیش از اینها، در تیراژ بالاتر و مطالب بهتر

منتشر بشود. در وهله اول چنانکه جناب خستویی گفتند و دکتر تقوی هم به اختصار به آن اشاره کردند، این مشارکت و همیاری و همبستگی اعضاست که می‌تواند مجله را خیلی بهتر از اینها عرضه بکند و باید به این مجله کمک بشود. اگر کمک دوستان نباشد، واقعاً این مجله مشکل به راه خودش به این شکل ادامه بدهد.

از کارهای خوب این نشریه می‌زگردهایی است که من دیدم با شرکت صاحب نظران در این مجله مرتب تشکیل شده است. کسانی در این میزگردها شرکت کرده‌اند که می‌توانند مسائلی را که امروزه در کشور هست بخوبی بیان بکنند و نظراتشان منتشر می‌شود و به نظر عده زیادی از هموطنان ما که علاقه‌مند این رشته هستند می‌رسد. یکی دیگر از کارهای جالب و آموزنده نشریه، بخشی است که به مسائل مالی و اقتصادی روز می‌پردازد. از جمله بررسی بازار سهام، مالیات، وضع بانکداری در نظام جمهوری اسلامی ایران، بیمه در ایران، مسائل ارزی و تورم در ایران که باز هم یادآوری و تأکید می‌کنم که این مسائل را بیش از اینها دنبال بکنند و از وجود این صاحب نظران استفاده بشود. ما

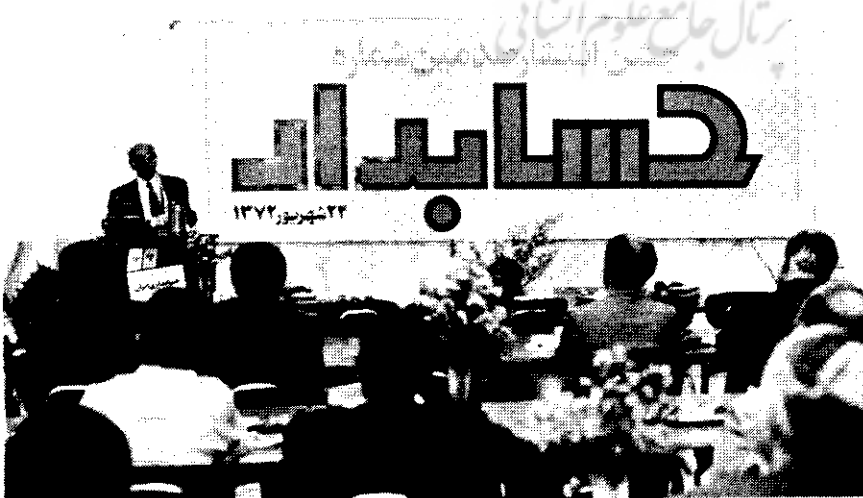


فقط چند نشریه انگشت شمار داریم که چنین کارهایی را دارند می‌کنند و بسیار هم مورد توجه قرار گرفته است. بویژه مورد توجه دانشجویان و استادان در تمامی دانشگاه‌های ایران قرار گرفته است. ویژگی دیگر این نشریه یاد کردن از حسابداران و خانواده آنان است که کار بسیار خوبی است. اما من انتظار دارم قبل از این که امثال مرحوم عرفانی در میان شما نباشد، از آنها که واقعاً شخصیت‌هایی هستند، تا زنده‌اند تجلیل بکنید. از آنها یاد بکنید و از وجود آنها استفاده بکنید. اگر آنها را از دست بدهید و برای آنها بزرگداشت بگیری، هنر نیست. در جامعه ما بعضی از سندیکاهای و انجمن‌ها چنین کاری را می‌کنند و از شخصیت‌های مورد نظرشان تا زنده هستند تجلیل می‌کنند و خاطرات آنها را منتشر می‌کنند.

کار دیگری که این انجمن و ماهنامه انجام می‌دهد و واجد اهمیت بسیار زیادی است، برگزاری سمینارهاست. این سمینارها بسیار مفید است و نتایج خوبی را به دست می‌دهد.

گفتم بسیار است اما آقای شلیله روزی پیشنهادی کردند که می‌خواهم به ایشان بگویم اگر پیشنهاد ایشان عملی بشود، بسیار خوب است اما بعید به نظر می‌رسد و آن شکل مطبوعات تخصصی است. ما قبل از شهریور ۱۳۲۰ سندیکا و اتحادیه و مانند اینها نداشتیم و در دوران ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ اگر چیزهایی بوده عده‌ای از شعرا و نویسندگان در خانه‌های خودشان جمع می‌شدند و شعر می‌خواندند در باره مسائل روز صحبت می‌کردند، بعد از شهریور ۱۳۲۰ فعالیتها زیاد شد، بخصوص مدیران جراید، اتحادیه‌ها، و انجمن‌هایی را به عنوان مختلف تشکیل دادند. ولی متأسفانه پس از چندی این انجمن‌ها و اتحادیه‌ها تعطیل و منحل شد. به خاطر این که همبستگی نبود، منافع مالی بیشتر مطرح بود و مقام. هر کس می‌آمد می‌خواست رئیس و دبیر بشود. متأسفانه اعضای تحریریه‌ها هم از همان نیمه دوم دهه ۲۰ که شروع کردند به فعالیت بارها برای تشکیل سندیکای خبرنگاران تلاش کردند و موفق نشدند تا این که در سال ۱۳۴۱ بود که شورای نویسندگان و خبرنگاران به وجود

آمد و بعد سندیکای کارکنان ارتباط جمعی و چندی قبل هم تعاونی مطبوعات به وجود آمد که عده‌ای از صاحبان امتیاز و مدیران نشریات در آن تعاونی هستند و فعالیت می‌کنند. البته سندیکای نویسندگان و خبرنگاران هم یک و لکی می‌کند. به هر حال منظور از بیان این سوابق این است که یک انجمن یا کانون جراید تخصصی تشکیل شود که دوبار در دهه ۴۰ و ۵۰ چنین چیزی تشکیل شد، متأسفانه این انجمن‌ها هم به دلیل مسائلی که به اطلاعات رساندم تعطیل شد. اما اگر بواقع الان تعدادی نشریه تخصصی فعال در رشته اقتصادی و حسابداری و راه و ساختمان و سایر نشریه‌های تخصصی، بتوانند مشکل بشوند و انجمنی را به وجود بیاورند می‌توانند خیلی بهتر از اینها کار کنند. باز هم به یکایک شما تبریک می‌گویم و امیدوارم که برای همیشه این همبستگی را حفظ کنید. خیلی معذرت می‌خواهم سرتان را درد آوردم. ●



آرزو کنیم که روزی

کارگزاران آینده حسابدار

انتشار هزارمین شماره مجله را در اوج

عصر اطلاعات جشن بگیرند.

در کاوش پیاپی لبها و دستهاست
کاین نقش آدمی
بر لوحه زمان
تصویر می شود*



امشب و در اینجا، انتشار یکصدمین شماره مجله حسابدار را جشن گرفته ایم؛ به عنوان عضوی از جامعه بزرگ حسابداران ایران، این موفقیت را به شما اداره کنندگان، نویسندگان، پژوهشگران، حروف چینان، صفحه پردازان، چاپچیان... صمیمانه تبریک می گویم؛ و آرزو می کنم تلاش جمعی شما در آینده هرچه پرثمرتر باشد.

امشب و در اینجا و در آستانه عصر اطلاعات گردهم آمده ایم تا کوشش پیگیر کارگزاری از کارگزاران اطلاعات را سپاس بگذاریم و آرزو کنیم که با تلاش جمعی جامعه مطبوعات کشورمان و دیگر عوامل موثر در اطلاعات و اطلاع رسانی، عصر تازه بر ما خجسته باشد و با سلامت، رفاه، دانش و نیکیبختی قرین.

گفته اند و بدرستی گفته اند که در عصر اطلاعات مهمترین سرمایه جوامع اطلاعات است. سرمایه اطلاعاتی است که

* سیاوش کسرایی، مادر

* متن سخنان آقای مصطفی علی مدد در جشن انتشار صدمین شماره ماهنامه حسابدار.

می‌تواند سرمایه‌های مادی جوامع را در راه تولید، توسعه اقتصادی، اشاعه و گسترش دانش و فرهنگ تجهیز کند و بدرستی به کار بگیرد. هرچند که متأسفانه این سرمایه می‌تواند در راه ویرانی و تخریب هم به کار رود و به کار هم می‌رود. با این حال، همین سرمایه اطلاعاتی است که می‌تواند مانع تخریب و تباهی هم بشود و می‌شود.

این تصور که با وارد کردن کامپیوترهای کوچک و بزرگ و خرید بسته‌های نرم‌افزاری گوناگون و یا با ایجاد بانکهای اطلاعاتی کلید دروازه عصر اطلاعات را یافته‌ایم تصویری باطل است چرا که ورود به عصر اطلاعات با شناخت عمیق طرز کار و کاربرد ابزارهای گوناگون اطلاعاتی ممکن می‌شود؛ چرا که ورود به عصر اطلاعات با استقرار و به کارگیری سیستمهای اطلاعاتی در زمینه‌ها و فعالیتهای مختلف از کار و کارخانه گرفته تا مدرسه و خانه میسر می‌شود؛ چرا که ورود به عصر اطلاعات مستلزم تکامل رسانه‌های همگانی، رشد و گسترش علوم و تکنولوژی، تحول و پیشرفت آموزش و ایجاد مراکز و مراجع اطلاعاتی است، وگرنه با چندصد، چندهزار و یا حتی چند صد هزار کامپیوتر، فقط کامپیوتر خواهیم داشت که اغلب دو مصرف عمده دارد: یا روی آن را می‌پوشانیم که خاک نخورد، یا روی آن را نمی‌پوشانیم که خاک بخورد. البته کامپیوتری که روی میز کار ما یا در صدر اتاقی از خانه ماست علاوه بر ایجاد تشخص و تفاخر می‌تواند دوران شیرین بچگی ما را تکرار کند و به جای دیدن به دنبال توپ و دوچرخه، شاهزاده پارسی را دوان دوان از موانع مختلف بگذراند و...

عرضم از این مطالب مخالفت با خرید و استفاده از کامپیوتر حتی برای بازی هم نیست - این ابزار عصر اطلاعات، چه بخواهیم و چه نخواهیم راهش را باز می‌کند و می‌آید - بلکه قصدم این است که بگویم همراه با افزایش تعداد کامپیوتر و به تناسب این افزایش، عوامل دیگر هم باید تقویت شوند. رسانه‌های گروهی به طور اعم و مطبوعات به طور اخص عامل موثری است که تقویت آن برای ورود به عصر اطلاعات لازم است.

مجله ما، یعنی حسابدار، نزدیک به ده سال گذشته، خوشبختانه چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی پیشرفت‌های چشمگیر و شتاب‌آمیزی کرده است. تعداد صفحات هر شماره از حدود ۶۰ صفحه در قطع وزیری و با حروف تایپی به ۱۲۸ صفحه در قطع بزرگ و با حروف چاپی رسیده به عبارت دیگر مطالب هر شماره حداقل ۶ برابر شده است.

تیراژ مجله، که همواره نشانه استقبال خوانندگان است، به رغم هفت برابر شدن قیمت مجله، ۵ برابر شده است. از لحاظ کیفیت هم مطالب مجله بهبود چشمگیری داشته، به طوری که در شماره‌های اخیر هر شماره دارای یک موضوع محوری بوده و این روش توانسته همکاری صاحب‌نظران مختلف را جلب و مطالب سودمندی را فراهم کند.

ویرایش ادبی مطالب و کیفیت کاغذ، چاپ، صفحه‌بندی، لیتوگرافی و دیگر عوامل فنی چاپ هم بهبود چشمگیری داشته است. این پیشرفت همه‌جانبه، حاصل تلاش پیگیر اداره‌کنندگان مجله، حمایت انجمن حسابداران خبره ایران و کمکهای بیدریغ کسانی است که برای مجله مطلب نوشته‌اند؛ و در اینجا دوباره از همه آنها قدردانی می‌کنیم. اما بیان پیشرفت‌ها به معنای آن نیست که مجله ما کمبود و نارسایی ندارد.

به عنوان یک مجله تخصصی و حرفه‌ای، مجله ما باید مقالات تحقیقی در زمینه روشها و تکنیکهای مختلف حسابداری در شرایط و اوضاع و احوال خاص ایران داشته باشد. مجله ما و حرفه ما باید مشخص کند چرا حسابداری و حسابداران ما در طول چند دهه گذشته نتوانسته‌اند در بهبود مدیریت مؤسسات موفقیت چشمگیری داشته باشند؛ چه نقایص و چه موانعی در راه عرضه اطلاعات مالی در سطح مؤسسات و به کارگیری این اطلاعات در عرصه تصمیم‌گیریهای مختلف وجود دارد و چه راه‌حلهایی را می‌توان برای بهبود وضعیت موجود توصیه کرد.

مجله ما و حرفه ما باید تحقیقاتی را درباره کمیت و کیفیت اطلاعات مالی که توسط مؤسسات منتشر می‌شود انجام دهد و



حرفهای خانم فریده خلعت‌بری

نخستین سردبیر «حسابدار»

پس از انتشار یکصد شماره ماهنامه

● پدید آمدن «حسابدار» به میزان درخور توجهی مدیون کوششهای خانم فریده خلعت‌بری است. گذشته از یاریهای پدیدریغ اعضای شورای عالی و دیگر اعضای انجمن در کار پدیدآوردن ماهنامه، دست‌کم در قلمرو کارهای اجرایی مربوط به ایجاد ماهنامه خانم خلعت‌بری را می‌توان پایه‌گذار حسابدار نامید. از این‌رو انتشار صدمین شماره ماهنامه را غنیمت شمردیم تا درباره نحوه پا گرفتن حسابدار با خانم خلعت‌بری گفتگویی انجام دهیم. آنچه پیش روی شماست حاصل این گفتگوست. ●

شلیله:

آگاهید که ماهنامه حسابدار در آستانه انتشار صدمین شماره قرار دارد، البته صدمین شماره در دومین دوره انتشار. به‌رحال فرصت را غنیمت شمردیم تا با شما به عنوان کسی که بیشترین سهم و تعیین‌کننده‌ترین نقش را در پایه‌گذاری «حسابدار» داشته‌اید، گفتگویی بکنیم و درخواست کنیم که از چگونگی پاگرفتن ماهنامه برایمان بگویید.

خلعت‌بری:

از لطفی که در حق من داشته‌اید بسیار سپاسگزارم. من عضو کوچکی از اعضای انجمن بوده و هستم و اگر کاری در انجمن انجام داده‌ام، به حکم وظیفه‌ای بوده که در برابر انجمن احساس کرده‌ام. در مورد پدید آمدن «حسابدار» نیز باید بگویم که من یکی از

● در تهران دیپلم متوسطه را در رشته ریاضی از دبیرستان هدف گرفتم و برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم و به تحصیل در رشته حسابداری مشغول شدم، سالها در آن کشور بودم. عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان، عضو انجمن مالیات انگلستان، عضو انجمن حسابداران اجرایی انگلستان و عضو انجمن مدیریت انگلستان هستم. پس از پایان گرفتن تحصیلاتم در انگلستان به ایران برگشتم. مدتی به فعالیتهای حرفه‌ای پرداختم، اما بتدریج به طرف کارهای فرهنگی کشیده شدم. البته همزمان در دانشگاه هم تدریس می‌کردم. سال ۱۳۶۳ شرکت انتشارات شباویز را تأسیس کردم و اکنون بیشتر اوقاتم صرف اداره این شرکت می‌شود و تنها گهگاه انجام کارهای حرفه‌ای را قبول می‌کنم. همیشه فکر می‌کنم که شغل و فعالیت کنونی چندانی از کار حرفه‌ای دور نیست و حتی می‌توانم بگویم دانش و تجربه حرفه‌ایم به‌نحوه‌ی مگیری در پیشبرد امور انتشارات شباویز مؤثر بوده و سبب شده که به‌طور نسبی در این کار موفقیت‌هایی به‌دست آورم و به‌رحال ناراضی نیستم. ●

دههاخفری بودم که می‌کوشیدند تا «حسابدار» را پدید آورند. نخستین بار که ایجاد نشریه‌ای در انجمن مطرح شد، زمانی بود که انجمن تازه پا گرفته بود و ما می‌خواستیم به گونه‌ای جامعه را از موجودیت انجمن آگاه سازیم و به این نتیجه رسیدیم که از راه انتشار نشریه‌ای

یعنی اعضای شورای عالی و سایر اعضا همه دست به دست هم دادند و کمک کردند تا کار انتشار نشریه تا حدی که امکان داشت، پیش رفت. یکی دیگر از مشکلات ما در آغاز، دستیابی به مقاله‌های مناسب بود. چرا که نشریه تازه پا گرفته و هنوز شناخته نشده بود.

شده، انتشار ماهنامه روال منظمی پیدا کرد و در زمانهای پیشینی شده منتشر می‌شد. منتها علاقه‌مند بودیم که ماهنامه را با کیفیت خیلی بهتری منتشر کنیم. پیشینی کرده بودیم که در درازمدت بتدریج بر کیفیت مجله بیفزاییم. به‌رحال باز باید یادآوری کنم که آنچه پدید آمد، دستاورد کوشش تمامی اعضای انجمن و همکاران ماهنامه در آن زمان بود.

شلیله:

تیراژ نشریه در آغاز چقدر بود؟

خلعت‌بری:

تیراژ ماهنامه در آن زمان ۳۰۰۰ نسخه بود که تمامی نسخه‌ها هم یا به فروش می‌رسید یا بین همکاران حرفه‌ای توزیع می‌شد. البته هیچ‌گاه درآمد نشریه پاسخگوی هزینه آن نبود و اصلاً هیچ‌وقت درآمد نشریه‌های تخصصی جوابگوی هزینه‌شان نیست و بعید به نظر می‌رسد این‌گونه نشریات از نظر اقتصادی بتوانند روی پای خودشان بایستند.

شلیله:

بعدها چه عواملی سبب شد که همکاری شما با نشریه‌ای که با علاقه فراوان در جریان پاگرفتن آن مشارکت داشتید، متوقف شود؟

خلعت‌بری:

من در واقع هیچ‌گاه همکاری خودم را با حسابدار قطع نکردم، بلکه تا زمانی ورق بزنید



البته آشنایی همکاران ماهنامه با نشریات خارجی سبب شد که بتوانیم «حسابدار» فراهم آوریم و یاریهای اعضای انجمن و فداکاری گروهی از دوستداران حرفه نیز سبب فراهم آمدن مقاله‌های مجله شد. مسئله مهم دیگری که در ابتدای کار با آن روبه‌رو بودیم، آماده‌سازی لوازم و اسباب ماهنامه بود که نزدیک به ۶ ماه به‌طول انجامید. البته پس از پشت‌سر گذاشتن مراحل یاد

در چارچوب هدفهای پیشینی شده انجمن به اعلام موجودیت گسترده انجمن دست بزیم. البته در همان زمان هم کوشش بسیاری به‌کار بستیم که بتوانیم برای انتشار نشریه مجوز بگیریم، اما تنها موفق به اخذ مجوز انتشار موقت شدیم. بدین ترتیب که مطالب هر شماره که آماده می‌شد، آن را ارائه می‌کردیم و مجوز انتشار برای همان شماره را می‌گرفتیم و به‌رحال کار در آغاز آسان نبود. اما تمامی اعضای اصلی انجمن

که نشریه بتواند روی پای خودش بایستد، با کمال علاقه در کنار آن بودم. زیرا عقیده دارم که پیشرفت هر فعالیتی ایجاب می‌کند که افراد جوان و تازه‌نفس و فعالتر رفته‌رفته جایگزین افراد قدیمی بشوند. در غیر این صورت کمتر در کارها تحول روی می‌دهد. از این رو جای خود را به جوانترها دادم. چنانکه تجربه ماهنامه نیز درستی این نظر را ثابت کرد و در زمان حاضر ملاحظه می‌کنید که ماهنامه نسبت به آنچه در آغاز بود بسیار کاملتر و بهتر شده است. و این هم چنانکه گفتم به دلیل آن است که افراد جوانتر و فعالتری در ماهنامه به فعالیت پرداخته‌اند.

شلیله:

شما پیشینه کار در زمینه‌های مختلف را دارید، هم به کارهای حرفه اشتغال داشته‌اید و هم به کار تدریس و انتشارات، ممکن است بفرمایید کار اداره و انتشار نشریه را در این میان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

خلعت‌بری:

باید بگویم نشریه در تمامی سالهای کار و فعالیتیم همراه من بوده است. یعنی نمی‌توانم احساس کنم که از نشریه جدا شده‌ام. هم تجربه و کار حرفه‌ای من در نشریه بازتاب داشت و هم تدریس به من یاری می‌داد که نیازهای آموزشی جامعه را بهتر بشناسم و اکنون هم که به کار حرفه‌ای انتشار کتاب اشتغال دارم باز فکر می‌کنم به گونه‌ای همان کاری را

انجام می‌دهم که در نشریه انجام می‌دادم. می‌توانم بگویم که شاید کار انتشارات برای من ادامه کار انتشار حسابدار است. فرایند انتشار حسابدار و پشت سر گذاشتن هر مرحله کار برای من جذاب بود. مرحله‌ای که کار گردآوری مقاله‌ها پایان می‌گرفت، مرحله‌ای که مطالب نشریه حرفه‌چینی، صفحه‌بندی و چاپ می‌شد، هرکدام به‌نوبه خود خرسندم می‌ساخت و سرانجام اعتقاد دارم که جذابیت اشتغال به این‌گونه فعالیتها از آنجاست که انسان احساس می‌کند به هر حال از این راهها می‌تواند به حرفه یا جامعه‌اش خدمت کند.

شلیله:

در زمان حاضر چه احساسی نسبت به نشریه دارید؟

خلعت‌بری:

نشریه اکنون خیلی بهتر از گذشته است و در مقایسه با آنچه در ابتدا بود، می‌توانم بگویم که ما تنها پایه‌های نخستین کار را گذاشتیم. نه این که نشریه اکنون کم و کاستی ندارد، همه چیز همیشه با کم و کاستی روبه‌روست. به هر حال همواره احساس بسیار خوبی نسبت به حسابدار دارم. و فکر می‌کنم همه ما نسبت به نشریه احساس خوبی داریم چون به همه‌مان تعلق دارد.

شلیله:

آیا راهنمایی یا توصیه‌ای برای

«حسابدار» ندارید؟

خلعت‌بری:

من به عنوان یکی از اعضای قدیمی انجمن از اعضای جوانتر. خواهش می‌کنم ماهنامه و انجمن را یاری کنند. و به هر اندازه که برایشان امکانپذیر است برای همکاری با حسابدار و ماهنامه وقت بگذارند.

شلیله:

از شرکت شما در این گفتگو صمیمانه سپاسگزاریم.

خلعت‌بری:

منهم از این که به یادم بودید ممنونم و آرزو می‌کنم که نشریه همواره رو به پیشرفت و تکامل باشد و آمادگی خود را برای هرگونه همکاری که انجمن و ماهنامه از من بخواهند یادآوری می‌کنم.



دنباله مشکلات قانونی

ریالی، تنها ۱۷۵۰ ریال خواهد شد). تقسیم قسمت عمده سود در خیلی از شرکتها عملی نیست. چون به دلیل نقدینگی زیاد مورد لزوم، به شرط پرداخت چنین سود نقدی باید بلافاصله درخواست افزایش سرمایه نقدی کنند یعنی به جای اینکه از سهامداران بخواهند که سود تقسیم نشود، مجبورند سود را تقسیم کنند و بعداً افزایش سرمایه بدهند. تازه این درحالی است که شرکت دولتی و بانک یاد شده هنوز از بابت مالیات، بدهکارند!

بقیه ماجرا

در محاسبات فوق ۳ درصد سهم شهرداری (که حداقل تا پایان سال ۷۲ وجود دارد و به احتمال زیاد تمدید خواهد شد) و ۳/۵ در هزار سهم اتاق بازرگانی (که البته ممکن است بزودی برقرار شود) و هیچکدام هم از لحاظ مالیاتی در حساب سود و زیان قابل قبول نیست و همچنین هزینه‌های غیرقابل قبول که معمولاً باعث چند برابر شدن اصل سود مشمول مالیات می‌شود، وارد نشده است.

نتیجه

با ملاحظه نکات مختلف موجود در محاسبات مثالهای یاد شده، مشکلات زیر در قانون مالیاتهای مستقیم - بخش شرکتها - وجود دارد.

۱- محاسبات بسیار پیچیده و مفصل است به طوری که شرکتهایی که هزاران سهامدار دارند، حتماً باید از کامپیوتر و برنامه مخصوص آن که بسیار گران خواهد بود استفاده کنند.

۲- اندوخته سهم هر سهامدار جداگانه و سود تقسیم شده و نشده سهم هر سهامدار نیز جداگانه بر مبنای نرخهای تصاعدی ماده ۱۳۱ مشمول مالیات است، این خود باعث می‌شود سهامداران عادی نتوانند مالیات سود خود را محاسبه کنند و در نتیجه سردرگم شوند.

۳- نرخهای مالیاتی هنوز بالاست و این باعث می‌شود بازده سرمایه‌گذاری پایین باشد و این مسئله از رونق بازار نوپای سهام جلوگیری می‌کند، مخصوصاً اگر سرمایه‌گذاری در سپرده‌های بانکی با آن مقایسه شود.

۴- سهامداران بزرگ (از حدود نیم درصد به بالا) در شرکتهای بزرگ، خواستار تقسیم کل سود هستند، زیرا در صورت عدم تقسیم تمام سود، به شرکت بدهکار می‌شوند که این امر، صرف نظر از مشکلات آن، از نظر قانون

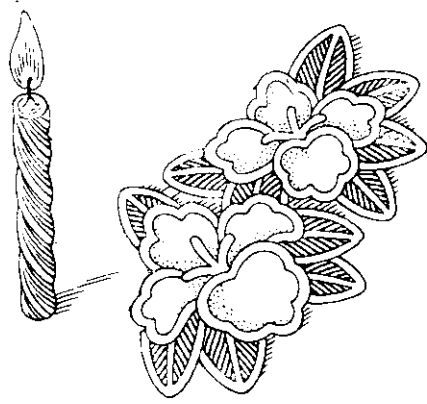
تجارت نیز دارای اشکال است و ضمناً از استفاده کامل از معافیت ۱۵٪ سود تقسیم شده نیز باز می‌مانند.

۵- در قانون فعلی سود تقسیم شده و نشده (که ممکن است به سرمایه منتقل شود یا بعداً پرداخت شود) با هم مشمول ماده ۱۳۱ می‌شوند، به فرض اینکه این مسئله را دارای اشکال اساسی ندانیم، سؤال اینجاست که چرا اندوخته نیز جداگانه مشمول ماده ۱۳۱ است؟، چرا کسانی که می‌خواهند از مزایای فوری امکانات خود در جهت رشد و اعتلای شرکت و اقتصاد خودشان و مآلاً سود بیشتری که در آینده روی آن مالیات بیشتری هم خواهند پرداخت، صرف نظر کنند، مشمول نرخهای تصاعدی مالیات باشند؟. از این بدتر آنکه اگر بعداً تصمیم به تقسیم اندوخته یا انتقال آن به سرمایه بگیرند باید ۲۵ درصد مالیات اضافی نیز پردازند!

۶- مطالعه جدول زیر، تجدیدنظر در مالیات شرکتها را اجتناب‌ناپذیر می‌کند.

مبلغ	سود شرکت	مالیات	درصد
مثال خوشبانه - جدول ۱	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۳۴,۷۱,۰۰۰	۲۳/۴۷
مثال خوشبانه - جدول ۲	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۸۳,۳۶,۰۰۰	۲۸/۳۰
مثال بدبانه - جدول ۴	۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۴۹,۳۴۵,۰۰۰	۶۱/۶۴
مثال عادی - جدول ۵	۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۲۴۴,۵۵۰,۰۰۰	۴۱/۴۹

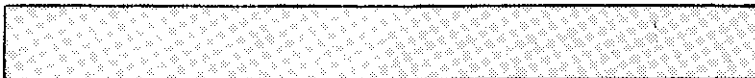
البته این درحالی است که سپرده بانکی مشمول مالیات نیست.



حسابداری

از نظر همکارانش

همکاران هر سازمان و از جمله هر نشریه‌ای به طور معمول دوگونه ارتباط با سازمان یا نشریه‌ای که با آن همکاری می‌کنند دارند. یکی در چارچوب نقش و وظیفه پیشبینی شده و دیگر رابطه‌ای احساسی، عاطفی و حتی آرمانی. البته در شرایط عادی تنها وجه نخستین، یعنی جنبه ایفای نقش پیشبینی شده همکاران در کار بازتاب دارد. ما فرصت انتشار صدمین شماره حسابدار را غنیمت دانستیم تا از همکاران ماهنامه بخوایم که احساسشان را نسبت به همکاری با ماهنامه بنویسند تا با چاپ آن در مجله آگاهی‌هایی نیز درباره همکاران ماهنامه و ارتباط آنان با ماهنامه به خوانندگان ارائه کنیم. آنچه در این بخش می‌خوانید حاصل توجه همکاران گرامی ماهنامه به درخواست ماست.





بیگانه آشنا...

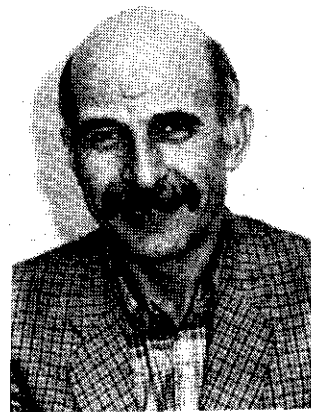
جمشید ارجمند (ویراستار)

منصفانه بگویم، غالباً در گرماگرم کار ویرایش متنها و مقاله‌های مفصل حسابدار این سوال برایم مطرح شده است که آیا حضور من در این ماهنامه در حکم وصله ناهم‌رنگی نیست؟

برای اینکه علت طرح این سوال یا بهتر بگویم این وسوسه درونی روشن شود، باید تمامی سابقه ارتباط و پیوند خودم با مقوله حسابداری را بازگو کنم، شاید در همین خلال نتیجه‌ای عادلانه دستگیر خودم و همکارانم و خوانندگان بشود.

وقتی در کادر شناسنامه مجله‌ای تخصصی، مثلاً در زمینه الکترونیک، کسی به‌عنوان ویراستار معرفی شود، آیا توقع این نیست که آن ویراستار مهندس حرفه باشد، و آیا اگر فقط ویراستار باشد کافی است یا اینکه بهتر است دست‌کم معلومات یک تکنیسین را داشته باشد؟ پاسخ اینها همه مربوط می‌شود به قلمرو ویرایش خاص مجله، سازمان و تشکیلات آن، همه قرارومدارها و سرانجام روش کار سردبیر.

در پاسخ به آن سوالهای مقدر باید بگویم که من نه مهندس حسابداری هستم و نه حتی تکنیسین حرفه. اما حوزه ویرایش در ماهنامه حسابدار، چارچوب ورق بزنید



بالاخره به صدمین شماره رسیدیم.

دکتر مهدی تقوی (مدیر مسئول)

بالاخره به صدمین شماره رسیدیم با جان‌سختی. انگار همین دیروز بود که در تدارک شماره اول بودیم. با امکانات کم، یک‌تنه سنگ بزرگ برداشتن کمر آدم را می‌شکند. خدا را شکر که بالاخره با کمک دوستان و وزارت ارشاد در این وانفسای بی‌کاغذی و کم‌فراغتی و بی‌حوصلگی صدمین شماره هم درآمد. برای یک مجله تخصصی این موفقیت خیلی کوچکی نیست. خستگی را نامه‌های پرمحبت خوانندگان به‌در می‌کند و اظهار لطف دوستان مشکلات را ساده می‌گرداند. امیدواریم که در این سالها «آب در هاون نکوبیده باشیم» و حسابدار، گهگاه چیزی، هرچند اندک به‌خوانندگان آموخته باشد و توجه آنها را به نکته‌ای جلب کرده باشد. از حمایت‌های همه دوستان که بدون آن، انتشار حسابدار ممکن نمی‌شد سپاسگزاریم.

فنی دارد. بار ویرایش تخصصی یکسره بر شانه‌های ظریف اما توانای مردی است با جشای شکننده، سیمایی روشن و خندان و روحی بزرگ و فروتن به نام محمد شلیله. بیش از این نمی‌گویم چون می‌دانم او چنان مردی است که ستایش از خود را بر نمی‌تابد؛ دریادل است اما احتمال نازکدل هم، و شاید خوشایندش نباشد.

باری، گفتم نه مهندس و نه تکنیسین حسابداری، اما بکلی از این دنیا بیگانه هم نیستم؛ روزی از سر کوچه حسابداری رد شده‌ام بی‌اینکه بتوانم بنشینم و تخته‌پوستی بیندازم و اقلاً زیر نعلین خودم میخی بزنم...

در نوجوانی با ریاضیات میانه‌ای نداشتم و در مدرسه اکتفا می‌کردم به اینکه گلیم خود را از آب به‌در کشم. اگر بگویم روش تعلیم و تربیت نادرست و اخم و تخم دبیرها و خشکی رفتار و سختگیریهای غالباً بیجا و سنتی آنها از این دنیا فراریم داد می‌ترسم پایم به‌ورطه مباحث جدی روانشناسی آموزش و پرورش کشیده شود. در ضمن آنچه باید بشود هم شده و دیگر از من یکی گذشته، نوجوانان امروز هم اگر شکایتی دارند بروند مدافعان تازه‌نفسی پیدا کنند.

باری، با همه این بیگانگی، روزی که یک مسئله جبر را روی کاغذهای کاهی کتابچه چرکنویس حل کردم و بیخیال انقدر پیش رفتم تا به جواب مسئله که یادم می‌آید ه بود رسیدم، احساس شادی و سبکی کردم؛ انگار کشف بزرگی کرده بودم. اعتماد و اطمینان بی‌سابقه‌ای به خودم پیدا کردم و همین باعث شد که جبر و هندسه دیگر برایم غول بی‌شاخ و دم نباشد و بتوانم نمره قابل قبولی بگیرم.

سالها بعد، در شرایطی که تصور روشنی از حسابداری نداشتم و راستش آن را کار کم‌اجر و قریبی از لوازم تجارتخانه‌ها می‌دانستم و بس، ناگهان اول سال تحصیلی در جزو برنامه دروس کلاس سوم

اقتصاد دانشکده حقوق عنوان حسابداری را دیدم. اصلاً خوشحال نشدم، اما فهمیدم با کاری جدی سروکار دارم. افتخار شاگردی دکتر فضل‌الله اکبری را پیدا کردم. گویا اولین سال تدریسش در دانشکده حقوق بود. پیش از آن در مؤسسه علوم اداری و بازرگانی (بعدها دانشکده) درس می‌داد. شاید رئیس آنجا هم شد. در همان جلسه اول با روش متین و آرام و عمیق خود مفهوم اولیه‌ای از اهمیت و جایگاه حسابداری یادمان داد: حسابداری فقط دو ستون بدهکار و بستانکار و تراز شدن اقلام در پایین و دوخط موازی زیر آنها کشیدن نیست، هرچند که اساسش همین است. فهمیدم که حسابداری تیرک خیمه شرکتهاست و از یک دکان بقالی تا کمپانی عظیم جنرال موتورز، برای اطلاع از وضع مالی خود، کارنامه دادوستد خود، برنامه‌ریزی آینده خود، گسترش کار خود، و خلاصه برای زندگی مالی و اقتصادی خود محتاج و وابسته به حسابداریند. آن حساب سیاق پدران ما هم به هر حال نوعی حسابداری بود.

سال چهارم هم حسابداری داشتیم، این بار با دکتر جوراچی، همچنان از مکتب مؤسسه علوم اداری و بازرگانی که جوانانی متفاوت با استادان دانشکده حقوق در هیئت علمی آن جا داشتند، همه تحصیلکرده‌های امریکا - که آن روزگار خیلی زیاد نبودند - با پوشاکی دیگرگون، کراواتهایی متفاوت و رفتار و منشی جداگانه، و حتی بعضیشان با تله‌هجه‌ای که حروف دال و ت را غیر از ما تلفظ می‌کردند.

تکلیفهای حسابداری و تهیه ترازنامه و صورت‌حساب سود و زیان شرکتهای فرضی داشت به‌اندازه تکلیفهای جبر و هندسه برایم ملال‌آور می‌شد که وقتی برای اولین بار یک ترازنامه را درست تنظیم کردم و بدهکار و بستانکار مساوی درآمد و زیرشان دو تا خط کشیدم و حساب را بستم، حالتی شبیه

همان حال حل مسئله جبر و رسیدن به جواب « را پیدا کردم، اما باز فقط در حدی اعتماد به نفس در من ایجاد شد که بتوانم نمره قبولی بگیرم. با آنکه اهمیت علمی و کاربردی حسابداری در حیات اقتصادی را فهمیدم و با آنکه چشمم به ابعاد غول‌آسای این علم در امریکا و اروپا آشنا شد، باز نتوانستم تمایلی به عمل به حسابداری پیدا کنم. یک پیشداوری غیرعلمی از مقوله آنچه به ریاضیات داشتم نسبت به حسابداری هم داشتم، اما دیگر نه کودکانه و هراس‌آمیز، بلکه فقط به عنوان مقوله‌ای بسیار جدی و بسیار مهم از قبیل مثلاً فیزیک کوانتم، که آدم باید خیلی جدی و خیلی مهم باشد تا بتواند به آن بپردازد. حال آنکه من نه اصلاً جدی بودم و نه مهم. در روزگار جوانی حتی کارهای بسیار غیرجدی هم می‌کردم، از قبیل نواختن سازدهنی و لطیفه‌نویسی و ترانه‌سرایی. فکر می‌کردم کسی که سازدهنی بزند و لطیفه بنویسد و ترانه بسراید هیچوقت دنیای یگانه‌ای با حسابداری ندارد.

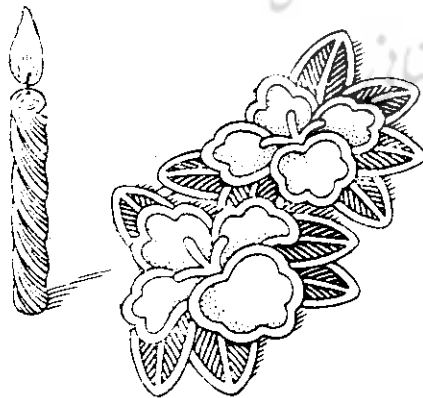
گویا قرار بود که من تجربه‌ها و شناختهای مربوط به دنیای حسابداری را خیلی دیر به دیر به دست آورم؛ به طوری که وقتی با یک موسیقیدان بزرگ حسابدار - زنده‌یاد منوچهر جهانگیرلو - و یک شاعر حساس و نازکدل حسابدار - یدالله رؤیایی - آشنا شدم دیگر کار از کار گذشته و راه و روش زندگی دیرگاهی بود انتخاب و معلوم شده بود. فایده این شناختها، فقط تصحیح بینش و نظر من نسبت به تمامی دنیای حسابداری بود. چنین بود که وقتی با گردانندگان ماهنامه حسابدار آشنا شدم و با بعضیها بیشتر و نزدیکتر، (دیگر اسم نمی‌برم) از وجود این همه ظرافت و مردمخویی و انساندوستی هیچ شگفتزده نشدم، حتی فکر کردم که علت این همه درستی و دقت و پابندی به اصول و... را کشف کرده‌ام، باید آن را در انضباط علمی حسابداری و مبنا و جوهر آن که بر دقت و صحت مطلق استوار است

جستجو کرد.

الان هم حسابداری برای من به اندازه تصویری که در جوانی داشتم جدی و علمی و مهم است، اما خشک و بیگانه و دور از دسترس نیست، شریف و انسانی است، وسیله و ابزاری در دست اهل عمل نیست، بلکه مسلک و مکتبی است که «اهل» را تا حد «سالک» رهنمون می‌شود. مشعل و چراغی است در دست چراغدارانی که راه را روشن می‌کنند. ما هم در پرتو این مشعل راه خود را می‌رویم بی آنکه خود چراغدار باشیم. و به همین راضی و خشنودیم.

اکنون می‌فهمم که چرا می‌توانم مقاله‌هایی به این طول و تفصیل (دست‌نویس‌هایی گاه بیش از صد صفحه و به طور متوسط ۵۰ - ۶۰ صفحه) را بخوانم، در یکایک واژه‌ها و جمله‌ها و نقطه‌گذاری‌های آنها دقت کنم، پس و پیش کنم، سبک سنگین کنم و در آراستن و پیراستنشان بکوشم بی اینکه احساس بیگانگی کنم.

با این تفصیل آیا باز هم باید حضور خودم را در جمع حسابدار وصله ناجور بدانم؟



ورق بزنید



چند کلمه برای صدمین شماره

مجید میراسکندری (مدیر اجرایی)

شروع کار من با حسابدار از سال دوم انتشار (سال ۶۴) با تهیه اخبار کوتاه اقتصادی و بعد هم البته کمک در تهیه مطالب «گوناگون» سری دوم بود (سری اول آنرا آقای کاشفی پور تهیه می‌کرد) ولی کار جدی من از شماره ۲۸ شروع شد و دیگر قطع نشد، موضوع آنرا هم هیچوقت فراموش نمی‌کنم. در شماره ۲۶ حسابدار، آقای جواهری مطلبی بسیار فنی و جالب داشتند که در آن نتیجه می‌گرفتند مالیات اندوخته (طبق قانون مالیاتهای سال ۱۳۴۵ که در آن زمان اجرا می‌شد)، مالیات مضاعف است. در این خصوص با استاد اختلاف نظر داشتم ولی برایم خیلی مشکل بود موضوع را مطرح کنم، ایشان رئیس شورای عالی انجمن و رئیس کمیته انتشارات بودند و من در آن زمان حتی عضو کمیته انتشارات هم نبودم. موضوع را به‌نحوی با آقای محمود قدس (از اعضای قدیمی شورای عالی و کمیته انتشارات) که به‌علت همکاری در آن زمان با ایشان تماس بیشتری داشتم مطرح کردم. ایشان خیلی مرا تشویق کردند و گفتند حتماً در

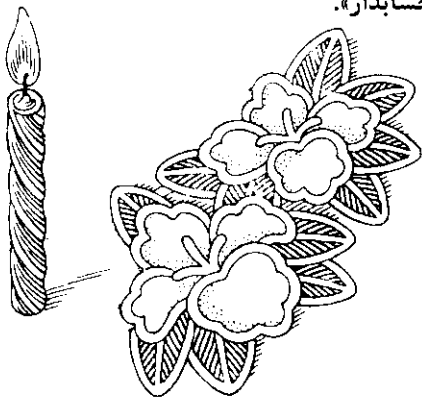
این مورد چیزی بنویس؛ آقای جواهری نه تنها ناراحت نمی‌شوند بلکه خیلی هم خوشحال می‌شوند. خلاصه در شماره ۲۸ نظر خود را مطرح کردم و همان‌طور شد که آقای قدس گفته بودند.

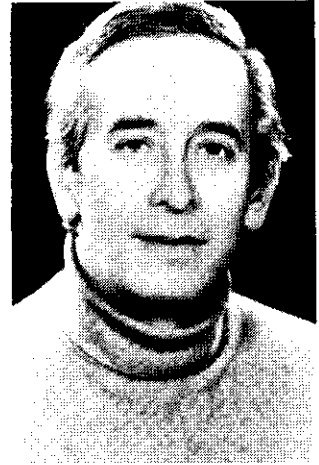
بعضی‌ها می‌گویند «قلم» تو شیرین است و بعضی می‌گویند نیشدار است. امیدوارم برای دوستان شیرین و برای غیر دوستان نیشدار باشد.

به نظر حقیر یکی از بهترین قلمهایی که برای «حسابدار» نوشته است، قلم آقای غلامرضا سلامی است؛ من از اولین شماره‌های حسابدار سبک روان و طنزآلود ایشان را دوست داشتم و همیشه می‌خواستم آن‌طور بنویسم. تا حالا که نتوانسته‌ام.

ناگفته نماند که نقش من در «حسابدار» بیشتر اداره امور اجرایی است تا امور نوشتاری! ولی اگر زمانی به‌زور و با هزار بدبختی چیزی نوشته‌ام، دوستان با بزرگواری آنرا برای چاپ قبول کرده‌اند.

سخن گفتن درباره «حسابدار» را نمی‌توانم بدون ذکر نام دکتر تقوی به‌پایان ببرم. به جرأت می‌توانم بگویم کمیته انتشارات و هیئت تحریریه «حسابدار» تا آنجا که بخاطر دارم، حول محور صفا و صمیمیت او شکل گرفته است، باینکه بیشتر اقتصاددان است تا «حسابدار».





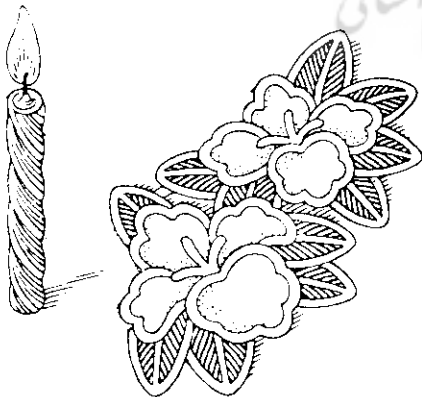
دیروقتی است که با اشتیاق بسیار در مجله «حسابدار» کار می‌کنم.

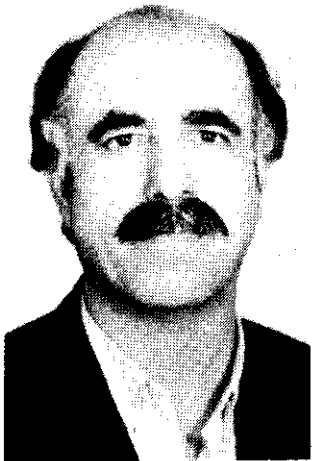
پرویز خوانساری (طراح ماهنامه)

تنظیم و آرایش یک نشریه نه تنها از محتوای آن جدا نیست بلکه باید ارتباط فشرده‌ای هم با آن داشته باشد. هرگز نمی‌شود یک مجله تخصصی پزشکی را مانند یک مجله ورزشی تنظیم کرد. روح حاکم بر مطالب و محتوای نشریه، بر تنظیم آن هم بسیار حکومت می‌کند. من از سال ۱۳۴۲، درست سی سال پیش به کار مطبوعاتی مشغولم. زمینه کارم در اصل نقاشی بود. شاگرد استاد محسن دولوکاریکاتوریست بودم و از ایشان بسیار آموختم. و از همین راه جاذبه مطبوعات مرا به خود کشید. سالها با مؤسسه کیهان همکاری داشتم. در هر کجا، سعی می‌کردم و می‌کنم که فضا و روح حاکم بر محتوای مجله را درک کنم و طرح کلی تنظیم و آرایش صفحات را برآن اساس قرار دهم.

دیروقتی است که با اشتیاق بسیار در مجله «حسابدار» کار می‌کنم. برای بعضی از همکاران و دوستان قدیم کم‌وبیش این سوال یا شاید شگفتی

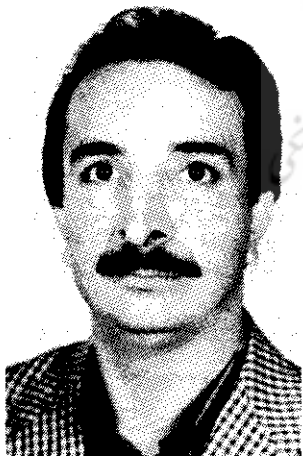
پیش آمده که ماهنامه «حسابدار» چرا؟ اما حقیقت این است که مطبوعات همگی در یک هدف کلی مشترک و همسانند و آن ایجاد رابطه با جامعه و انتقال یک مقدار اطلاعات و آگاهیها به مردم است. من در هر نشریه، با هر محتوایی که باشم با این بخش از رسالت مطبوعات سروکار دارم و خود و تجربه‌ها و دانسته‌های خود را در اختیار آن قرار می‌دهم و سعی می‌کنم در مورد نشریه‌هایی که محتوای جدیتری دارند، مانند «حسابدار»، آرایش و تنظیم صفحات به گونه‌ای باشد که برخورد با مطالب را مطبوع و شیرین بسازد. از نزدیک شاهد تلاشهای بی‌امان هیئت تحریریه هستم و می‌کوشم که حاصل این تلاشها را به شکلی درخور عرضه کنم. در جامعه ما پرداختن و اظهارنظر درباره کار گرافیکی و تنظیم نشریات چندان رایج نیست ولی از خوانندگان «حسابدار» که طبقه برگزیده‌ای شمرده می‌شوند این انتظار هست که در این باره هم اظهارنظر کنند، قطعاً نظریات آنها سازنده و مهم خواهد بود.





امتیاز مجله حسابدار در این است
که از مدیران، ویراستار و طراح
با تجربه برخوردار است.

یعقوب حسینی قزوینی (مدیر چاپ و صحافی سرو)



به نظرم «حسابدار» مجله وزین و
باارزشی است.

زین العابدین اکبرزاده (مدیرلیتوگرافی صحیفه‌نور)

نمی‌دانم چرا بیشتر حسابداران
خشک و محتاط و اخمو جلوه
می‌نمایند.

منیژه نفیسی (مسئول امور اداری)

زمانی در انجمن کلاسی دایر شده بود که یکی از استادان آن مرحوم سجادی نژاد و کمک استاد آن یکی از اعضای تقریباً جوان انجمن بود. استاد جوان با آنکه درصدد ارائه چهره‌ای حسابدارانه (بزعم من، اخم‌آلود و خشک) بود ولی در صحبتی نه‌چندان طولانی، معلوم شد که یکی از استادان تار ایران است. بعدها که سابقه‌ام در انجمن زیادتر شد فهمیدم که بسیاری از حسابداران در قلمرو هنر (موسیقی - شعر - خط - نقاشی) هم مانند حسابداری، کارشناسان و دست‌اندرکاران خبره‌ای هستند، ولی هنوز هم نمی‌دانم چرا و به چه دلیل بیشتر حسابداران خشک و محتاط و اخمو جلوه می‌نمایند. اعتقاد بزرگان این است که نیم بیشتر شخصیت هر فرد را شغل او می‌سازد.

از نظر من کاری ارزشمند است که
انسان به آن عشق بورزد.

سوسن خامنه‌ای (سرپرست حروفچینی خامنه‌ای)

از نظر من کاری دارای ارزش است که انسان به آن عشق بورزد، کار من نیز چنین است چرا که بر معلومات من می‌افزاید و در این رابطه برخی کارها علاوه بر کارایی اطلاعاتی که دارند، از کارکنان محترمی نیز برخوردارند و از این رو صرف نظر از جنبه اطلاعاتی مجله حسابدار، دست‌اندرکاران آن مجله برایم ارزشمند و قابل احترامند.

استاد ما آقای عبدالعلی شریفی تکیه کلامی دارد که کسی می‌تواند استاد شود که همیشه شاگردی کند؟! گفته استاد بجا و کاملاً صحیح است زیرا هر روز پدیده جدیدی در هر صنعت به وجود می‌آید و روز بروز، حرکت به سوی پیشرفت است. اشاره می‌کنم به سابقه کار خود به سال ۱۳۳۳ با تحصیلات ابتدایی که داشتم در چاپخانه اطلاعات کار را شروع کردم و بعد در چاپخانه کیهان و دو چاپخانه دیگر. که در آن زمان همگی معروف بودند و همه نوع سفارشات چاپ مجله و کتاب پوستر و غیره رنگی و سیاه سفید انجام می‌دادند.

در سال ۵۹ چاپ سرو را به راه انداختیم و با مجله حسابدار مدتی است که همکاری داریم. به نظر من یکی از مهمترین کارها در هر صنعت

شناخت و پیاده کردن روش فنی و صحیح هرکاری است. صنعت چاپ هم از این قاعده جدا نیست. امتیاز مجله حسابدار در این است که مدیران و ویراستار و طراح با تجربه در اختیار دارد. کارشناسان مجله توجه دارند که چه نوع کاغذ و چه نوع حروفچینی و نوع حروف و عکس به کار برند که باهم هماهنگی داشته باشد، تا چاپخانه هم بتواند کار مورد قبول انجام دهد. مجله حسابدار این امتیاز را داراست. و با هزینه بالا منتشر می‌شود. من که در جشن صدمین شماره مجله شرکت کردم از طرف خود و کلیه کارگران که در انتشار مجله ارزشمند حسابدار همکاری دارند جشن صدمین شماره مجله را به همه تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم همه ما برای پربار شدن مجله بیش از پیش کوشا باشیم.

چاپ آن راضیم. مجله در این سه سال از این نظر، بسیار بهتر شده. شکل و شمایل مجله (از روی جلد تا صفحه آخر و آگهی‌ها) همگی نشان از یک مجله با هویت حسابداری دارد.

به نظرم دو شماره‌ای شدن مجله که به ناچار به جای ماهنامه، اغلب هر دو ماه منتشر می‌شود چندان مطلوب نیست و به عنوان «ماهنامه» اش ضرر می‌زند. هر چند مطالب و صفحات هر شماره بیشتر باشد. فکر می‌کنم یا مجله می‌باید ماهنامه باشد یا صفحات کمتر اما هر ماه منتشر شود و یا فصلنامه شود با صفحات و مطالب مفصلتر. بنده از صفحه «ماجراهای بنده» خوشم می‌آید. کاش همیشگی شود.

این بنده اهل چاپم و لیتوگرافی، و طبیعتاً نمی‌توانم درباره یک نشریه تخصصی حسابداری نظر جدی بدهم. اما از آنجا که سه سال است لیتوگرافی مجله «حسابدار» را برعهده دارم، تا اندازه‌ای با آن آشنا شده‌ام، به نظرم حسابدار، مجله وزین و باارزشی است. مجله‌ای است که در طی ۹ سال، با نزدیک صد شماره نشان داده است که برخلاف اکثر نشریات هفتگی، ماهنامه، فصلنامه، مخاطب خاص خود را می‌شناسد و برای آنان می‌نویسد و پاسخگوی بسیاری از نیازهای اطلاعاتی و نظری آنان است. مجله‌ای است که به نوعی، کتابدستی هر حسابدار ایرانی است. چرا که بازتاب دیدگاهها و نظریات همه آنهاست. شخصاً از کیفیت حروفچینی، لیتوگرافی، کاغذ و



ثمره همکاری من با حسابدار

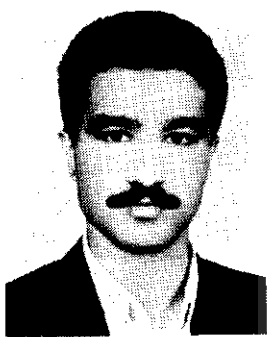
مهدی میرزائی (عکاس)

سه سال پیش بود که دوستی از من خواست برای مجله «حسابدار» عکس بگیرم. او خود از همکاران مجله بود و برای من کار با این دوست موهبت و افتخاری بزرگ محسوب می‌شد، اما وقتی که شنیدم مجله حسابدار متعلق به «انجمن حسابداران خیره ایران» است، کمی به فکر فرو رفتم. در ابتدا فکر می‌کردم که کار با چنین نشریه‌ای باید مشکل باشد، زیرا با اشخاصی سروکار خواهم داشت که همه اهل حساب و کتاب دقیق هستند در حالی که من هیچگاه با حساب و کتاب سختگیرانه مأنوس نبوده‌ام.

همکاران مستقیم من در ابتدای کار آقایان «میراسکندری» و «شليله» بودند و بعدها که با روش کار مجله و نیز با همکاران و استادان دیگر آشنا شدم، دریافتم که برداشت اولیه من از حسابداری و حساب و کتاب، چندان با واقعیت سازگار نبوده است. زیرا این برداشت براساس برخوردهای من با حسابداران در شکل و قالب اداری ایجاد شده بود و آنان کارشان ایجاب می‌کرد که در برابر مسائل مختلف دقیقتر و جدی‌تر از دیگران باشند.

در جریان همکاری با «حسابدار» بسیاری از اوقات ملزم به حضور در سمینارها و مباحث فنی مربوط به حسابداری شده و به این ترتیب ناخودآگاه در کوران بحثهای کارشناسان قرار گرفته‌ام و بی‌آنکه

خود دریابم به تدریج تحولی در من ایجاد شده که امروز پس از سه سال کار با مجله «حسابدار» انس بیشتری با حساب و کتاب در زندگی پیدا کرده‌ام که این خود می‌تواند یکی از شیرینترین ثمرات همکاری من با «حسابدار» باشد.



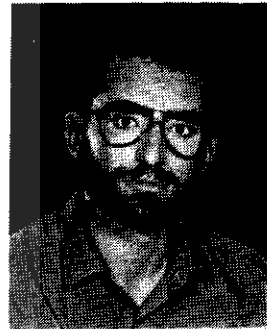
زمانی که به جمع همکاران «حسابدار» پیوستم....

سعید جعفری (مسئول امور اجرایی سردبیری)

زمانی که به حسابدار پیوستم با حسابداری آشنایی نداشتم و اگر مثل بعضی مصاحبه‌های شماره قبل درباره آن از من سؤال می‌شد ممکن بود نتوانم جواب درستی بدهم. اما رفته‌رفته هم با محیط و هم با محتوا و موضوع مطالب مجله خو گرفتم و الان برایم به‌صورت فضا و محیط و مسئله آشنایی درآمده است؛ اکنون می‌دانم حسابداری چه اهمیت و نقشی در جریان گردش کارهای شرکتها و به‌طور کلی تمامی کشور دارد. ولی از این گذشته، مسئله مهم دیگر آشنایی نزدیک من با مراحل تهیه مقالات و دشواریها و سختیهای است که گردانندگان و تنظیم‌کنندگان مجله در هر شماره با آنها روبرو هستند.

گرچه سهم من سهم کوچکی است، اما تلاشهای سردبیر و دیگر کارکنان را می‌بینم و می‌فهمم که یک شماره حسابدار تا حسابدار شود و به روزنامه‌فروشی برسد، چقدر گرفتاری دارد و همین امر مرا بیشتر به اهمیت مسئله حسابداری معتقد می‌کند.

محیط حسابدار و آشنایی با آن مرا تشویق کرد که به فراگیری آن بپردازم و در این مورد کارهایی هم کردم، دوره‌ای دیدم و آرزو دارم بتوانم آن را دنبال کنم و از فاصله نزدیکتری به ماهنامه خودمان نگاه کنم و از آنچه هستم، برای ماهنامه حسابدار مفیدتر باشم.



ماهنامه حسابدار نباید آن گروه از مخاطبان خود را که آگاهیهای علمی درخور توجهی ندارند فراموش کند.

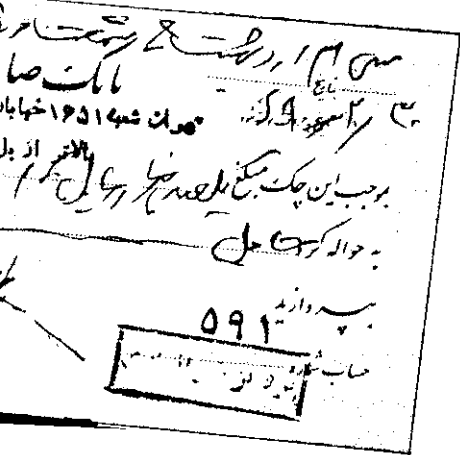
اسماعیل اسدلو (نماینده فروش ماهنامه در خوی)

بی‌تردید انتشار هر نشریه‌ای به صورت اصولی، در باروری فرهنگی و علمی مخاطبانش تأثیر بسزایی دارد. «حسابدار» نشریه‌ای است علمی و تخصصی و نه در ضمن کاربردی و لابد به صورت فنی و پیچیده و نه

در سطح فهم عامه منتشر می‌شود. یکی از اسرار مانایی شاهکارهای ادبی و فرهنگی دنیا در ساده بودن آنهاست. نباید فراموش کرد که معدودی از مخاطبان نشریه حسابدار را افرادی تشکیل می‌دهند که در ادارات و نهادهای جزء فعالیت دارند و صرف‌نظر از تجارب سودمند و مفید، از پایگاه علمی بسنده برای استفاده از نشریه «حسابدار» بی‌بهره‌اند و نیز به دلیل سیاق تخصصی «حسابدار» نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید از این نشریه استفاده لازم را بنمایند. لذا برای ارج نهادن به تلاش این عزیزان پرکار که در دواير حسابداری مشغولند، لازم است با تهیه مطالبی در زمینه‌های مختلف به این قشر پرداخته شود و شاید این امر یکی از راههای ترغیب مخاطبان به مطالعه این نشریه سودمند باشد. و اما در پیرامون کیفیت انتشار «حسابدار» باید خالصانه از دست‌اندرکاران نشریه تقدیر و تشکر شود که هم از ویرایش سنجیده تخصصی و ادبی برخوردار است و هم از طراحی و صفحه‌آرایی درخور و مناسب و در یک کلمه به صورت خیلی «زیبا و اصولی» منتشر می‌شود. و باید به دست‌اندرکاران «دست‌مریزاد» تقدیم کرد.

در ضمن تلاش کم‌نظیر آقایان محمد شلیله و مسعود یارندی و همکاران ایشان را در تهیه رساله تحقیقی و بسیار ارزشمند «آسیب‌شناسی حرفه حسابداری ایران ضمیمه شماره ۹۷ - ۹۸» ارج می‌نهم و قدردانی می‌نمایم که بی‌اغراق با دقتی وافر و اصولی و ساده و به صورت مرجع ارائه شده است.





چک وسفته

رایجترین اسناد تجاری

دفتر حقوقی اندیشه*

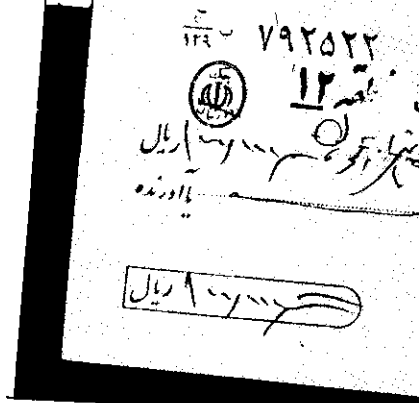
روابط بازرگانی به صورت پیشرفته و امروزی آن، به کارگیری پاره‌ای اوراق و اسناد را ایجاب کرده است که ابتدا به صورت عرف و عادت تجارت معمول شده و بعد از آنکه کارایی آنها عملاً به اثبات رسیده و مقبولیت همگانی یافته، از حمایت دستگاههای اجرایی و قانونگذاری برخوردار شده و قوانینی در راستای تعیین قواعد و مقررات و برقراری بعضی امتیازات و تسهیلات برای آنها تصویب شده است و این قواعد نیز مورد جرح و تعدیل و بازنگاری مکرر قرار گرفته تا به صورت کنونی درآمده و در هر کشوری، با تفاوت‌های ناشی از نیازها و مقتضیات هر جامعه معمول شده است. سفته و چک رایجترین این گونه اسناد است که این مقاله به بررسی حقوقی آنها می‌پردازد.

از تاریخ پیدایش سفته به صورت سندی تجارتی اطلاعی، ولو غیردقیق، در اختیار این دفتر نیست و سفته ظاهراً صورت تکامل یافته سند ذمه‌ای است که هنوز هم در معاملات غیرتجارتی ندرتاً بین افراد ردوبدل می‌شود و به آن پته نیز گفته می‌شود (به فتح «پ» و «ت» بمعنای ورقه، جواز، بلیت) و فته ظاهراً معرب آن است (به فتح «ف» و «ت» بمعنای ورقه، بلیت، پته و معادل خارجی آن بزبان فرانسه Billet است). اصطلاح فته طلب مترادف با سفته نیز ترکیبی از «فته» و «طلب» و در مجموع در زبان غیرحقوقی به معنای «سند بستانکاری دائن و بدهکاری مدیون» است.

چک نسبت به سفته از قدمت کمتری برخوردار است و ظاهراً پیدایش آن مقارن با پیدایش بانک است.

چک Cheque از نظر لغوی به معنای حواله است و در کتابهای قدیم فارسی و اشعار شاعران پیشین بمعنی قباله و حجت و منشور و عهدنامه و برات هم آمده و به زبان عربی به آن صک گفته می‌شود. به قیصر سپارم همه یک به یک از این پس نوشته فرستیم و چک

* این مقاله در تیرماه سال جاری به دفتر ماهنامه رسیده است. ذکر این نکته از آن روست که شور دوم طرح قانونی اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب تیرماه ۱۳۵۵ در مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی است.



چک و سفته به عنوان دو سند تجارتي - وجه تسميه - امتيازات و فوائد

به برات و سفته و چک، اسناد تجارتي اطلاق مي شود و در عرف تجارت و نزد حقوقدانان به اين عنوان پذيرفته شده است. اوراق مذکور از طرفي سند هستند و از طرف ديگر عمدتاً در نزد تجار و در معاملات تجارتي به کار مي روند. هرچند که در قانون تجارت تحت اين عنوان معرفي نشده اند. برابر ماده ۱۲۸۴ قانون مدني، سند اين طور تعريف شده است: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوي يا دفاع قابل استناد باشد.» سپس در ماده ۱۲۸۶، سند به دو نوع ۱- رسمي ۲- عادي تقسيم شده است. ماده ۱۲۸۷ قانون ياد شده اسنادي را که در دفاتر اسناد رسمي يا ادارات ثبت اسناد و املاک يا در نزد مأموران رسمي در حدود صلاحيت آنان و برطبق مقررات قانوني تنظيم شده باشد سند رسمي دانسته و به موجب ماده ۱۲۸۹ هرآنچه را که خارج از تعريف اسناد رسمي باشد سند عادي محسوب داشته است. علاوه بر تعاريف مواد بالا ماده ۱۲۵۷ قانون مدني سند را جزء ادله اثبات دعوي منظور کرده و ماده ۳۵۳ قانون آيين دادرسي مدني براي «دليل» اين

تعريف را به دست داده است: «دليل عبارت از امري است که اصحاب دعوي براي اثبات دعوي يا دفاع از دعوي به آن استناد مي نمايند»

از آنچه به اختصار و در حوصله اين بحث از دليل، سند، تعريف و اقسام آن گفته شد اين نتايج به دست مي آيد:

۱- چک و سفته سند شمرده مي شوند.

۲- سند رسمي نيستند و جزء اسناد عادي به شمار مي روند.

۳- يکي از ادله محسوب مي شوند و در مقام اثبات دعوي يا دفاع از دعوي مي توان به آنها استناد کرد.

البته اسناد عادي منحصر به چک، سفته و برات نيستند و هر نوشته ديگري هم که مطابق قانون تنظيم شده و به امضا رسيده باشد مي تواند سند عادي به حساب آيد و در مقام اثبات دعوي يا دفاع از دعوي مورد استناد واقع شود ولي اسناد تجارتي (در بحث ما سفته و چک) از مزايابي برخوردارند که اسناد عادي غير تجارتي از آن محرومند.

عمده ترين اين مزایا عبارتند از:

- ۱- مسئوليت تضامني امضاکنندگان
- ۲- مسئوليت کيفري در مورد چک
- ۳- اعتبار اسناد تجارتي نزد اشخاص و بانکها

۴- استفاده از مرور زمان اختصاصي

۵- واخواست پذيري

۶- مکلف بودن دادگاه به صدور قرار

تأمين خواسته بدون توديع خسارات

احتمالي طرف يا اثبات در معرض تضيع يا تفريط بودن خواسته (در صورتي که اعتراض عدم تاديه بموقع صورت گرفته باشد - ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ۴ ماده ۲۲۵ قانون آيين دادرسي مدني).

امتيازاتي که عمده ترين آنها ذکر شد مؤيد اين امر است که چک و سفته، اگرچه داراي امتياز اسناد رسمي نيستند و لازم الاجرا شمرده نمي شوند، ولي با اسناد عادي هم تفاوت فاحش دارند و در واقع به منزله برزخ بين آن دو محسوب مي گردند و اطلاق (اسناد تجارتي) به آنها دور از مناسبت نيست و با اندکي تسامح مي توانند بمشابه نوع سوم اسناد طبقه بندي شوند.

وجوه اشتراك و افتراق و امتيازات مذکور در فوق به طور عمده از ديدگاه قانوني برشمرده شد ولي از ديدگاه عملي و در روابط بين بازرگانان، فوايد ديگري نيز بر اسناد تجارتي مترتب است که اهم آنها به اين شرح است:

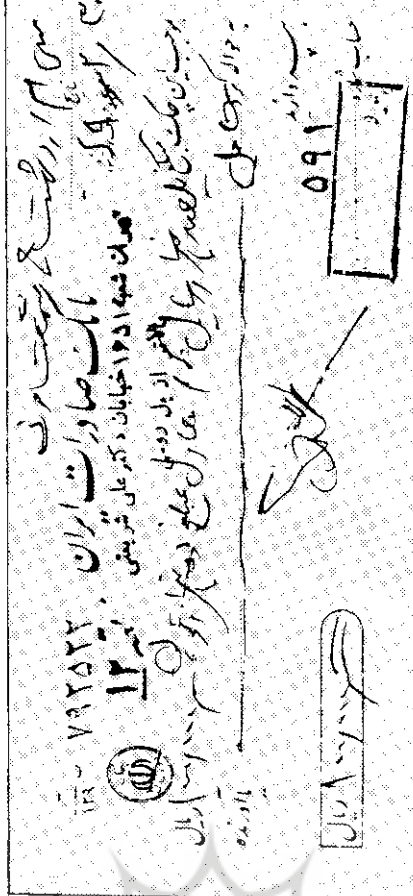
- ۱- اسناد تجارتي به عنوان وسيله پرداخت و به جای پول به کار مي روند. پرداخت با پول در معاملات عمده، گاه با دشواريهاي زياد و گوناگوني از قبيل اشکالات حمل و نقل، سرقت، گم شدن، تحمل هزينه، صرف وقت، آتش سوزي و حوادث ديگر روبروست و پرداخت با اسناد تجارتي رافع مؤثر اين دشواريهاست و مي توان براي ادای دين يا تاديه ثمن از چک يا سفته (بروئي يا ورق بزنيد

بوعده) استفاده کرد و گیرنده چک یا سفته هم می‌تواند آن را به حساب خود در بانک منظور کند یا آن را با پشت‌نویسی به دیگری منتقل کند و از بروز خطرات و اشکالات جلوگیری نماید.

۲- اسناد تجارتي به عنوان وسیله اعتبار به کار می‌روند - از آنجاکه همواره و همیشه پول نقد به مقدار لازم در اختیار بازرگانان نیست که پرداختهای خود را با آن انجام دهند، لذا گردش بازرگانی اغلب به‌طور نسبی (موجل) انجام می‌پذیرد و خریدار سفته‌ای معادل بهای کالا به فروشنده تسلیم می‌کند و بایع نیز آن را به ازای ثمن به فروشنده دیگر واگذار می‌نماید و به این ترتیب سفته موجب تسهیل معاملات شده و در بازار پول و معاملات اعتباری خرید و فروش می‌شود و به عبارت دیگر به اعتبار متمهد سفته یا ظهرنویس یا هر دو معاملات موجل امکانپذیر می‌گردد.

۳- اسناد تجارتي موجب انتقال طلب یا دین می‌شوند - بازرگانان اغلب دیون یا مطالبات خود را با اسناد تجارتي به یکدیگر یا از شهری به شهر دیگر انتقال می‌دهند و به جای مبادله وجه نقد، طلبی را که از یکی دارند در مقابل بدهی که به دیگری دارند با تسلیم اسناد تجارتي مبادله می‌کنند.

۴- سند تجارتي به دارنده آن امکان می‌دهد که مطالبات موجل (مدت‌دار) خود را نقد کند، به این ترتیب که فروشنده کالایی که مثلاً موعد پرداخت



طلبش اول اسفندماه است و سفته‌ای برای همان تاریخ در اختیار دارد می‌تواند سفته را در آبان همان سال با تنزیل به بانک یا صرافی بفروشد و پول نقد بگیرد و به این ترتیب بخشی از کارهای بانکها و صرافیها شکل می‌گیرد.

۵- اسناد تجارتي وصول و ایصال مطالبات و دیون را آسان می‌کنند - مثلاً دارنده چک یا سفته می‌تواند آن را برای وصول به بانک واگذار کند و بانک عمل وصول را عهده‌دار می‌شود و آن را به حساب دارنده واریز می‌کند.

چک

بحث چک را می‌توان در دو بخش جداگانه پی گرفت:

بخش اول شامل: مقررات عمومی،

تعریف، شرایط، انواع و امتیازات که در قانون تجارت معین شده است و ما از آن به‌عنوان مقررات حقوقی (در مقابل مقررات جزایی) چک نام می‌بریم.

بخش دوم شامل: مقررات جزایی یا کیفری چک

بخش اول: مقررات عمومی

نظر عامه به‌طور اغلب و اکثر معطوف به جنبه کیفری چک است و از جنبه حقوقی آن که اساس موجودیت چک را تشکیل می‌دهد غفلت می‌شود، در حالی که بدون رعایت کامل مقررات حقوقی مندرج در قانون تجارت ممکن است چک به صورت قانونی تحقق نیابد تا به تبع آن بتوان مقررات کیفری را بر آن بار نمود و از امتیاز تعقیب کیفری صادر کننده چک بهره جست. از این رو جا دارد به مقررات قانون تجارت در خصوص چک با دقت کافی نگریسته شود.

ماده ۳۱۰ قانون تجارت چک را بدین‌گونه تعریف کرده است: «چک نوشته‌ای است که به‌موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به‌دیگری واگذار می‌نماید.»

بنابر تعریف بالا اولاً فرض قانونی بر این است که صادرکننده معادل وجه چک نزد محال‌علیه اعتبار یا وجه نقد

دارد و در همان حد چک صادر می‌کند نه بیشتر؛ ثانیاً در هر چکی ۳ نفر و گاه دو نفر وجود دارند، اول صادرکننده دوم محال‌علیه (به معنای کسی که پرداخت وجه به او حواله شده است - بانک) سوم گیرنده وجه چک (که ممکن است خود صادرکننده یا دیگری باشد) ثالثاً چک نوعی حواله است که از مقررات خاص قانون تجارت تبعیت می‌کند. رابعاً چک «سند انتقال» است.

مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت: «در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد. پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد» و به موجب ماده ۳۱۳ همان قانون: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.» بنابراین طبق مواد فوق اولاً چک باید دارای تاریخ صدور باشد و چک بدون تاریخ از نظر قانونگذار چک نیست، ثانیاً قید تاریخ موخر در چک ممنوع است زیرا چک باید به محض ارائه کارسازی شود و وعده‌دار بودن چک به نظر این دفتر آن را از صورت چک (سند تجارتي) خارج ساخته و به سند عادی و محروم از حمایت‌هایی که برای چک مقرر شده است مبدل می‌سازد. ثالثاً باید به امضای واقعی صادرکننده (امضایی که قبلاً به محال‌علیه معرفی شده است) رسیده باشد. رابعاً قید محل صدور در چک ضرورت دارد زیرا علاوه بر تصریح ماده ۳۱۱ مثلاً هرگاه محل صدور و محل پرداخت یکی باشد مدت لازم برای

مراجعه به بانک کمتر و چنانچه محل صدور چک در یک نقطه (مثلاً تهران) و محل پرداخت آن در نقطه دیگر ایران (فرضاً اصفهان) باشد مدت لازم برای مراجعه به بانک بیشتر است (ماده ۳۱۵ قانون تجارت) و اگر محل صدور چک خارجه و محل پرداخت آن ایران باشد مدت لازم برای مراجعه به بانک بازهم بیشتر است (ماده ۳۱۷ قانون تجارت).

چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد. ممکن است به صرف امضاء در ظهر به دیگری منتقل شود. (ماده ۳۱۳ قانون تجارت).

مواد ۳۱۵ و ۳۱۷ قانون تجارت برای مراجعه دارنده چک به بانک، در مورد چکهایی که محل صدور و تأدیه آن یکی است ۱۵ روز از تاریخ صدور و در مورد چکهایی صادر شده در یک نقطه ایران و قابل پرداخت در نقطه دیگر ایران ۴۵ روز از تاریخ صدور و در مورد چکهایی صادر شده از کشورهای خارج و قابل پرداخت در ایران ۴ ماه از تاریخ صدور مهلت تعیین کرده و تصریح نموده که اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دعوای او علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه به سببی که مربوط به محال‌علیه است از بین برود دعوای دارنده چک علیه صادرکننده نیز در محکمه مسموع نخواهد بود.

از مفاد دو ماده بالا این نتایج به دست می‌آید:

۱ - عدم مراجعه به محال‌علیه برای دریافت وجه چک، در مدت‌های مقرر به منزله اعراض از استفاده از مسئولیت تضامنی ظهرنویس تلقی شده و قانونگذار خواسته مسئولیت ظهرنویس از نظر مدت محدود باشد و خارج از مواعد قانونی مسئولیتی نداشته باشد.

۲ - اگر دارنده چک در مهلت‌های مقرر به محال‌علیه مراجعه نکند و مثلاً براث و رشکستگی محال‌علیه چک لاوصول بماند چون عدم وصول چک مستند به قصور و غفلت دارنده چک است حق مراجعه به صادرکننده چک از او سلب می‌گردد ولی اگر عدم وصول چک مربوط به محال‌علیه نباشد مثلاً خود صادرکننده قبل از مراجعه دارنده چک، وجه آن را از بانک دریافت کرده باشد حق مراجعه او به صادرکننده به قوت خود باقی خواهد بود.

۳ - مستفاد از مفهوم ماده این است که دارنده چک همیشه حق مراجعه به محال‌علیه را برای مطالبه وجه، ولو در خارج از مواعد مقرر، دارد و دعوای وی نیز در دادگاه قابل استماع خواهد بود زیرا ضمانت اجرای عدم رعایت مواعد، مربوط به سلب مسئولیت از ظهرنویس و صادرکننده است و محال‌علیه که وجهی در نزد وی بوده و پرداخت آن به دارنده چک حواله شده است نمی‌تواند به عذر انقضای مواعد از تأدیه وجه امتناع کند.

و بالاخره برابر ماده ۳۱۷ قانون تجارت «مقررات راجع به چکهایی که ورق بزنید

بخش دوم - مقررات کیفری چک (چک بلامحل)

مقدمه بخش

افزون بر تعریف ماده ۳۱۰ قانون تجارت از چک ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۵۵/۴/۱۶ تاکید می‌کند: «صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید...» و ماده ۶ همان قانون صادرکننده چک بلامحل را مستحق کیفر حبس و جزای نقدی می‌داند. از این رو وجود محل، در تاریخ صدور چک الزامی است و این محل باید تا تاریخی که برای دارنده حق مراجعه و دریافت وجود دارد حفظ شود وگرنه صادرکننده علاوه بر مسئولیت مدنی مسئولیت کیفری نیز خواهد داشت.

مروری بر قانون صدور چک مصوب ۵۵/۴/۱۶

این قانون که در حال حاضر جاری و معتبر است عمدتاً متضمن احکامی به

قرار ذیل است:

۱ - صادرکننده چک و ظهرنویسها، در صورت بلامحل بودن چک و اعتراض، در مقابل دارنده آن مسئولیت تضامنی دارند و دارنده می‌تواند به هر یک منفرداً و به تمام آنها مجتمعاً رجوع یا اقامه دعوی کند.

۲ - هرگاه محال‌علیه با وجود محل، از پرداخت چک بدون عذر موجه و قانونی امتناع کند دارنده چک حق دارد علیه وی اقامه دعوی نماید.

۳ - هریک از ظهرنویس‌ها که بر اثر مراجعه دارنده، وجه چک را به وی پرداخته باشد حق مراجعه به ظهرنویس ماقبل و صادرکننده و اقامه دعوی علیه آنها را دارد.

۴ - اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسئولان پرداخت چک، حق رجوع به سایر مسئولان را ساقط نمی‌کند و اقامه‌کننده دعوی ملزم به رعایت ترتیب ظهرنویسی از حیث تاریخ نیست.

۵ - اعتراض در مورد چک لزومی ندارد از نظر شکلی تابع واخواستنامه‌های مقرر برای برات باشد و طبق رویه، به وسیله ابلاغ اظهارنامه رسمی هم ممکن است عدم وصول وجه چک را اطلاع داد و مطالبه رسمی نمود و در صورت امتناع متوسل به اقامه دعوی شد.

در ایران صادر شده است در مورد چکهایی که از خارجه صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد... پس چک اعم از آنکه در ایران صادر شده باشد یا در خارجه، چنانچه به عهده بانکهای ایران باشد تابع مقررات چک قانون تجارت و سایر قوانین ایران خواهد بود.

گاه دیده شده است که بانکها بعد از گذشت ۶ ماه از تاریخ صدور چک از پرداخت آن خودداری می‌نمایند. این دفتر با کاوش در مقررات مربوط مجوزی برای توجیه این رویه به دست نیاورده است حتی مراجعه به چند تن از حقوقدانان و صاحب‌نظران امور بانکی نیز نتوانست توجیه منطقی و قانونی برای این کار به دست بدهد. لذا به نظر می‌رسد اتخاذ این رویه ناشی از تعمیم ناصحیح ماده ۱۰ قانون صدور چک (که صرفاً ناظر به تعقیب کیفری است) بوده باشد.

وجوه اشتراک چک و برات:

قسمت آخر ماده ۳۱۴ قانون تجارت مقرر داشته است: «... مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات، شامل چک نیز خواهد بود.»

پس در موضوعاتی که در ماده ۳۱۴ به آنها تصریح شده، چک و برات وجوه مشابه و مشترکی دارند که رئوس آن به

ترتیب زیر است:

۱ - صادرکننده چک باید در تاریخ صدور، معادل مبلغ چک در بانک، محل به صورت نقد یا اعتبار قابل استفاده داشته باشد. خارج کردن تمام یا قسمتی از وجهی که به اعتبار آن چک صادر شده، دستور عدم پرداخت و تنظیم چک به صورتی که بانک از پرداخت وجه چک امتناع کند (از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات آن) ممنوع است. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن ترتیب اثر نخواهد داد. (ماده ۲)

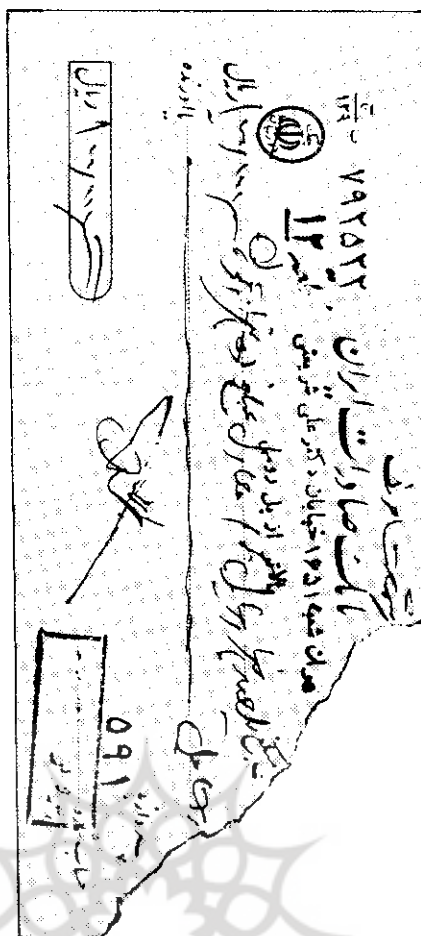
۲ - هرکس مرتکب تخلف مندرج در ماده (۲) مشروح فوق گردد محکوم به مجازات حبس و جزای نقدی خواهد شد. (ماده ۶)

۳ - چکهای صادر شده برعهده بانکهایی که طبق قوانین ایران دایر شده‌اند و نیز برعهده شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجراست و در صورت عدم تادیه و برگشت چک، دارنده آن می‌تواند از طریق اجرای ثبت و صدور اجرائیه درمورد وصول وجه چک یا باقیمانده آن اقدام کند مشروط براینکه:

الف - دارنده چک عین چک و گواهینامه عدم پرداخت مذکور در ماده ۳ را به اجرای ثبت محل تسلیم نماید.

ب - مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک به تصدیق بانک محال‌علیه رسیده باشد. (ماده ۱)

۴ - بانک مکلف است نسخه دوم گواهینامه عدم پرداخت را برای اطلاع صادرکننده چک به آخرین نشانی



صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. (ماده ۳)

۵ - در صورتی که موجودی حساب صادرکننده، کمتر از مبلغ چک باشد و دارنده چک پرداخت مبلغ موجود در حساب را تقاضا کند، بانک مکلف به تادیه آن است و دارنده نسبت به بقیه مبلغ با اخذ گواهینامه بانک حق تعقیب کیفری صادرکننده را خواهد داشت (ماده ۴)

۶ - در صورتی که صادرکننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را به دارنده بپردازد یا با موافقت او ترتیب پرداخت را بدهد یا موجبات پرداخت را در بانک محال‌علیه فراهم سازد از تعقیب کیفری معاف خواهد شد. (ماده ۸)

۷ - هرکس از بسته بودن حساب

بانکی خود مطلع باشد و با این وجود چک صادر کند در حکم صادرکننده چک بدون محل محسوب [می‌شود] و قابل تعقیب کیفری است. (ماده ۹)

۸ - جرائم مذکور در قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست. مدت لازم برای مراجعه به بانک و وصول وجه چک ۶ ماه از تاریخ صدور برای استفاده از [حق] تعقیب کیفری متهم، شکایت به مرجع صلاحیتدار قبل از انقضای ۶ ماه از تاریخ صدور گواهینامه عدم پرداخت است و بعد از گذشت این مدت حق شکایت ساقط می‌شود. (ماده ۱۰)

۹ - کسی که چکی را بعد از برگشت از بانک از دارنده آن بگیرد (به خود انتقال دهد) حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد. فلسفه اسقاط حق تعقیب برای انتقال گیرنده آن است که چنین شخصی عالم به بلامحل بودن چک بوده است و در واقع قانونگذار قصد جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی افراد فرصت‌طلب را داشته و راه این‌گونه سوءاستفاده‌ها را سد کرده است. (ماده ۱۰)

۱۰ - هرگاه شاکی، بعد از شکایت کیفری چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را به هر نحو به دیگری واگذار کند تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. (تبصره ماده ۱۰)

۱۱ - هرگاه شاکی، قبل از صدور حکم قطعی گذشت کند یا متهم وجه چک را نقداً پرداخت [کرده] یا موجبات پرداخت را فراهم [آورد] یا در صندوق

ورق بزنید

دادگستری یا صندوق ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد ولی صدور قرار موقوفی مانع از رسیدگی به خسارات قانونی مورد مطالبه و صدور حکم نسبت به آن نخواهد بود. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند یا محکوم علیه موجبات پرداخت محکوم به را (به یکی از طرق فوق الذکر) فراهم نماید اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم به نفع دولت خواهد بود و این مبلغ به دستور دادستان وصول خواهد شد. (ماده ۱۱).

۱۲ - صادرکننده چک در موارد زیر قابل تعقیب کیفری نیست و به عبارت دیگر این موارد مانع تحقق بزه «صدور چک بلامحل» می گردد:

الف - در صورت اثبات اینکه چک سفید امضا داده شده است.

ب - هرگاه در متن چک وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد.

ج - هرگاه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی [صادر شده] است.

ه - در صورتی که ثابت شود چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد (ماده ۱۲). ماده برای اثبات موارد فوق شهادت شهود را به تنهایی کافی ندانسته است.

حکم این ماده منطقی و منطبق با مقررات موضوعه در قانون تجارت در فصل چک و در جهت سوق دادن صدور چک به سمت و جهت واقعی آن به عنوان یک وسیله پرداخت مطمئن و قابل اطمینان است.

آشکار است که چک یک وسیله پرداخت و به مثابه اسکناس است و باید برای مشکلات حقوقی خود از قبیل تضمین تعهد و تحقق شرط و نظایر آن راه‌حلهای حقوقی دیگری که مخالف با قانون نباشد جستجو کنند والا علاوه بر اینکه خودشان مآلاً مغبون خواهند شد جامعه را نیز بیهوده دچار تزلزل و بی‌اعتمادی دائمی در مناسبات آن خواهند کرد.

۱۳ - هرگاه چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرم دیگری تحصیل شده باشد صادرکننده چک یا ذینفع یا قائم مقام قانونی آنها می‌تواند با تصریح علت، کتباً دستور عدم پرداخت را به بانک بدهد و بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارائه چک بانک علت عدم پرداخت را ضمن گواهی نامه‌ای که صادر و تسلیم می‌نماید به ارائه‌دهنده اعلام می‌دارد. دارنده چک می‌تواند علیه دستوردهنده اقامه شکایت کند و هرگاه خلاف ادعای دستوردهنده ثابت شود علاوه بر کیفر مقرر در ماده ۶ به پرداخت یک چهارم وجه چک به عنوان خسارت معنوی شاکی نیز محکوم خواهد شد.

در این مورد ذینفع کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده

یا به او واگذار گردیده باشد. بانک در صورت دریافت دستور عدم پرداخت مکلف است تا تعیین تکلیف آن در مرجع صلاحیتدار یا انصراف دستوردهنده وجه چک را در حساب مسدودی نگاهداری کند. (ماده ۱۳)

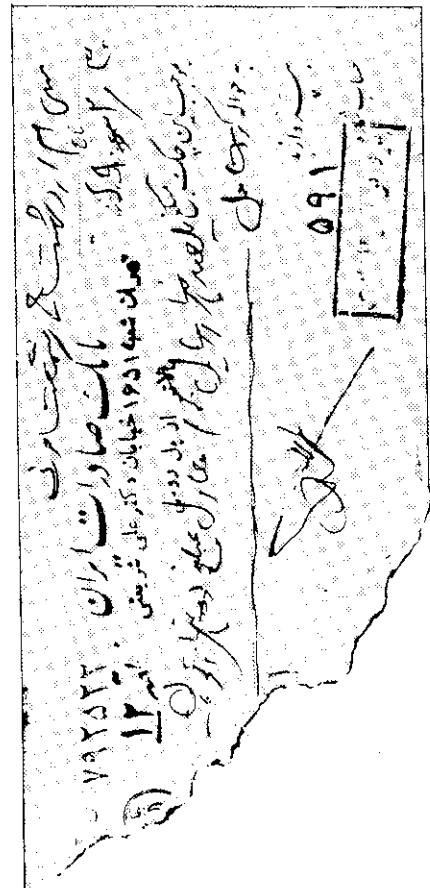
۱۴ - دارنده چک می‌تواند ضرر و زیان ناشی از جرم را از دادگاهی که مرجع رسیدگی کیفری است مطالبه کند. (ماده ۱۴)

۱۵ - وجود چک در دست صادرکننده آن دلیل پرداخت وجه چک و انصراف شاکی از شکایت است، مگر آنکه خلاف این امر ثابت گردد. (ماده ۱۶)

۱۶ - مرجع رسیدگی مکلف است وجه‌الضمان نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید مگر آنکه وجه چک به طریق قانونی تأمین شده باشد. در صورت تعدد صادرکنندگان چک، مرجع تعقیب مبلغ وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی را حسب‌المورد به تناسب مسئولیت هرکدام یا به‌طور تساوی تقسیم خواهد کرد. (ماده ۱۷)

۱۷ - در صورتی که وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی مقرر در ماده ۱۷ تودیع شده باشد تأمین خواسته از اموال متهم جایز نیست. در این صورت ضرر و زیان مدعی خصوصی از محل وجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه بانکی باید پرداخت شود (تبصره ۱ ماده ۱۷)

۱۸ - هرگاه چک به وکالت یا نمایندگی صاحب حساب (اعم از



شخص حقیقی یا حقوقی) صادر شده باشد مسئولیت کیفری متوجه امضاکننده چک خواهد بود، مگر آنکه امضاکننده ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت مسئولیت کیفری به عهده کسی خواهد بود که موجب عدم پرداخت شده است. بعلاوه صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک می‌باشند و اجرائیه یا حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دونفر صادر می‌شود. (ماده ۱۸)

۱۹ - مسئولیت مدنی پشت‌نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است. (ماده ۱۹)

۲۰ - بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که ظرف ۳ سال بیش از یک‌بار چک بی‌محل صادر کرده‌اند و منتهی به صدور کیفرخواست شده است

مسدود نمایند و تا پنج سال حساب جاری دیگری به نام آنان افتتاح نکنند. بانک متخلف به مجازات انتظامی مقرر در ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور محکوم خواهد گردید.

دادسراها نیز مکلفند صدور کیفرخواست را به اطلاع بانک مرکزی برسانند و بانک مرکزی نیز مکلف است مشخصات این‌گونه متهمان را ضمن بخشنامه‌ای به منظور بستن حساب جاری آنها و باز نکردن حساب جاری دیگری به نامشان، به کلیه بانکها اطلاع دهد. در صورت حصول برائت قطعی، متهم حق خواهد داشت از دادسرا بخواهد مراتب را به بانک مرکزی اطلاع دهد تا بانک مزبور به نوبه خود بدون اشکال بودن افتتاح حساب جاری وی را ضمن بخشنامه به سایر بانکها ابلاغ نماید. (ماده ۲۰)

۲۱ - هرگاه به متهم دسترس پیدا نشود آخرین نشانی وی در بانک محال‌علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل خواهد آمد مگر آنکه به ترتیب مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد. چنانچه متهم حسب‌المورد در نشانی بانکی یا نشانی مقرر در تبصره ماده ۱۲۵ قانون بالا شناخته نشود، گواهی مامور ابلاغ به منزله ابلاغ اوراق تلقی می‌شود و رسیدگی بدون اینکه احضار متهم از طریق مطبوعات لزومی داشته باشد، ادامه خواهد یافت (ماده ۲۱).

سفته

تعریف و مندرجات قانونی سفته

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ که هم اکنون مورد عمل قرار دارد کلیه احکام مربوط به سفته را در ۳ ماده خلاصه کرده و گنجانده است که هر ۳ ماده در زیر عیناً نقل می‌شود:

ماده ۳۰۷ - «فته طلب سندی است که به موجب آن امضاءکننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله‌کردن آن شخص کارسازی نماید.»

ماده ۳۰۸ - «فته طلب علاوه بر امضاء یا مهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد:

- ۱ - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف
- ۲ - گیرنده وجه
- ۳ - تاریخ پرداخت»

ماده ۳۰۹ - «تمام مقررات راجع به بروات تجارته (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.»

ماده ۳۰۷ نشان می‌دهد که سفته همان سند ذمه‌ای است که آن را با طبیعت معاملات تجارته سازگار کرده‌اند و به موجب ماده ۳۰۸ مقررات شکلی آن تابع قواعد معینی شده و طبق ماده ۳۰۹، از حیث پاره‌ای مقررات و امتیازات با برات وجه اشتراک یافته ورق بزنید

است. (که در جای خود به مهمترین این وجوه اشتراک و نیز به وجود افتراق اشاره خواهد شد.)

علاوه بر تفاوت‌های مذکور در فوق، فرق دیگر این دو در آن است که سفته را می‌توان «به حواله کرد» صادر و تعهد نمود ولی در سند ذمه‌ای موضوع حواله کرد قید نمی‌شود. با این حال این تفاوت اهمیت چندانی ندارد زیرا در سند ذمه‌ای نیز صاحب آن می‌تواند حقوق خود را در همان سند یا به موجب سند عادی یا رسمی دیگری به غیر منتقل کند.

در سفته (قبل از ظهورنویسی) دو نفر وجود دارد، یکی امضاکننده (متعهد، مدیون یا بدهکار) و دیگری شخصی که سفته به نفع او صادر شده است (متعهدله، دائن یا بستانکار) و ممکن است شخص معینی باشد یا به حواله کرد آن شخص یا حامل (دارنده) صادر شود. مندرجات قانونی سفته طبق ماده ۳۰۹ عبارت است از:

- ۱- امضا یا مهر امضاکننده (متعهد)
- ۲- تاریخ تنظیم سفته
- ۳- مبلغ سفته با قید تمام حروف
- ۴- گیرنده وجه (حامل، شخص معین یا به حواله کرد وی)

۵- تاریخ پرداخت یا سررسید
بین ماده ۳۰۷ و ۳۰۸ تعارضی به نظر می‌رسد: طبق ماده اولی می‌توان پرداخت وجه سفته را «عندالمطالبه» تعهد کرد ولی ماده ۳۰۸ قید «تاریخ پرداخت» را جزو مندرجات سفته قرار داده است و این دو مانع الجمع هستند و نمی‌توان برای سندی که عندالمطالبه باید پرداخت شود سررسید یا تاریخ

پرداخت معین کرد. شاید بتوان به این صورت رفع اشکال کرد که بگوییم امکان صدور سفته «عندالمطالبه» جزء تعریف سفته است و از آن جداشدنی نیست و باید معتبر شناخته شود و لزوم قید تاریخ پرداخت (سررسید) در مورد سفته‌هایی است که باید در موعد معین پرداخت شود. منتها قانونگذار سهواً در بند ۳ ماده ۳۰۸ «تاریخ پرداخت» را منحصر به موردی که سفته برای موعد معین صادر شده باشد، نکرده است.

از تعریف اول که صدور سفته را به رؤیت «معادل عندالمطالبه» مورد قبول قرار داده و از این حیث با ماده ۳۰۷ قانون تجارت مطابقت دارد معلوم می‌شود که قید عندالمطالبه در سفته بلااشکال است و لاجرم قید «تاریخ پرداخت» در بند ۳ ماده ۳۰۸ مربوط به موردی است که سفته برای موعد معین باشد و لاغیر.

با فرض اینکه استدلال فوق پذیرفته شود باز هم در مورد سفته عندالمطالبه یک اشکال باقی می‌ماند و آن موضوع واخواست است زیرا با معلوم نبودن تاریخ پرداخت، مبدأ مدت مقرر قانونی برای واخواست مشخص نیست. و شاید یکی از راه‌حلهای این اشکال مطالبه رسمی با اظهارنامه باشد که دارنده سفته تاریخی برای تادیه در اظهارنامه تعیین کند تا بعداً بتواند در صورت عدم تادیه سفته را واخواست کند.

وجوه اشتراک سفته و برات

بر سفته و برات قواعد مشترکی حاکم است و ماده ۳۰۹ قانون تجارت

بدون برشمردن تمام مشترکات به‌طور کلی مقرر می‌دارد: «تمام مقررات راجع به برات تجارتي از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب در مورد فته طلب نیز لازم‌الرعايه است.»

بعض از مصادیق قواعد مشترک بین برات و سفته به شرح زیر است:

۱- وعده سفته یا سررسید: که اگر مثلاً با تعطیل رسمی تصادف کرد حکم تبصره ماده ۲۴۴ (که راجع به برات است) بر آن جاری می‌گردد و روز بعد از تعطیل محسوب خواهد شد.

۲- ظهورنویسی: انتقال هر دو سند به وسیله ظهورنویسی صورت می‌گیرد. ظهورنویسی در هر دو مورد باید به امضای ظهرنویس برسد. ظهورنویسی حاکی از انتقال هر دو سند تجارتي است... و امثال آن.

۳- مسئولیت - همان‌طور که در مورد برات مقرر شده است، صادرکننده سفته و پشت‌نویس‌ها در برابر دارنده سفته مسئولیت دارند و این مسئولیت تضامنی

است و دارنده سفته می‌تواند به هریک منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مراجعه و پرداخت وجه سفته را مطالبه و در صورت لزوم علیه آنان اقامه دعوی کند. همین حق را هریک از ظهرنویس‌ها نسبت به صادرکننده سفته و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد و غیره.

۴- پرداخت - همان‌طور که برات باید با نوع پولی که در آن معین شده پرداخت گردد (ماده ۲۵۲) در سفته هم پرداخت باید با پول معین شده در آن تادیه شود. و سایر مقررات پرداخت برات هم تا حدی که با طبع سفته سازگار باشد در مورد آن باید رعایت شود.

۵- تادیه وجه سفته به واسطه شخص ثالث - همانند برات (ماده ۲۷۱) اگر وجه سفته را شخص ثالث از طرف صادرکننده پردازد دارای تمام حقوق و وظایف او خواهد بود.

۶- حقوق و وظایف دارنده سفته در مورد اعتراض عدم تادیه و فوت و توقف بدهکار و مطالبه و اقامه دعوی و وصول مانند برات است لیکن در سفته اعتراض قبول یا نکول وجود ندارد.

۷- واخواست - در مورد واخواست سفته باید همان مقررات واخواست که برای برات مقرر است رعایت گردد.

۸- قوانین خارجی - شرایط اساسی سفته و تعهدات ناشی از آن از لحاظ قوانین خارجی مانند برات است. مثلاً سفته‌هایی که در خارج از ایران صادر شده باشد از لحاظ شرایط اساسی تابع قوانین مملکت محل صدور است. (ماده ۳۰۵)

۹- سفته‌ای که به علت عدم تادیه واخواست شده باشد (مانند برات)

دادگاه را مکلف می‌کند، در صورت اقامه دعوی، به مجرد تقاضای مدعی قرار تامین خواسته صادر کند بدون اینکه خواهان ملزم به تودیع خسارات احتمالی خوانده بوده باشد. (ماده ۲۹۲ قانون تجارت و بند ۴ ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی)

تفاوت‌های موجود بین برات و سفته

با آنکه سفته و برات هر دو از اسناد تجارتي هستند ولی به علت تفاوت ماهیتی و کاربردی، با یکدیگر فرقهایی دارند که خلاصه آن به این شرح است:

۱- در برات معمولاً ۳ نفر دخیلند که عبارتند از محیل (مدیون) و محال (دائن) و محال علیه. ولی در سفته دو نفر حضور دارند که عبارتند از صادرکننده (متعهد) و دارنده سفته (متعهدله).

۲- در برات قبول و نکول لازم اساسی است ولی در سفته قبولی یا نکول وجود ندارد زیرا متعهد با حواله‌گیرنده سفته یکی است و پرداخت‌کننده سفته خود صادرکننده است.

۳- سفته را می‌توان «در وجه حامل» صادر کرد ولی صدور برات در وجه حامل مقدور نیست زیرا در بند ۷ ماده ۲۲۳ قانون تجارت ذکر نام شخصی که برات باید در وجه یا حواله کرد او پرداخت شود الزامی و جزء شرایط اساسی است.

۴- در برات گرچه فرض است که وجهی به صورت بدهی یا اعتبار نزد

براتگیر موجود است ولی احتمال خلاف آن هم وجود دارد و به همین لحاظ است که براتگیر می‌تواند پرداخت وجه برات را قبول یا نکول کند. در سفته برعکس صادرکننده با تصدیق تعهد (در اکثر موارد مدیون بودن) و امضای آن مأخوذ به پرداخت می‌باشد.

۵- همان‌طور که قبلاً گفته شد معاملات برواتی ذاتاً معامله تجارتي است (بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت) ولی معامله سفته ذاتاً تجارتي محسوب نمی‌شود و فقط در مواردی که بین بازرگانان و صرافان و بانکها و کسبه انجام شود تبعاً تجارتي شناخته می‌شود (بند ۱ ماده ۳ قانون تجارت).

مناسب می‌دانیم در پایان این مقاله پاسخ برخی ابهامهای رایج پیرامون چک را که حسب مورد به وسیله اعضای کمیسیونهای مشورتي ارائه شده و در «مجموعه نظرهای مشورتي اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری» درج شده است، بیفزاییم:

۱- «بزه صدور چک بلامحل از تاریخ صدور چک تحقق می‌یابد نه از تاریخ کشف بی محل بودن آن. به عبارت دیگر عدم پرداخت چک از طرف بانک، کاشف از وقوع جرم در تاریخ صدور و شرط تعقیب آن است نه رکن قانونی جرم، و معقول نیست عمل شاکی با بانک موجب تحقق جرم صاحب حساب باشد.»

۲- برطبق نظر کمیسیون مشورتي اداره حقوقی مورخ ۴۷/۵/۱۹:

«۱- مطابق ماده ۳۱۱ قانون تجارت ورق بزیند

تاریخ چک از ارکان اساسی آن محسوب است و با فقد تاریخ نمی‌توان آن را چک به معنای قانونی کلمه دانست.»

«۲- چک فاقد تاریخ قابل ارائه به بانک هم نیست و به فرض ارائه و صدور گواهی عدم پرداخت از طرف بانک، به علت عدم صدق عنوان کیفری قابل تعقیب نمی‌باشد، لکن تحت عنوان کلاهبرداری (در صورت وجود عناصر متشکله آن) قابل تعقیب است.»

«۳- نبود تاریخ در چک به علتی که فوقاً اشاره شد موجب عدم پرداخت است. تاریخ چک هم باید به وسیله صادرکننده در متن آن نوشته شود نه به وسیله دارنده.»

۳. بر طبق نظر کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری مورخ ۵۳/۶/۲۷: «به صراحت ماده ۶۸ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری، ضرر و زیان شاکی را فقط از اموال متهم می‌توان تأمین کرد. بنابراین در صورتی که مدیرعامل شرکتی متهم به صدور چک بیمحل به عهده شرکت باشد اموال شرکت را نمی‌توان بابت تأمین خواسته توقیف کرد.»

۴. بر حسب نظر کمیسیون امور حسبی و اجرای احکام مورخ ۵۳/۸/۲۳:

«صادرکننده چک متعهد و مسئول پرداخت وجه آن می‌باشد و چنانچه قبل از تاریخ چک فوت شود دارنده چک می‌تواند با استفاده از مواد ۲۳۱ و ۲۳۲ قانون امور حسبی برای اثبات طلب خود و استیفای آن از ترکه متوفی (صادرکننده چک) به طرفیت ورثه اقامه دعوی نماید.»

۵. طبق نظر کمیسیون مشورتی آیین

دادرسی کیفری مورخ ۵۳/۶/۲۷:

«در صورتی که امضاکنندگان چک بیمحل دونفر یا بیشتر باشند شرکای جرم محسوب و طبق تبصره ۲ ماده (۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، دادگاه هریک از امضاکنندگان چک را به پرداخت سهم خود از ضرر و زیان ناشی از جرم (وجه چک و خسارت) محکوم می‌کند. لیکن محکوم علیهم نسبت به پرداخت کل ضرر و زیان مسئولیت تضامنی دارند.»

رای شماره ۵۳۶-۱۰/۷/۱۳۶۹

رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور

قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ در مادتين ۲ و ۳ و قانون تجارت بشرح مواد ۳۱۰ تا ۳۱۵ شرایط خاصی را در مورد چک مقرر داشته که از آن جمله کیفیت صدور چک و تکلیف دارنده چک از لحاظ موعد مراجعه به بانک و اقدام بانک محال‌علیه به پرداخت وجه چک یا صدور گواهی عدم تادیه وجه آن و وظیفه قانونی بانک دائر به اخطار مراتب به صادرکننده چک می‌باشد.

مسئولیت ظهن‌نویس چک موضوع ماده ۳۱۴ قانون تجارت هم براساس این شرایط تحقق می‌یابد و واخواست برات و سفته به ترتیبی که در ماده ۲۸۰ قانون تجارت قید شده ارتباطی با چک پیدا نمی‌کند. بنابراین گواهی بانک محال‌علیه دایر به عدم تادیه وجه چک که در مدت

۱۵ روز به بانک مراجعه شده، به منزله واخواست می‌باشد و رأی شعبه ششم دیوان عالی کشور که هیئت عمومی حقوقی دیوان عالی کشور هم با آن موافقت داشته صحیح و منطبق با موازین قانونی است. این رأی بر طبق ماده واحده وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. ●

● دنباله

منسوخ و مانع توسعه

ارائه می‌کنم. به نظر من تغییر کل قانون چندان به مصلحت نیست. چون ممکن است مشکلاتی را فراهم کند و در عین حال چنین کاری مستلزم ایجاد تغییرات درخور توجه در قوانین مربوط دیگر است. در نتیجه پیشنهاد من این است که تنها موادی از قانون که در زمان حاضر مشکلاتی را در تنظیم روابط تجاری پدید آورده تغییر کند و احتمالاً مواد جدیدی به قانون افزوده شود که فعالیتهای تجاری کشور در شرایط کنونی و آینده پیشبینی‌پذیر به آن نیازمند است. از نظر

من قانون تجارت باید در نظام اقتصادی کشور، نقشی همانند قانون اساسی در تمامی کشور داشته باشد و بقیه امور را به نهادها و کمیسیونهای ویژه ارجاع کند و از جمله مسائل مربوط به حسابداری و حسابرسی و بازرسی قانونی و مانند اینها را به سازمان یا نهاد حرفه‌ای ذیربط ارجاع کند. در این موارد تنها طرح و تعریف مفاهیم و الزامات کلی کافی است. اما به نظر می‌رسد ارتباط دادن تحولات قانون تجارت به بازار سرمایه چندان عملی نیست چرا که مسئله بازار سرمایه ورای مسائل قانونی است.

شمس:

من هم فکر می‌کنم اقدامات انجام شده در زمینه جلب سرمایه و مشارکت در خرید سهام واحدهای تولیدی موفقیت‌آمیز نبود. قانون تجارت و یا قانون بورس اوراق بهادار باید ضوابط و مقرراتی را در خود پیشبینی کند که بتواند مردم را در راستای سرمایه‌گذاری هدایت کند و این کار به قانون نیاز دارد. در زمان حاضر بیشتر کشورهای جهان در قوانین تجاری و مقررات مربوط به بورس اوراق بهادار خودشان مقرراتی را پیشبینی کرده‌اند که به جلب توجه و اعتماد مردم به سرمایه‌گذاری انجامیده است. البته در این گونه قوانین حقوق سهامداران جزء بخوبی حمایت و تضمین شده است.

امین:

آشکار است که اکنون قانونگذار باید با

توجه به تحولات در ساختار مناسبات و ارتباطات تجاری و تغییر در ابعاد و حجم آن حقوق، تکالیف و مسئولیتهای سازمانها و افراد را در نظام تجاری کشور مشخص کند و سپس بسنجد که چه مقرراتی با چه ویژگیهایی برای حفظ این حقوق و مناسبات ضرورت دارد. افزون بر این تردیدی نیست که قانونگذار باید برای تدوین قانون تجارت مناسب باید از نظر کارشناسان، سازمانها و مجامع حرفه‌ای حقوقی و حسابداری و سایر مقوله‌های مربوط بهره‌گیرد.

کشانی:

مسئله‌ای که نباید از نظر دور بماند، مسئله استانداردهای حسابداری و حسابرسی است. بیشتر ما حساب‌رسان در گزارش‌ها مان به استانداردهای پذیرفته شده استناد می‌کنیم در حالی که همه می‌دانیم تاکنون استانداردهای مدون و پذیرفته شده در ایران وجود نداشته است. از این رو ضروری است که همزمان و در کنار اصلاح قانون تجارت تکلیف استانداردهای نامبرده نیز توسط هر مرجعی که متولی تدوین و تصویب استانداردهاست، مشخص شود. چه بخش گسترده‌ای از نابسامانیها در نظام تجارت ایران و ناکارایی بازار سرمایه به این نارسایی مربوط می‌شود.

سلامی:

چنانکه از گفته‌های آقای شمس

استنباط می‌کنم، ایشان به نارسایی چشمگیری در مورد نهاد قانون تجارت نظر داشتند و آن این که قانون تجارت متولی مشخصی در کشور ندارد. من هم با شناخت این نارسایی به عنوان یکی از موانع تحول قانون تجارت بسیار موافقم. وزارت کار و امور اجتماعی متولی قانون کار است یا وزارت امور اقتصادی و دارایی متولی قانون مالیاتها، وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات متولی قانون محاسبات هستند، اما قانون تجارت متولی ندارد. این نکته درخور توجه را آقای رزبان نیز مطرح کردند، این قانون باید در ارتباط با سایر قوانین وابسته و مرتبط تغییر و تحول یابد و در چارچوب هدفهای اقتصادی کشور تدوین شود، در غیر این صورت باز هم با مشکلات فراوانی روبه‌رو خواهیم بود.

بحث را به علت پایان وقت در همین جا خاتمه می‌دهیم و از آقایان محترم به خاطر همکاری و یاری ما در برگزاری این جلسه سپاسگزاریم.



فهرست اسامی حسابداران مستقل

اشاره:

حسابداران مستقل آن گروه از
اعضای انجمن اند که براساس ضوابط
انجمن دارای تجربه و توانایی انجام
کار حسابرسی می باشند.

در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۳۰ به ترتیب حروف الفبا

نام	نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار
۱۴	سیدمحمد	بزرگ زاده	۸۶۳۱۶۰ مؤسسه حسابرسی شهریور
۱۵	اصغر	بهنیا	۰۳۱-۲۲۷۵۷۶ سازمان حسابرسی
۱۶	منوچهر	بیات	۸۳۷۹۲۸ مؤسسه حسابرسی بیات رای
۱۷	حمزه	پاک نیا	۶۵۳۱۸۲ سازمان حسابرسی
۱۸	ایرج	پورحسین اکبریه	۶۵۵۹۱۳ سازمان صنایع ملی ایران
۱۹	حبیب	جامعی	۶۴۲۱۶۱۲ مؤسسه حسابرسی امیم
۲۰	مصطفی	جان نثاری	۰۶۱-۳۱۹۰۳ سازمان حسابرسی
۲۱	محمد	جم	۸۹۱۲۴۶ مؤسسه حسابرسی آگاهان همکاران
۲۲	مجتبی	جوهر نشان	۸۳۶۵۱۶ مؤسسه حسابرسی پردازش
۲۳	مسعود	حاجی عبدالحمید	۸۳۲۷۱۶ مؤسسه حسابرسی بهداوران
۲۴	سیدمحسن	حجازی	۲۹۴۰۰۵
۲۵	مرتضی	حجازی	۳۱۱۷۲۳۶ شرکت توتال
۲۶	احمد	حمیدی راوری	۸۹۵۹۳۰ سازمان حسابرسی
۲۷	حسن	حیاط شاهی	۶۸۲۷۸۲ مؤسسه حسابرسی رمز
۲۸	حسن	خدائی	۶۸۹۷۸۶
۲۹	اصغر	خرازی	۶۳۴۶۸۱
۳۰	هوشنگ	خستونی	۸۹۱۰۹۱ سازمان حسابرسی
۳۱	حسین	خطیبیان	۷۸۶۴۱۱۷
۳۲	داود	خمارلو	۸۹۲۳۱۶ مؤسسه حسابرسی خبره
۳۳	بهروز	دارش	۹۳۱۲۵۱ مؤسسه حسابرسی دش همکاران
۳۴	محمدنبی	داهی	۸۸۵۷۱۵۸ مؤسسه حسابرسی ممیز
۳۵	اسیک	دراستپانیانس	۸۳۰۷۰۳
۳۶	عباسعلی	دهدشتی نژاد	۸۹۹۷۱۸ مؤسسه حسابرسی رایمند
۳۷	مصطفی	دیلمی پور	۴۲۷۲۰۷۲ دانشگاه تهران
۳۸	سیروس	رحمانی	۰۴۱-۳۴۴۲۸۵ سازمان حسابرسی
۳۹	مرتضی	رحمانی یگانه	۸۹۰۲۲۸ سازمان حسابرسی
۴۰	حسین	رضائی	۸۳۵۹۷۳ مؤسسه حسابرسی رضائی همکاران
۴۱	غلامرضا (بیژن) زاهدی		۸۹۰۲۲۱ سازمان حسابرسی
۴۲	منوچهر	زندى	۶۵۴۲۸۸ مؤسسه حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت حسابرسی
۴۳	غلامرضا	سلامی	۶۵۶۹۸۳ مؤسسه حسابرسی سلامی همکاران
۴۴	محمدتقی	سلیمان نیا	۸۹۹۵۴۳ مؤسسه حسابرسی همیا حساب
۴۵	سیاوش	سهیلی	۸۹۲۳۱۶ مؤسسه حسابرسی خبره
۴۶	سیدمهدی	سیدمهدی	۶۲۳۲۸۹ مؤسسه حسابرسی سیستم یار
۴۷	علی	شاه نظری	۰۳۱-۲۷۶۴۸۶ سازمان حسابرسی
۴۸	محمد	شریعتی	۸۹۰۲۴۸ سازمان حسابرسی

نام	نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار
۱	سورن	آبنوس	۸۳۲۳۱۶ مؤسسه حسابرسی نواندیشان
۲	رضا	آتش	۸۳۵۳۹۱ مؤسسه حسابرسی بهمند
۳	پورو	آراکیانس	۸۳۰۵۸۹ مؤسسه حسابرسی پیش آگاه
۴	حمیدرضا	ارجمندی	۶۵۳۱۷۵ سازمان حسابرسی
۵	عباس	اسرار حقیقی	۸۵۱۲۰۱ مؤسسه حسابرسی بیداران
۶	حسین	اسمانی	۶۵۴۲۸۸ مؤسسه حسابرسی و بهبود سیستمهای مدیریت حسابرسی
۷	سیدعباس	اسماعیل زاده	۸۱۰۷۳۱۱ مؤسسه حسابرسی ایران مشهود پاکدامن
۸	پرویز	افتخارجوهری	۶۸۵۸۳۶ مؤسسه حسابرسی استانداردکار
۹	یدالله	امیدواری	۸۵۷۸۸۰ مؤسسه حسابرسی بیداران
۱۰	فریبرز	امین	۸۹۹۷۱۸ مؤسسه حسابرسی رایمند
۱۱	عباس	امینی	۸۹۰۲۴۰ سازمان حسابرسی
۱۲	نریمان	ایلخانی	۸۹۵۳۷۶ شرکت راهبرد ارقام
۱۳	میلتن	ایوان کریمیان	۹۳۱۲۵۱ مؤسسه حسابرسی دش و همکاران

نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار	نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار
محمدعلی	۶۷۴۴۲۵	مؤسسه حسابرسی طوس	۴۹	فریدون	کشانی
میدانی			۸۰	بهرام	کلاترپور
۵ نریمان	۸۹۹۵۴۳	مؤسسه حسابرسی همیار حساب	۸۱	محمدرضا	گلچین پور
۵ تیرانداز	۷۸۶۰۸۵۴	مؤسسه حسابرسی و خدمات مدیریت هزینه یاب	۸۲	محمود	گلرخی
۵ احد	۸۹۰۲۴۹	سازمان حسابرسی	۸۳	پرویز	گلستانی
۵ سیروس	۸۹۰۲۴۲	سازمان حسابرسی	۸۴	جواد	گوهرزاد
۵ منصور شمس احمدی	۸۳۹۱۰۰	مؤسسه حسابرسی شاهدان	۸۵	سیروس	گوهری
۵ محمد	۸۹۰۲۴۴	سازمان حسابرسی	۸۶	عبدالمجید	محللاتی کاظمینی
۵ فریده	۸۹۱۲۴۶	مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	۸۷	محمود	محمدزاده
۵ پرویز	۶۵۶۰۷۸	سازمان صنایع ملی ایران	۸۸	محمدباقر	محمدی
۵ سعید	۸۳۵۳۹۳	مؤسسه حسابرسی بهمند	۸۹	رسول	محمدی سالک
۵ قاسم	۲۷۵۰۹۹	مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	۹۰	نصرالله	مختار
۶ اصغر	۸۹۳۹۰۰	مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	۹۱	ابوالقاسم	مرآتی
۶ احمد	۸۸۲۶۴۷۸	عبائی کویانی	۹۲	علیرضا	مستغاثی
۶ سیدحسین	۹۳۱۲۵۱	مؤسسه حسابرسی دش و همکاران	۹۳	عبدالکریم	مستوفی زاده
۶ علیرضا	۸۱۰۷۳۳۷۸	مؤسسه حسابرسی ایران مشهود	۹۴	علی اصغر	مسلمی
۶ سیددادود	۶۵۸۵۳۲	مؤسسه حسابرسی پارس	۹۵	واقتناک	مسیحی شاه نظریان
۶ نعمت الله	۸۹۲۳۱۶	مؤسسه حسابرسی خیره	۹۶	علی	مشرقی آرائی
۶ جعفر عوض پور	۸۸۲۷۵۵۶	مؤسسه حسابرسی کاشفان	۹۷	همایون	مشیرزاده
۶ علاءالدین	۸۹۶۸۷۳	سازمان حسابرسی	۹۸	رضا	معظمی
۶ کامبیز	۶۸۸۳۷۹	مؤسسه حسابرسی احتساب	۹۹	محمدتقی	منصوری راد
۶ بهرام	۸۹۹۷۱۸	مؤسسه حسابرسی مختار و همکاران	۱۰۰	اکبر	منفرد
۷ هوشنگ		آموزشگاه حسابداری غیبی (کرمان)	۱۰۱	هوشنگ	منوچهری
۷ خسرو	۸۸۲۲۶۰۵	مؤسسه حسابرسی قضاوت	۱۰۲	ابراهیم	موسوی
۷ جمشید	۸۹۱۲۴۶	مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	۱۰۳	حسین	موشانی
۷ فرزاد	۸۸۲۴۸۸۷	مؤسسه حسابرسی نوگا	۱۰۴	حلیمه	موصلی
۷ بهزاد	۸۹۱۲۴۶	مؤسسه حسابرسی آگاهان و همکاران	۱۰۵	عبدالامیر	میرآب
۷ طاهره	۸۹۵۹۳۰	سازمان حسابرسی	۱۰۶	پرویز	میرآرمندی
۷ محمدابراهیم قربانی فرید	۸۹۰۲۴۲	سازمان حسابرسی	۱۰۷	مجید	میراسکندری
۷ رضا	۶۵۸۵۳۲	مؤسسه حسابرسی وثیق	۱۰۸	منصور	میرزاخانی ناچچی
۷ علیرضا	۸۳۲۷۱۶	مؤسسه حسابرسی بهدوران	۱۰۹	ایرج	نجفیان
			۱۱۰	عبدالرضا	نوربخش
			۱۱۱	ایرج	نیک نژاد
			۱۱۲	اسدالله	نیلی اصفهانی
			۱۱۳	محمدحسین واحدی	محمدحسین واحدی
			۱۱۴	فریدون	وحدتی نیکزاد
			۱۱۵	اکبر	وقار کاشانی
			۱۱۶	بهرزاد	وقتی
			۱۱۷	علی	هاشم نژاد شیرازی
			۱۱۸	اصغر	هشی
			۱۱۹	عباس	هشی
			۱۲۰	کارو	هوانسیان فر

نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار	نام خانوادگی	شماره تلفن	محل کار
۶۳۰۸۸۱	مؤسسه حسابرسی آزمون		۶۳۰۸۸۱	مؤسسه حسابرسی آزمون	
۸۸۸۹۰۸۶	شرکت توسعه صنایع بهشهر		۸۸۸۹۰۸۶	شرکت توسعه صنایع بهشهر	
۸۱۰۷۳۱۱	مؤسسه حسابرسی ایران مشهود		۸۱۰۷۳۱۱	مؤسسه حسابرسی ایران مشهود	
۶۲۳۲۸۹	مؤسسه حسابرسی سیستم یار		۶۲۳۲۸۹	مؤسسه حسابرسی سیستم یار	
۶۷۳۴۳۶	سازمان بورس اوراق بهادار تهران		۶۷۳۴۳۶	سازمان بورس اوراق بهادار تهران	
۸۳۵۸۴۳	مؤسسه حسابرسی نمودار		۸۳۵۸۴۳	مؤسسه حسابرسی نمودار	
۸۵۹۵۵۰	مؤسسه حسابرسی شراکت		۸۵۹۵۵۰	مؤسسه حسابرسی شراکت	
۸۴۱۱۷۹	مؤسسه حسابرسی محللاتی و همکارا		۸۴۱۱۷۹	مؤسسه حسابرسی محللاتی و همکارا	
۰۳۱-۲۶۰۶۷۹	سازمان حسابرسی		۰۳۱-۲۶۰۶۷۹	سازمان حسابرسی	
۶۳۰۸۸۱	مؤسسه حسابرسی آزمون		۶۳۰۸۸۱	مؤسسه حسابرسی آزمون	
۶۴۰۷۶۳۷	محمدی سالک		۶۴۰۷۶۳۷	محمدی سالک	
۸۹۳۴۹۶	مؤسسه حسابرسی مختار و همکارا		۸۹۳۴۹۶	مؤسسه حسابرسی مختار و همکارا	
۸۸۲۶۶۸۴	مؤسسه حسابرسی بیات رایان		۸۸۲۶۶۸۴	مؤسسه حسابرسی بیات رایان	
۰۳۱-۲۴۳۸۵۳	مؤسسه حسابرسی بهدوران		۰۳۱-۲۴۳۸۵۳	مؤسسه حسابرسی بهدوران	
۸۳۲۶۷۲	مؤسسه حسابرسی حق بیان		۸۳۲۶۷۲	مؤسسه حسابرسی حق بیان	
۶۵۳۱۵۲	سازمان حسابرسی		۶۵۳۱۵۲	سازمان حسابرسی	
۸۹۵۱۱۴	بانک تجارت		۸۹۵۱۱۴	بانک تجارت	
۸۳۵۳۹۲	مؤسسه حسابرسی بهمند		۸۳۵۳۹۲	مؤسسه حسابرسی بهمند	
۸۹۳۴۹۶	مؤسسه حسابرسی رایمند		۸۹۳۴۹۶	مؤسسه حسابرسی رایمند	
۸۹۰۸۱۲	مؤسسه حسابرسی آمفران		۸۹۰۸۱۲	مؤسسه حسابرسی آمفران	
۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی		۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی	
۸۸۶۵۹۳۶	مؤسسه حسابرسی مدیر یار		۸۸۶۵۹۳۶	مؤسسه حسابرسی مدیر یار	
۸۹۰۲۴۶	سازمان حسابرسی		۸۹۰۲۴۶	سازمان حسابرسی	
۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی		۸۹۰۲۴۸	سازمان حسابرسی	
۸۸۵۷۱۵۸	مؤسسه حسابرسی ممیز		۸۸۵۷۱۵۸	مؤسسه حسابرسی ممیز	
۸۹۰۲۴۰	سازمان حسابرسی		۸۹۰۲۴۰	سازمان حسابرسی	
۶۴۶۶۵۴۳	مؤسسه حسابرسی ادیب		۶۴۶۶۵۴۳	مؤسسه حسابرسی ادیب	
۸۳۸۲۵۴	شرکت سایار کامپیوتر سیستم		۸۳۸۲۵۴	شرکت سایار کامپیوتر سیستم	
۸۸۹۹۷۲۲	انجمن حسابداران خبره ایران		۸۸۹۹۷۲۲	انجمن حسابداران خبره ایران	
۰۳۱-۳۹۹۸۱	میرزاخانی ناچچی		۰۳۱-۳۹۹۸۱	میرزاخانی ناچچی	
۷۵۰۹۷۷۸	مؤسسه حسابرسی ایران یاور		۷۵۰۹۷۷۸	مؤسسه حسابرسی ایران یاور	
۷۶۷۹۴۴	مؤسسه حسابرسی نوربخش و همکاران		۷۶۷۹۴۴	مؤسسه حسابرسی نوربخش و همکاران	
۶۴۶۳۳۹۵	شرکت یزدباف		۶۴۶۳۳۹۵	شرکت یزدباف	
۸۹۳۲۸۰	سازمان حسابرسی		۸۹۳۲۸۰	سازمان حسابرسی	
۰۳۱-۲۲۷۵۶۷	سازمان حسابرسی		۰۳۱-۲۲۷۵۶۷	سازمان حسابرسی	
۶۴۰۳۲۵۶	مؤسسه حسابرسی وحدتی		۶۴۰۳۲۵۶	مؤسسه حسابرسی وحدتی	
۸۱۷۲۸۲۱	شرکت خدماتی مالی و مشاوره ای		۸۱۷۲۸۲۱	شرکت خدماتی مالی و مشاوره ای	
۲۶۳۸۸۳	مؤسسه حسابرسی رازدار		۲۶۳۸۸۳	مؤسسه حسابرسی رازدار	
۸۹۹۵۴۳	مؤسسه حسابرسی اندیشان		۸۹۹۵۴۳	مؤسسه حسابرسی اندیشان	
۸۳۵۳۹۱	مؤسسه حسابرسی بهمند		۸۳۵۳۹۱	مؤسسه حسابرسی بهمند	
۸۳۰۶۸۴	مؤسسه حسابرسی بهمند		۸۳۰۶۸۴	مؤسسه حسابرسی بهمند	
۸۳۲۳۱۶	مؤسسه حسابرسی نواندیشان		۸۳۲۳۱۶	مؤسسه حسابرسی نواندیشان	

نادیده گرفتن

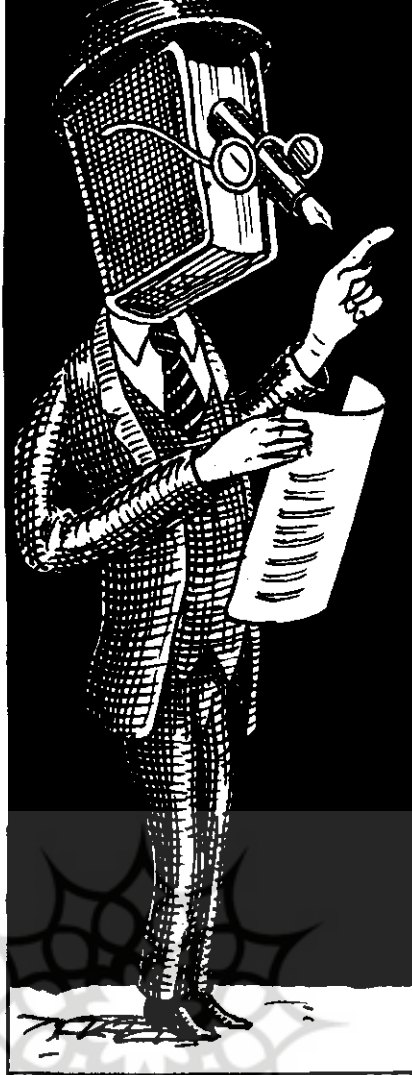
روابط تجاری بین المللی در قانون تجارت ایران

توسعه بازرگانی بین المللی در چند دهه اخیر و بروز تحولات اساسی و بنیادی در حجم، ماهیت و همچنین روابط بازرگانی بین افراد و کشورها، مسائل پیچیده و دشواری را از جنبه های حقوقی امر تجارت برای طرفین ایجاد کرده است. بخش عمده این مسائل ناشی از سکوت نسبی قوانین تجارت داخلی کشورها نسبت به ارتباطات تجاری برون مرزی است. سازمان ملل متحد از طریق کمیسیون حقوق بین المللی تجارت کوششهایی جهت ایجاد هماهنگی و در نتیجه کاهش یا رفع موانع حقوقی تجارت بین الملل، بخصوص موانعی که بر کشورهای رو به توسعه اثر می گذارد به عمل آورده است. با اینهمه از آنجا که ایران بعنوان کشوری رو به توسعه همچنان نیازمند گسترش روابط بازرگانی خود با دیگر کشورهای جهان است لذا لزوم آشنایی هرچه بیشتر با قواعد و مقررات تجارت بین الملل و سعی در هماهنگ کردن حقوق تجارت داخلی با این قواعد و مقررات در محدوده حقوق تجارت بین الملل بیش از پیش به چشم می خورد. مقاله حاضر قلمرو حقوق تجارت را از دیدگاه روابط و جنبه های حقوقی تجارت بین الملل مورد بحث قرار می دهد.

در تقسیمات نظری، حقوق تجارت جزئی از حقوق داخلی خصوصی است. حقوق داخلی اصولاً مبین آن دسته از قوانین و مقرراتی است که مناسبات دولت را با افراد و یا تکالیف افراد را در برابر یکدیگر تعیین می نماید. بنابراین حقوق داخلی به اعتبار تعیین مناسبات دولت با افراد، حقوق عمومی و به اعتبار تعیین مناسبات افراد با یکدیگر حقوق خصوصی تلقی می شود.

در ایران قبل از انقلاب مشروطیت و در شرایط نبود قوانین تجارت، احکام شرعی نسبت به کلیه امور و مناسبات تجار نافذ و جاری بود. پس از مشروطیت نخستین بار قانون تجارت در ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و سپس در ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ به تصویب رسید که به موجب آن شرکتهای تجاری و همچنین موضوعاتی نظیر برات و فته طلب و ورشکستگی با قواعد خاص خود تعریف شد.

این قانون، بعداً به موجب قانون مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ منسوخ شد. قانون اخیر با تغییراتی در فصل مربوط به شرکتهای سهامی در سال ۱۳۴۷ تنها قانون تجارت ایران است که خود بنوبه و اصالتاً برگرفته از قانون تجارت سال ۱۸۰۷ فرانسه است.



مشخصات قانون تجارت کنونی ایران و موارد عمده‌ای که این قانون را از قانون مدنی و سایر قوانین داخلی خصوصی متمایز می‌کند عبارت است از:

- ایجاد پاره‌ای مقررات در زمینه روابط و مناسبات تجار
- شناسایی مفهوم شخصیت حقوقی و مقررات مربوط به شرکتها
- ایجاد مقررات ناظر بر برات و سفته و سایر اسناد و اوراق تجاری
- وضع پاره‌ای مقررات در زمینه امور ورشکستگی تجار

صرف نظر از مشخصات فوق‌الذکر، در قانون تجارت، حتی یک ماده به روابط میان خریداران و فروشندگان بین‌المللی اختصاص داده نشده است. اصولاً یکی از ویژگیهای قوانین خصوصی داخلی کشورها چه مدنی و چه تجاری این است که هیچ‌گونه پیشینی خاصی برای حل معضلات ناشی از تجارت بین‌الملل نکرده‌اند. آنچه در قانون مدنی ما درباره دنیای خارج آمده است مربوط می‌شود به تعارض قوانین و پیشینی مقرراتی در زمینه تشخیص اهلیت (مواد ۹۶۲ به بعد) و تابعیت (مواد ۹۷۶ به بعد). قانون تجارت نیز برخی از موارد خود را به مسئله تعارض قوانین^{**} و مقرراتی درباره

^{**} مراد از سیستم تعارض قوانین، مجموعه مقرراتی است که به قاضی یا داور امکان می‌دهد که در حین رسیدگی به یک اختلاف بین‌المللی، یافتن قانون ماهوی، یا شکلی حاکم بر رابطه مورد اختلاف، بتواند حقوق و تعهدات طرفین دعوی را معین کند.

می‌تواند تا سه روز از تاریخ انعقاد قرارداد معامله را فسخ کند (ماده ۳۹۸) درحالی که چنین حقی برای فروشنده وجود ندارد، در معاملات بین‌المللی موجب شگفتی و اصولاً ناپذیرفتنی خواهد بود.

چنانکه در بالا اشاره شد، قوانین مشخصی برای معاملات بین‌المللی تجاری، که همه جا شناخته شده باشد وجود ندارد. بنابراین به علت نبود این‌گونه قوانین تجاری بین‌المللی، معمولاً قانون یا قوانین داخلی یک یا چند کشور مرتبط با معامله تجاری، حاکم بر قرارداد خواهد بود.

هر معامله تجاری بین‌المللی حداقل با دو کشور ارتباط دارد. کشور صادرکننده و کشور واردکننده. اجرای قرارداد ممکن است تماس با کشورهای دیگری را نیز در پی داشته باشد، بویژه هنگامی که کالا در کشور سوومی به صورت ترانزیت عبور می‌کند. در این موارد، باید مشخص شود که چه قانونی بر قرارداد حاکم خواهد بود. به علاوه پس از آنکه قراردادی به اجرا گذاشته می‌شود، ممکن است اجرای آن با اشکالاتی همراه باشد و اختلافاتی بروز کند که حل آنها از طریق مذاکرات دوستانه ممکن نباشد. درحال حاضر یکی از راههای حل این‌گونه اختلافات رجوع به دادگاههای یکی از کشورهای مربوط است. در چنین موردی طبعاً این سؤال پیش می‌آید که آیا خواهان باید در محاکم کشور خود اقامه دعوی کند یا در ورق بزیند

تعهدات سرچشمه گرفته از اسناد و اوراق تجاری اختصاص داده است (مواد ۳۰۵ و ۳۰۶) ولی درخصوص تجارت خارجی، اشاره قانونگذار ناچیز است. مقررات مواد ۳۲۸ به بعد قانون مدنی ایران هم بر تجارت داخلی و هم بین‌المللی به‌طور یکسان حکومت می‌کند - اشکالی که نمی‌توان نادیده‌اش گرفت - زیرا مقررات مزبور بیشتر برای معاملات عادی و کم‌اهمیت مناسب است تا معاملات تجاری مهم، بویژه معاملات تجاری بین‌المللی. مثلاً این قاعده که هر یک از طرفین می‌تواند حتی پس از امضای قرارداد بیع و تا هنگامی که طرفین در یک محل هستند، به موجب ماده ۳۹۷ قانون مدنی عقد بیع را فسخ کند، یا در مورد بیع حیوان، مشتری

محاكم کشور خوانده. که البته حقوق، تکالیف و مسئولیتهای طرفین رابطه تجاری در چارچوب قرارداد فی مابین تعیین می شود و احتمالاً حاکمیت مقررات قوانین تجاری یکی از طرفهای معامله مورد قبول قرار می گیرد. منتها چنانچه دستیابی به چنین توافقی امکانپذیر نباشد، کشور ثالث، اتاق بازرگانی آن کشور و یا نهاد معتبر دیگری را به عنوان حکم در حل اختلافات احتمالی برمیگزینند. قوانین داخلی حاکم بر معاملات تجاری بین المللی به ناچار دارای کمبود یا نقصان و یا اختلافی است که غالباً در جهت محدود کردن تجارت بین المللی عمل می کنند، لذا به نظر می رسد استفاده از سیستم تعارض قوانین مدتهاست که دیگر برای حل مسائل تجاری بین المللی کفایت نمی کند و در کنار ضرورت وجود آن در مورد بسیاری از مسائل، نظیر اهلیت و احوال شخصیه و غیره این عقیده پذیرفته شده است که در روابط بین المللی بویژه روابط تجاری و اقتصادی، باید از قواعد ماهوی که میان ملل مختلف مشترک است سود برد که در نتیجه برای اعمال آنها بر قضایای مطرح شده، نیاز به مراجعه به قواعد تعارض نیست و منطقی است که آنها را به طور مستقیم، در اختلافات میان طرفین - که ذات بین المللی دارند - اعمال کنیم.

بدین لحاظ مفهوم حقوق بین الملل خصوصی اندک اندک دامنه گسترده تری نسبت به مفهوم سنتی آن پیدا می کند. لذا

به نظر می رسد در کنار و به موازات گامهایی که در جهت ایجاد یک نظام یکنواخت حقوقی بین المللی تجاری توسط آژانسهای بین المللی برداشته می شود، دولتها نیز می باید قلمرو قوانین تجاری داخلی خود را هماهنگ با نیازهای روابط تجاری بین المللی گسترش دهند و لوایح و قوانینی در این زمینه پیشنهاد و تصویب کنند که از لحاظ ماهوی با قواعد حقوقی تجارت بین الملل یکنواخت و در یک راستا باشد.

مؤسسه اونیدروآ (Unidroit)، کنفرانس لاهه و اخیراً کمیسیون ملل متحد در مورد حقوق بین المللی تجارت عمده ترین نهادهایی هستند که با هدف ایجاد قواعد مشترک برای امر تجارت بین المللی کار می کنند. امید است که نیل به هدف فوق از طریق کنوانسیونهای بین المللی انجام گیرد و دولتهای تصویب کننده این کنوانسیونها تعهد کنند که قوانین یکسان و یکنواختی را در قوانین داخلی خود بگنجانند.

در میان کشورهای جهان اولین کشوری که دست به چنین ابتکاری زد چکسلواکی بود که در سال ۱۹۶۳ لایحه ای را تحت عنوان «روابط حقوقی در مناسبات تجاری بین المللی» به تصویب رسانید. این لایحه اولین قانون داخلی جدیدی است که در خصوص معاملات بین المللی تدوین شده و مشتمل بر ۷۲۶ ماده است. قسمتی از آن به مقررات عمومی قراردادها اختصاص یافته و بخشهایی از آن نیز متضمن

مقرراتی است در خصوص انواع قراردادها که با توجه به مسائل جدیدی که در روابط بین المللی مطرح شده گسترش بیشتری یافته است. مثلاً علاوه بر مقررات کلی و سنتی حاکم بر قرارداد بیع، قانون جدید شروطی خاص در مورد ممنوعیت صدور کالاهای خریداری شده از خارج وضع کرده است.

از جمله قوانین داخلی دیگر خاص تجارت بین الملل می توان از قانون تجارت بین المللی جمهوری دموکراتیک آلمان شرقی سابق نام برد. این قانون در سال ۱۹۷۶ تصویب شد. صرف نظر از انگیزه تدوین این قانون، مجموعه قانون آلمان شرقی سابق از لحاظ شکل تدوین و ویژگیهایی خاص خود داشت؛ بدین معنی که قانونگذار با به کارگیری روشی ویژه کوشش کرده بود در بیان قواعد حاکم بر معاملات تجاری روندی را پیش گیرد که به مراحل متوالی یک واقعه تجاری پاسخ داده شود. در لهستان تا قبل از تدوین قانون تجارت بین المللی جدید، مقررات حاکم بر معاملات تجاری همان بود که در قانون مدنی این کشور آمده بود. انطباق قواعد حقوق مدنی با نیازهای خاص تجارت بین المللی تدوین قانون ویژه ای را در این زمینه ایجاب می کرد. کمیسیون تهیه و تنظیم قانون، پس از سه سال طرحی مناسب فراهم آورد که با قوانین تجارت بین الملل آلمان شرقی سابق و چکسلواکی متفاوت بود. در واقع به جای این که اصل بر قوانین مدنی و تطبیق آنها

با شرایط جدید معاملات تجاری بین‌الملل قرار داده شود، قواعد تجاری بر مقررات مدنی ترجیح داده شد و قوانین مدنی به عنوان ابزارهای فرعی این‌گونه معاملات شناخته شد.

مطالعه تحول تجارت بین‌الملل در قرن اخیر نشان می‌دهد که طرفین رسمی و غیررسمی و اصولاً دست‌اندرکاران تجارت بین‌الملل، به حکم ضرورت پیوسته در جستجوی راه‌حلهایی برای روابط پیچیده خود بودند که بهتر از راه‌حلهای سنتی قانونی پاسخگوی نیازهای ویژه جامعه آنها باشد. اصل آزادی اراده در تدوین شرایط قرارداد، این امکان را به وجود آورد که تجار قواعد و مقررات حقوقی خاصی برای انجام معاملات بین‌المللی خود تدوین کنند که با آنچه در معاملات داخلی به کار گرفته می‌شود متفاوت بود. از طرفی قانونگذاران و قضات داخلی نیز بعضاً چه از راه تطبیق مستقیم تعارض قوانین با توسعه تجارت بین‌المللی و چه با اعمال مستقیم قواعد ماهوی بین‌الملل به منظور حفظ روابط برون‌مرزی، تجارت بین‌المللی را از همتای داخلی مستقل دانسته و لزوم رعایت مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی را در مورد آن تعدیل کردند. معذالک نباید به آسانی تصور کرد که قواعد و مقررات حقوقی تجارت بین‌الملل در همه حال بر تمامی جوانب حاکم است، به نحوی که بتوان از حقوقی کاملاً مستقل از حقوق داخلی کشورها و بی‌نیاز از حقوق بین‌الملل خصوصی صحبت به میان آورد. زیرا اولاً با وجود

اقدامات دولتها در جهت همگون کردن قواعد ماهوی تجارت بین‌الملل هیچ کشوری تاکنون حاضر نشده است خریداران و فروشندگان بین‌المللی را در انجام معاملات و در حل معضلات ناشی از آنها به حال خود رها کند. برعکس حفظ منافع اتباع کشورها ایجاب کرده است که دولتها در روابط بین‌المللی دخالت کنند. دخالت دولتها در تنظیم روابط تجاری بین‌المللی به صورت وضع قوانین داخلی که جنبه نظم عمومی نیز دارد جلوه‌گر شده است که عدول از آنها برای دست‌اندرکاران ممکن نیست. قوانینی چون قوانین حاکم بر مبادلات و تبادل گمرکی و امثال آنها کلاً جنبه آمرانه دارند و قواعد و مقررات حقوقی خاص تجارت بین‌الملل در برخورد با آنها حالتی خنثی یا محدود می‌یابند. ثانیاً قواعد ماهوی خاص بین‌الملل بر فرض عدم برخورد با نظم عمومی کشورها، همیشه به‌طور مستقیم

قابل اعمال بر روابط بین‌المللی تجار نیستند. برخی از این قواعد جز با مراجعه به قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌توانند در روابط بین‌المللی به اجرا گذاشته شوند. ولی فراموش نشود که هدف حقوق و به تبع آن حقوق تجارت بین‌الملل تضمین امنیت روابط افراد و بویژه حفظ حقوق افراد است. به همین سبب، با وجود پیشرفتهایی که در تدوین قواعد و مقررات خاص تجارت بین‌الملل به دست آمده، حقوق بین‌الملل خصوصی به معنی سنتی آن هنوز هم از اهمیت خاصی برخوردار است.

مأخذ:

حقوق تجارت بین‌الملل دکتر اسکینی
جنبه‌های حقوقی منوچهر فرهنگ
تجارت خارجی
حقوق تجارت دکتر ستوده
حقوق تجارت عبادی

مرکز فراموش نمی‌کنیم شما حق انتخاب دارید

G.H.M.S.I

کیفیت بالادر بازرسی کالا

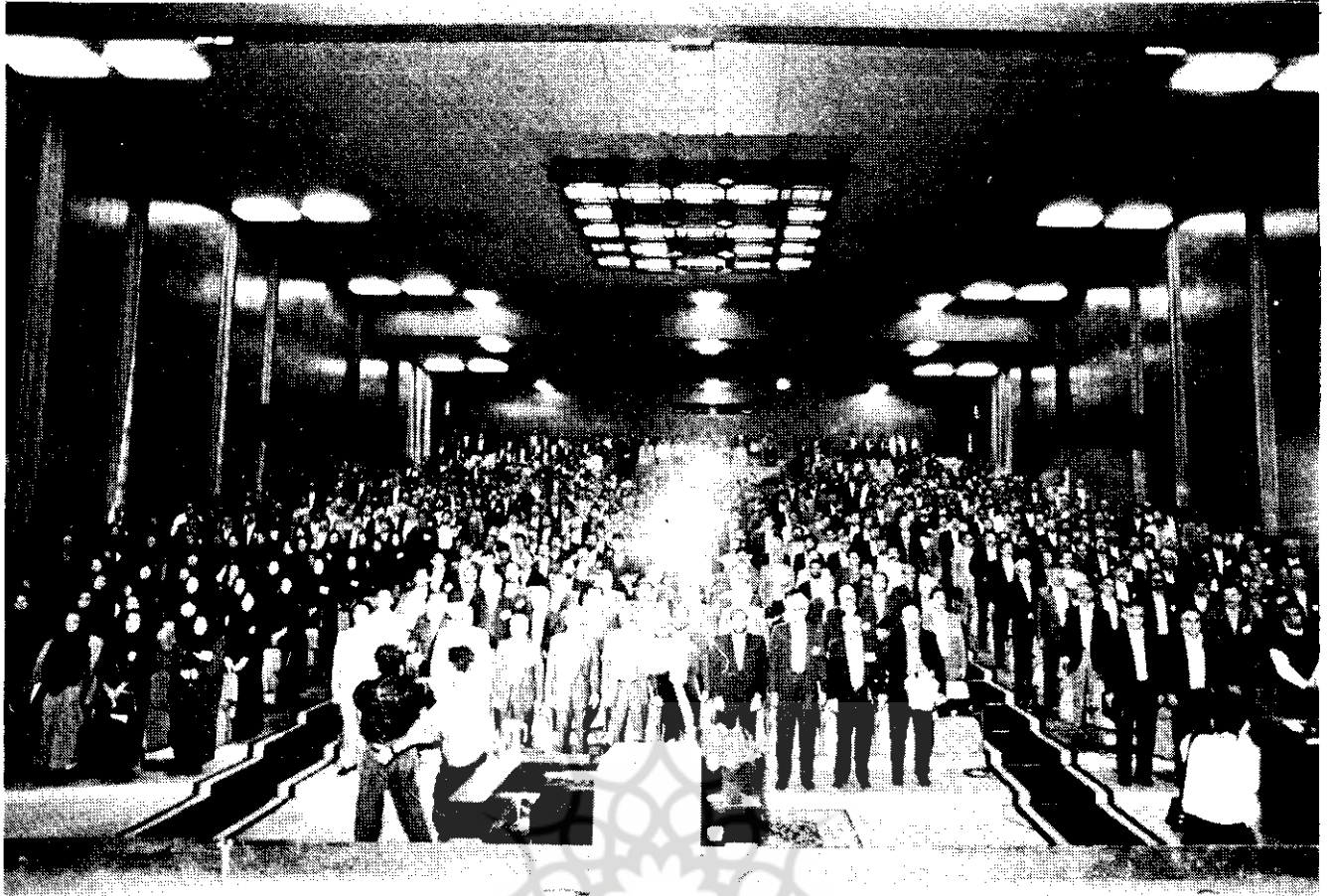
عضوی از شرکتهای بین‌المللی بازرسی ITS و CALEB BRETT

در بیش از ۱۰۰ کشور جهان با مجوز بانک مرکزی واردات ایران را بازدید می‌کند

تلفن: ۰۸-۸۸۲۱۷۱۷ فکس: ۸۸۲۱۷۰۸ تلکس: ۲۲۶۲۱۷

با حضور در خارک، بندرعباس، سربندر، چابهار، بوشهر، تبریز، مشهد، اصفهان





سومین سمینار حسابداری ایران رویدادی برجسته و چشمگیر در حرفه حسابداری

شرکت‌کنندگان در نوع خود تجربه‌ای کم‌مانند بشمار آمد. سیاستهای سمینار را در زمینه تعیین موضوع و مطالب درخور بررسی و همچنین ارزیابی مقالات پژوهشی، با یاری هیأت علمی سمینار مرکب از استادان برجسته حسابداری تدوین شد و بنابر گزارش دبیر سمینار به علت کمی وقت بررسی، برخی از مقالات با نظر و مسئولیت کمیته اجرایی انتخاب شد.

کار راهبری و هدایت امور سمینار را کمیته اجرایی و انجام هماهنگیهای کلی سمینار و اداره جلسات آن را دبیر سمینار

سرانجام پس از ۱۸ ماه کار و تلاش بی‌وقفه، سومین سمینار حسابداری ایران با هدف بررسی موانع توسعه حسابداری در ایران در روزهای ۴ تا ۶ آبان‌ماه ۱۳۷۲ به مدت سه روز در تالار ابوریحان دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. این سمینار که حاصل همکاری انجمن حسابداران خیره ایران و دانشکده علوم اداری دانشگاه شهید بهشتی و پشتیبانی بانک صادرات ایران بود علاوه بر بررسی مسائل کنونی حسابداری در ایران و ارائه دستاوردهای علمی و عملی، گونه‌ای از تفاهم مؤثر بین سه مؤسسه: حرفه‌ای، آموزشی و اقتصادی را به نمایش گذاشت که بنا به داوری غالب



آقای دکتر هادی ندیمی

نزدیک ساختن سود مالی به سود اقتصادی جلب کردند. همچنین آقای هوشنگ خستویی - رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خیره ایران، با مروری بر عوامل بازدارنده و موانع توسعه حسابداری در ایران و طرح ناکارایی بازار سرمایه در ایران به عنوان برجسته ترین مانع توسعه حسابداری در کشور به تشریح هدفها و برنامه های سمینار پرداختند و در پی آن جلسات سخنرانی در فضایی آکنده از شور و شوق و عزم و اراده حرفه ای آغاز به کار کرد.

برگزارکنندگان کوشیدند برای پذیرایی از میهمانان گرمی و فراهم آوردن آسایش آنان در حد بضاعت خویش از هیچ اهمتامی فروگذار نکنند. ارزیابی شرکت کنندگان که به کمک پرسشنامه ارزیابی سمینار صورت گرفت، توفیق نسبی نامبردگان را گواهی داد.

چکیده نتایج پرسشنامه ارزیابی سمینار به شرح زیر است:
[ارقام به درصد]

بسیار خوب	خوب	نستبا خوب	ضعیف	
۷۱	۲۲	۴	۳	□ نحوه ثبت نام
۷۲	۲۴	۳	۱	نحوه اداره سمینار
۲۲	۵۱	۲۱	۶	مطالب ارائه شده
۱۸	۴۸	۳۰	۴	نحوه ارائه مطالب

ورق بزنید

برعهده داشت. در این سمینار نزدیک به ۱۲۰۰ نفر از استادان، پژوهشگران، مدیران و کارگزاران مؤسسات دولتی و خصوصی شرکت کردند که حضور صمیمی و منظم آنان دلگرمی برگزارکنندگان را صد چندان کرد.

آقای دکتر هادی ندیمی - رئیس دانشگاه شهید بهشتی، در جریان افتتاح سمینار با تأکید بر ضرورت برپایی این گونه گردهماییها لزوم کوشش بیشتر در راه تعالی و پیشرفت حرفه حسابداری در ایران، گسترش پژوهشهای علمی و تثبیت اخلاق حرفه ای را یادآور شدند. سپس آقای دکتر علی جهانخانی - رئیس دانشکده علوم اداری دانشگاه شهید بهشتی، با طرح مسائل و مشکلات مؤسسات اقتصادی و بازار سرمایه در ایران در زمینه استفاده از اطلاعات حسابداری، توجه کارگزاران این حرفه را به ضرورت ارائه اطلاعات مؤثر و مقایسه پذیر به استفاده کنندگان و کوشش در راستای کارآ شدن بازار سرمایه و



آقای دکتر علی جهانخانی



آقای هوشنگ خستویی

نامناسب	نسبتاً مناسب	کاملاً مناسب	
۱	۲۵	۷۴	□ زمان برگزاری
۱	۱۳	۸۶	محل برگزاری
۸	۴۰	۵۲	طول مدت
۲	۴۷	۵۱	پذیرایی و امکانات رفاهی

□ و سرانجام، شرکت‌کنندگان به این پرسش که آیا بطور کلی از سمینار راضی بودید ۹۴٪ آری و ۶٪ خیر پاسخ داده‌اند.

عنوان سخنرانیهای ایراد شده در سومین سمینار حسابداری به شرح زیر بود:

- | | | |
|--|-----------------------|--|
| ۱۲ - حسابداری استراتژیک، تحولی در کاربرد حسابداری مدیریت | | |
| ۱۳ - دشواریهای گزینش نرم‌افزار در ایران | | |
| ۱۴ - نایک‌نواختی نحوه عمل حساب‌برسان | نظام‌الدین | ۱ - علل نارسایی حسابداری در ایران |
| ۱۵ - اثرات استانداردهای حسابداری بر اصول یکنواختی و ثبات رویه در ایران | ملک‌آرایی | ۲ - موانع رشد حسابداری در ایران از دیدگاه تئوری |
| ۱۶ - ضرورت تهیه صورت جریانهای نقدی در ایران | دکتر علی ثقفی | ۳ - موانع توسعه حسابداری کامپیوتری در ایران |
| ۱۷ - توسعه سیستمهای خودکار و هوشمند حسابداری و حسابرسی | ناصر آریا | ۴ - نارساییهای بیان گزارشهای حسابرسی و اثر آن بر استفاده‌کنندگان بر بنیاد الگوی اطلاعاتی |
| ۱۸ - تکنولوژی اتوماسیون و کاربرد آن | مصطفی علی‌مدد | ۵ - آینده حسابرسی در جهان |
| ۱۹ - مروری بر کاربرد سیستمهای یادگیری ماشینی جهت مدلسازی سیستمهای مالی | غلامرضا اسلامی بیدگلی | ۶ - اعتیاد و اجبار به کار |
| ۲۰ - حسابرسی و جنبه‌های شناختی در تصمیمگیریهای مربوط | دکتر فرید فدایی | ۷ - نکاتی در باره رویکرد علوم اعصاب و رفتار در مدیریت |
| ۲۱ - خلاقیت استعدادهای همگانی قابل تدریس و قابل پرورش | دکتر حسن عشایری | ۸ - اخلاق حرفه‌ای عاملی برای رشد، مانعی برای رشد |
| ۲۲ - جایگاه حسابرسی در ایران از نظر حساب‌برسان و حسابداران | هوشنگ خستویی | ۹ - حسابداری تئوری و توسعه حسابداری در ایران |
| | دکتر رمضانعلی رویایی | ۱۰ - سرمایه، ارزش و سود در اقتصاد و حسابداری |
| | احمد حمیدی راوری | ۱۱ - محدودیتهای حسابداری طرحهای عمرانی دولتی |
| | جعفر باباجانی | |



یارندی
 ۲۳ - موانع توسعه حسابداری در ایران
 غلامرضا
 سلامی

لازم است به اطلاع علاقه‌مندان رسانده شود که گزارش کاملی از چگونگی برگزاری سومین سمینار حسابداری و مشروح سخنرانیه‌ها ایراد شده در شماره بعدی حسابدار به چاپ خواهد رسید.

کار برپایی سومین سمینار حسابداری ایران از یاریهای بیدریغ مؤسسات و همراهی و پشتیبانی بیمانند مؤسسه‌ها و صاحب‌نظران برشمرده در زیر برخوردار بود.



۱ - سازمان صنایع ملی ایران

۲ - بیمه آسیا

۳ - بیمه البرز

۴ - شرکت سهامی عام ایران برک

۵ - آقای شهرام شهیمیری

افزون بر این شهرداری منطقه یک، شرکتهای تدارکاتی و پشتیبانی هماهنگ، ایران خودرو، سیمان فارس و خوزستان، دارویی لقمان، سیمان تهران، تهیه و توزیع قطعات و لوازم یدکی ایران خودرو و سیمان شمال نیز سمینار را در زمینه‌های مختلف یاری دادند.



بیانیه انجمن حسابداران خبره ایران



در باره

گزارش شور دوم لایحه استفاده از
خدمات تخصصی و حرفه‌ای
حسابداران ذیصلاح توسط کمیسیون
امور اقتصادی و دارایی

به

مجلس شورای اسلامی

آبان ۱۳۷۲

نوع و نحوه رسیدگی به تخلفات اعضا را به تصویب مقامات دولتی یا هیئت وزیران وابسته کرده است، نخست با تعریف جامعه نامبرده در ماده ۲ لایحه، یعنی غیردولتی بودن آن و دارا بودن استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تعارض بنیادی دارد و با مستثنی کردن مؤسسات دولتی از شمول استفاده از خدمات اعضای این جامعه فراگیرندگی آن را به عنوان «جامعه حسابداران رسمی ایران» مخدوش ساخته است. افزون بر اینها لایحه

گزارش شور دوم لایحه استفاده از خدمات تخصصی حسابداران ذیصلاح در چارچوب تشکیل «جامعه حسابداران رسمی ایران» که به وسیله کمیسیون امور اقتصادی و دارایی به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است، به دلیل آنکه ضوابط تشکیل جامعه یادشده، شرایط عضویت و استفاده از خدمات اعضا، ضوابط تهیه و تنظیم گزارشها، تعیین تعرفه حق الزحمه ارائه خدمات مربوط، تدوین آئین نامه انضباطی و اخلاق حرفه‌ای و

در حاشیه بیانیه انجمن حسابداران خبره ایران در باره «لایحه استفاده از خدمات تخصصی...»

به دنبال انتشار لایحه پیشنهادی هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران در زمینه «استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی» به مجلس شورای اسلامی، انجمن حسابداران خبره ایران با انتشار بیانیه‌ای در ماهنامه حسابدار (شماره ۸۷ / ۸۸ مردادماه ۱۳۷۱) چارچوب کلی لایحه یاد شده را به شرط انتخاب اشخاص باصلاحیت به عنوان هیئت مؤسس و تدوین آیین‌نامه اجرایی مناسب و آجد ویژگیهایی دانست که به تنظیم اطمینانبخش تر امور مالی مؤسسات اقتصادی و اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی خواهد انجامید.

در همان بیانیه انجمن آمادگی خود را برای هر گونه همکاری در زمینه تدوین آیین‌نامه اجرایی مربوط و مشارکت در تشکیل جامعه یاد شده و معرفی و پیشنهاد اعضای هیئت مؤسس اعلام داشت.

روابط عمومی

انجمن حسابداران خبره ایران

یاد شده بر پایه پیشبینیهای این گزارش با سیاستهای عمومی کشور در راستای کاهش مداخله دولت در اداره امور تناقض دارد و سرانجام تحقق بنیادی‌ترین پایه موجودیت حرفه حسابرسی یعنی استقلال حرفه‌ای را نادیده گرفته است و می‌تواند اجرای استانداردهای حرفه‌ای را نیز با محدودیت روبه‌رو سازد.

پیشبینی می‌شود در صورت تصویب این لایحه، به‌صورت کنونی، آن را در شمار لوایح و مقررات و قوانین اجرانشدنی قرار دهد و یا موجب بروز اختلالات و دشواریهای چشمگیری در نظام حرفه شود.

از سویی دیگر مقررات انضباطی، اخلاقی و جزایی پیشبینی شده در پیشنهاد کمیسیون یاد شده به‌گونه‌ای است که با سرچشمه، ماهیت و آثار تخلقات احتمالی تناسب ندارد و سبب می‌شود شماری از حساب‌رسان ذیصلاح از پیوستن به عضویت در این جامعه پرهیز کنند.

چنین نگرشی به حرفه حسابرسی و از جمله پیشبینی انجام حسابرسی مالیاتی به عنوان یکی از فعالیتهای عمده جامعه یاد شده گویای آن است که کارشناسان بررسی‌کننده و تنظیم‌کننده این گزارش آگاهی بسنده‌ای از نقش و کارکرد حرفه حسابرسی در اقتصاد نداشته‌اند.

در پایان به عنوان انجمنی حرفه‌ای؛ دربرگیرنده شمار چشمگیری از کارشناسان و متخصصان ذیصلاح حرفه حسابرسی شاغل در بخش خصوصی و دولتی نادیده گرفتن امکان مشارکت و مشورت این انجمن در بررسیهای مربوط به تدوین گزارش یاد شده را قابل انتقاد می‌دانیم و تصمیمگیران را به ضرورت بازنگری در لایحه پیشنهادی فرا می‌خوانیم.

شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران

مرحمت فرموده ما را مس کنید

به مناسبت تقدیم گزارش

شور دوم لایحه استفاده از

خدمات تخصصی حسابداران

ذیصلاح توسط

کمیسیون امور اقتصاد و دارایی

به مجلس شورای اسلامی

* مصطفی علی مدد

حدود دو سال پیش دولت لایحه‌ای به مجلس تقدیم کرد که در جهت تنظیم امور و اعتلای حرفه حسابداری و حسابداری حرفه‌ای و استفاده از خدمات حسابداران ذیصلاح به منظور اعمال نظارت مالی بر واحدها، موارد زیر در آن پیشبینی شده بود:

□ جامعه حسابداران رسمی ایران به صورت مؤسسه‌ای غیردولتی، دارای استقلال مالی و شخصیت حقوقی مستقل تشکیل شود.

□ پس از انتخاب عده‌ای از حسابداران ذیصلاح و خوشنام به عنوان حسابدار رسمی، این عده به عنوان هیئت مؤسس، نخستین اساسنامه جامعه را تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران تقدیم کنند.

□ آیین‌نامه مربوط به تعیین صلاحیت و نحوه انتخاب حسابداران رسمی به پیشنهاد وزیر امور اقتصاد و دارایی به تصویب هیئت وزیران برسد.

□ طبق ضوابط و شرایطی که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، از خدمات حسابداران رسمی در اموری از قبیل حسابرسی و بازرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، شرکت‌های سهامی عام، حسابرسی مالیاتی و سایر مواردی که حسابرسی الزامی است، استفاده شود.

در لایحه پیشنهادی کمیسیون امور اقتصاد و دارایی علاوه بر پیشبینی مداخله مقامات دولتی در کلیه امور مربوط به جامعه حسابداران رسمی ایران، تعارضهای بنیادینی دیده می‌شود که از هر جهت درخور توجه و بازنگری است. مهمترین موارد افزایش مداخلات دولت و تعارضات قانون به قرار زیر است:

اگر چه طبق لایحه پیشنهادی حجم و میزان مداخله دولت در انتخاب حسابداران و اداره امور یک جامعه حرفه حسابداری و احاله کار به اعضای آن بسیار زیاد بود اما امید می‌رفت که در راستای سیاستهای عمومی کشور مبنی بر کاهش مداخله دولت در امور مختلف تصدی و خط‌مشی‌های پیشبینی شده در برنامه عمرانی کشور، مجلس شورای اسلامی از حجم مداخله دولت در حسابداری حرفه‌ای و حرفه حسابداری بکاهد و قانونی متوازن را به تصویب رساند.

حسابداران ایرانی در دو سال گذشته با چنین دلخوشیها و انتظاراتی، خوشباورانه چشم‌انتظار تصویب لایحه مزبور بودند که گزارش شور دوم لایحه توسط کمیسیون امور اقتصاد و دارایی تقدیم مجلس شد.

الف - تشکیل جامعه‌ای غیرمستقل و کاملاً وابسته به دولت.

طبق ماده ۲ لایحه پیشنهادی جامعه حسابداران رسمی ایران مؤسسه‌ای غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای استقلال مالی و شخصیت

حقوقی مستقل است. اما در مواد بعدی مواردی پیشبینی شده است که هر نوع استقلال عملی را از جامعه می‌گیرد، از جمله:

۱) طبق قسمت اخیر ماده ۲، اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران توسط هیئت مرکب از ۱۱ نفر حسابدار رسمی که از طرف وزیر امور اقتصاد و دارایی و رئیس دیوان محاسبات کشور تعیین می‌شوند تهیه شده و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. به این ترتیب هیئت مؤسس را دو مقام دولتی تعیین می‌کنند و اساسنامه را هم هیئت وزیران تصویب خواهد کرد.

۲) در تبصره ماده ۳ پیشبینی شده است که کارکنان بخشهای دولتی و خصوصی و تعاونی و سایر اشخاصی که مستقراً در بخش خصوصی فعالیت اقتصادی دارند، مجاز به فعالیت به عنوان حسابداری رسمی، نیستند. به تعبیر این ماده، مراد از حسابداری رسمی، فعالیتی است غیراقتصادی و چیزی شبیه فعالیتهای خیریه و غیرانتفاعی.

طبق ماده ۵، به تخلفات حرفه‌ای و انضباطی اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در هیئتهایی متشکل از سه نفر که یک نفر از آنها نماینده وزارت امور اقتصاد و دارایی است و یک نفر نماینده دیوان محاسبات و نفر آخر نماینده جامعه حسابداران، رسیدگی و تصمیم‌گیری خواهد شد.

نظر به اینکه به طور طبیعی در چنین مراجعی رأی اکثریت معتبر خواهد بود، دولت در معنای عام آن در هر موردی اکثریت خواهد داشت و تصمیم‌گیری خواهد کرد.

۳) طبق ماده ۷، عضویت در جامعه حسابداران رسمی طبق ضوابط و شرایطی است که در آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد، شرح داده می‌شود.

۴) طبق قسمت اخیر ماده ۵، آیین‌نامه انضباطی را جامعه حسابداران رسمی ایران تهیه می‌کند که باید به تأیید وزیر امور اقتصاد و دارایی و تصویب هیئت وزیران برسد.

۵) طبق ماده ۶، تعرفه حق الزحمه حسابرسی و تهیه و تنظیم گزارشهای مالیاتی همه ساله توسط وزیر امور اقتصاد و دارایی و رئیس دیوان محاسبات کشور تعیین و ابلاغ خواهد شد.

به طور خلاصه اگرچه جامعه حسابداران رسمی ایران اسماً مؤسسه‌ای مستقل است اما رسماً هیچ نشانه‌ای از استقلال ندارد زیرا:

- ✓ هیئت مؤسس آن را دولت تعیین می‌کند.
- ✓ اساسنامه آن را دولت تصویب می‌کند.
- ✓ اعضای جامعه طبق آیین‌نامه مصوب دولت انتخاب می‌شوند.
- ✓ آیین‌نامه انضباطی آن را دولت تصویب می‌کند.

✓ به تخلفات اعضای جامعه در هیئت مرکب از سه نفر که دو نفر از آنها نماینده دولت هستند رسیدگی می‌شود.

✓ شرایط و ضوابط استفاده از خدمات اعضای جامعه را دولت تعیین می‌کند.

✓ تعرفه حق الزحمه خدمات اعضای جامعه را دولت تعیین و ابلاغ می‌کند.

در واقع آنچه به نام جامعه حسابداران رسمی ایران تشکیل می‌شود شیری است بی‌یال و دم و اشکم که تنها اجازه دارد به تصمیمات مراجع مختلف دولتی گردن نهد و با گرفتن حق عضویت از اعضا، یک دفتر کاربایی تشکیل دهد.

ب - تدوین مقررات مربوط به حسابرسی مالیاتی در قانونی عام

در مواد ۳ و ۶ لایحه پیشنهادی پیشبینی شده است که شرایط استفاده از خدمات و گزارشهای اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران در اموری از قبیل حسابرسی و بازرسی قانونی واحدهای بخش غیردولتی طبق آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که به پیشنهاد وزارت امور اقتصاد و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. اما از ماده ۸ به بعد، برخلاف حکم بالا، موادی در مورد چگونگی استفاده از خدمات حسابداران رسمی

در امور مالیاتی پیشبینی شده است که کمابیش همان مواردی است که در قانون مالیاتی سال ۴۵ در مورد استفاده از خدمات حسابداران رسمی آمده بود. بی‌آنکه بخواهیم به بحث در باره چگونگی استفاده از خدمات حسابداران در حسابرسی مالیاتی بپردازیم و احکام عجیب و غریب پیشبینی شده در قانون را نقد کنیم تنها این پرسش اساسی را مطرح می‌کنیم که اگر یک حسابدار رسمی نخواهد حسابرسی مالیاتی انجام دهد چرا باید در معرض مجازاتهای غلیظ و شدید پیشبینی شده در موارد زیر قرار گیرد:

۱) عدم رسیدگی به دفاتر و اسناد و مدارک اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع این قانون بیش از دو دوره متوالی (ماده ۱۵).

۲) مرتشی محسوب شدن و محکومیت به اشد مجازات مقرر در قوانین جزائی برای جرم مذکور و جبران ضرر و زیان وارد به متضرر و سلب صلاحیت دائمی در حسابداری رسمی در صورتی که وجه یا مال یا امتیازی جز حق الزحمه موضوع ماده ۶ این قانون را از مؤسسه‌ای که رسیدگی کرده است دریافت نماید.

شاید شرط مقامات مالیاتی برای انجام حسابرسی مالیاتی توسط اشخاصی غیر از مأمورین تشخیص این باشد که روزهای شنبه خود را به مقامات مالیاتی معرفی کنند و روزهای پنجشنبه به ثبت احوال برای ابطال شناسنامه.

چنین مقرراتی برای جلوگیری از مشارکت حسابداران در حسابرسی مالیاتی بسیار مؤثر و کارآمد است اما نمی‌شود چنین تدابیری را آنگونه که در صدر قانون آمده است، وسیله‌ای برای اعتلای حرفه حسابداری و حسابرسی در کشور قلمداد کرد. ●

استقبال چشمگیر مدیران و حسابداران از

سمینار

مبانی نظری، عملی و حقوقی

تهیه و تنظیم صورت‌های مالی

● روزهای یکشنبه ۲۸ و دوشنبه ۲۹ شهریور ماه دومین سمینار از سمینارهای فصلی انجمن حسابداران خبره ایران در سال ۱۳۷۲ به مدت دو روز با حضور ۴۵۰ نفر از اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل شرکتها، مدیران مالی و حسابداران در هتل بین‌المللی لاله تشکیل شد. در این سمینار «سیستمهای اطلاعاتی»، «نقش و جایگاه سیستمهای اطلاعات حسابداری»، «مفاهیم حاکم بر گزارشگری مالی»، «روش تهیه و تنظیم صورت‌های مالی» و «ضوابط و آثار حقوقی گزارشگری مالی» مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در پایان شرکت‌کنندگان نظرات و پرسشهای خود را در هر زمینه مطرح کردند که مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در این شماره گزارش کوتاهی از سمینار یادشده ارائه می‌شود.*

* روابط عمومی
انجمن حسابداران

خبره ایران



و مدیران مالی و حسابداران از برگزاری سمینار تشکر کرد. وی آنگاه طرح و اندیشه برگزاری سمینار را به آقای هوشنگ خستویی نسبت داد و از آقایان مصطفی علی‌مدد، نظام‌الدین ملک‌آرایی، عزیز عالی‌ور، علی‌اکبر جابری و محمد رنګچیان

سمینار درست در زمان پیشبینی شده کار خود را آغاز کرد. نخست آقای محمد شلیله مسئول برگزاری سمینار گزارش کوتاهی در باره نحوه برگزاری سمینار به جلسه ارائه کرد و از استقبال چشمگیر اعضای هیئت مدیره و مدیران عامل شرکتها

* متن کامل مقاله‌های ارائه شده به این سمینار ظرف ماههای آینده منتشر خواهد شد.



جعفری همکار کمیته انتشارات و روابط
عمومی انجمن و آقای علی اکبر حاجی
حسینی را ستود.

افتتاح سمینار

مسئول برگزاری سمینار پس از ارائه
گزارش خود از آقای هوشنگ خستویی
رئیس شورای عالی انجمن حسابداران
خبره ایران درخواست کرد که سمینار را
افتتاح کنند. آقای خستویی ضمن
خوشامدگویی به شرکت کنندگان در سخنان
کوتاه خود برگزاری این گونه سمینارها را در
راستای ارتقای دانش یا حتی مروری بر
دانسته های اعضای حرفه و آگاهی از
تحولات دانش حسابداری واجد اهمیت
فراوان دانستند. ایشان از استادانی که
دعوت انجمن را برای ارائه مقاله به سمینار
پذیرفته بودند قدردانی کردند و زحمات
برگزارکنندگان سمینار را ارج نهادند.

آقای خستویی در پایان از نهادهای
علمی و آموزشی و حرفه ای درخواست

ورق بزنید

گفتنی است با آنکه بر اساس تجربه سمینارهای پیشین انجمن،
انتظار می رفت که این سمینار با استقبال درخور توجهی روبه رو شود،
اما به خاطر برگزاری هر چه بهتر و کارآمدتر این سمینار، آن را برای
شرکت ۲۰۰ نفر پیشبینی کرده بودیم، در حالی که استقبال اعضای
حرفه برای شرکت در این سمینار، گردانندگان را بر آن داشت تا تعداد
شرکت کنندگان را به دو برابر تعداد پیشبینی شده افزایش دهند و
سرانجام تعداد شرکت کنندگان از این حد نیز فراتر رفت و گردانندگان
سمینار با گونه ای دشواری سرچشمه گرفته از تعداد افزون بر ظرفیت
شرکت کنندگان روبه رو شدند که به هر حال با یاری و همکاری
شرکت کنندگان سمینار با موفقیت نسبی برگزار شد. ●

رئیس و نایب رئیس شورای عالی و آقای
مجید میراسکندری دبیر انجمن در
برگزاری سمینار یاد کرد و کوششهای خانم
منیژه نفیسی مسئول ارتباطات سمینار،
آقای پرویز خوانساری طراح وسائل
بصری سمینار، خانم میترا مقدس زاده
مسئول حسابداری انجمن، آقای سعید

و هوشنگ خستویی به عنوان برنامه ریزان
علمی سمینار یاد کرد. وی همچنین
برگزاری سمینار را برخوردار از
پشتیبانیهای اعضای شورای عالی، کمیته
انتشارات و روابط عمومی و دبیرخانه
انجمن دانست و بویژه از یاریهای بیدریغ
آقایان هوشنگ خستویی، غلامرضا سلامی



مطالبم را در حوزه حسابداری و با مثالهایی از حسابداری بیان می‌کنم».

ایشان سخنرانی خود را با تحولاتی که در مفهوم و گستره سیستم در جهان کنونی روی داده است ادامه دادند، به توضیح سیستم در مفهوم امروزی آن پرداختند و سپس شباهت سیستمها را در مفهوم آن توصیف کردند و کوشیدند تا مفهوم به نسبت جامعتری از سیستم را به دست دهند و به این منظور به تشریح عملکرد و وظیفه سیستم، سلسه مراتب و مرز سیستم، سینرژی (Cynergy)، داد و ستد آن با محیط پیرامونی و آنتروپی پرداختند. توصیف طرز کار سیستم مبحث بعدی از سخنان آقای علی‌مدد بود که ضمن آن مدار فیدبک را در سیستم نیز تشریح کردند. ایشان بخش درخور توجهی از ادامه بحث را به بررسی مبانی نظری سیستمهای اطلاعاتی اختصاص دادند و سپس بررسی سازمان را به‌عنوان یک سیستم مورد توجه قرار دادند و کاربرد کامپیوتر را در سیستمهای



مصطفی علی‌مدد

کمی دقیقتر بیان کنم. البته چون در جمع حسابداران هستیم و لاقلاً اغلب شما حسابدار هستید و من هم حسابدار هستم

کردند که به جریان گسترش آموزشهای حرفه‌ای بپیوندند و از این راه در ارتقای حرفه بکوشند.

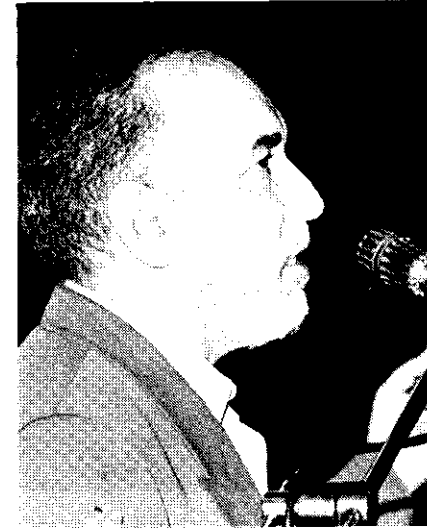
جلسه اول

سخنران نخستین جلسه سمینار آقای مصطفی علی‌مدد پژوهشگر و استاد حسابداری بودند که به بررسی موضوع «سیستمهای اطلاعاتی» پرداختند و مفاهیم بنیادی این مقوله را با نظمی منطقی بر بنیاد چارچوبهای علمی مربوط توضیح دادند. آقای علی‌مدد موضوع سخنرانی خود را این‌گونه معرفی کردند: «سعی می‌کنم با توضیحاتی مختصر در باره سیستم و سیستم اطلاعاتی معنای این دو اصطلاح را

اطلاعات حسابداری و پردازش اطلاعات مربوط بر رسیدند. ایشان در پایان به اطلاعاتی که سیستمهای حسابداری در نقش سیستم اطلاعاتی یا سیستم اطلاعات مدیریت باید فراهم کنند نیز اشاره‌ای کردند.



آقای نظام‌الدین ملک‌آرایی رئیس مرکز



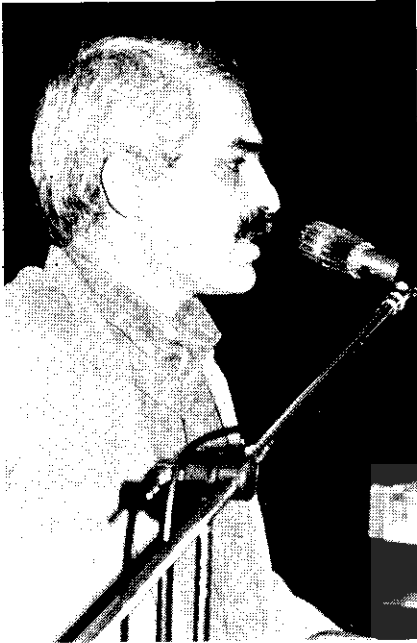
نظام‌الدین ملک‌آرایی

تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی و استاد حسابداری دانشگاهها دومین سخنران روز نخست سمینار بودند که «نقش و جایگاه سیستمهای حسابداری» را مورد بحث و بررسی قرار دادند. ایشان بحث خود را چنین آغاز کردند: «... اگر امروز ما تأسف گذشته را می‌خوریم و خودمان را با دیگر کشورهایی که پیشرفت

می‌کنند و در دنیا آقای می‌کنند مقایسه می‌کنیم دلیلی جز کمبود دانش فنی و آموزش فعال ندارد. آماری که امروزه یونسکو و سایر مراجع بین‌المللی منتشر می‌کنند، توسعه کشورهای پیشرفته را در دانش فنی، آموزش فعال و به‌طور کلی در سرمایه اطلاعاتی می‌دانند». آقای ملک‌آرایی نخست به تقسیم‌بندی مؤسسات ایران در چارچوب قوانین مربوط پرداختند، سپس اهمیت حسابداری را در واحدهای اقتصادی تشریح کردند و بخش درخور توجهی از بحث خود را به تعریف سیستم حسابداری، برشمردن انواع سیستمهای حسابداری، اجزای سیستم حسابداری، طرح و تدوین سیستمهای حسابداری و گردش اطلاعات در سیستمهای حسابداری اختصاص دادند. ایشان در بخش بعدی سخنان خود که موضوع آن سیستم کنترل داخلی بود ضمن به دست دادن تعریفی از کنترل داخلی، ویژگیهای سیستمهای کنترل داخلی را نیز برشمردند. آقای ملک‌آرایی در پایان مسئولیتهای تهیه‌کنندگان گزارشهای مالی و مدیران در این مورد و در استفاده از گزارشهای مالی را مورد توجه و تأکید قرار دادند.



آخرین سخنران روز نخست سمینار آقای عزیز عالی‌ور استاد و پژوهشگر حسابداری بودند که مفاهیم حاکم بر گزارشگری مالی را بررسیدند. آقای عالی‌ور با نگرش به سیستم حسابداری به عنوان



عزیز عالی‌ور

سیستمی اطلاعاتی و در پیوند منطقی با سخنرانیهای آقایان علی‌مدد و ملک‌آرایی در ورود به بحث خود گفتند: «در سیستمهای اطلاعات حسابداری هم بر شناسایی رویدادهای مالی که ورودی سیستم به حساب می‌آیند و هم بر پردازش اطلاعات ورودی و هم بر نحوه ارائه گزارشهای مالی که خروجی سیستم موضوع بحث ما به‌شمار می‌رود یک سری قواعد، ضوابط، میثاق، روش، اصول، فرض... حاکم است که به آنها «مفاهیم حاکم بر گزارشگری مالی» می‌گویند».

ایشان سخنرانی خود را در دو بخش «ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی» و «مفروضات و اصول حاکم بر صورتهای مالی» ارائه کردند که در بخش نخست به تفصیل به بررسی مربوط بودن، قابلیت اتکا، قابلیت اندازه‌گیری و قابلیت مقایسه اطلاعات مالی پرداختند و در بخش دوم ورق بزنید



محمد رنگچیان

نخست مفروضات حسابداری دربرگیرنده فرض تفکیک شخصیت، فرض تداوم فعالیت، فرض واحد اندازه گیری، فرض دوره مالی و فرض تعهدی را بررسی‌دند و اصول حسابداری شامل: اصل بهای تمام شده تاریخی، اصل شناخت درآمد، اصل تطابق هزینه‌ها با درآمد و اصل افشا را مورد بررسی قرار دادند و در پایان اصول محدودکننده حسابداری دربرگیرنده اصل اهمیت و اصل محافظه کاری را مورد توجه قرار دادند.

در پایان سومین جلسه نخستین روز سمینار سخنرانان این روز ضمن بررسی نظرات شرکت‌کنندگان به پرسشهای آنان در مورد سخنرانیهای ایراد شده پاسخ گفتند.

جلسه چهارم

دومین روز سمینار با سخنرانی آقای محمد رنگچیان وکیل دعاوی و مشاور حقوقی آغاز شد. موضوع سخنرانی ایشان «ضوابط و آثار حقوقی گزارشگری مالی» بود. آقای رنگچیان در آغاز گفتند «تهیه و ارائه صورتهای مالی تنها به شرکتهای سهامی ارتباط ندارد، اما ماهیت شرکتهای سهامی و حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث، به تهیه و ارائه صورتهای مالی در این‌گونه شرکتهای اهلیت بیشتری بخشیده است. به‌نحوی که قانونگذار خصوصاً در اصلاحیه سال ۱۳۴۷ قانون تجارت مواردی را به صورت پراکنده و

تقسیم حداقل ۱۰٪ از سود قابل تقسیم بین سهامداران و مقررات همانند در قانون تجارت پرداختند و در ادامه بحث خود مقررات جزایی پیشینی شده در قانون تجارت را در صورت رعایت نکردن مقررات این قانون مورد توجه قرار دادند. افزون بر این مقررات مربوط به بی‌اثر و بی‌اعتبار شدن تصمیمات مجامع عمومی در صورت رعایت نشدن مقررات قانون تجارت را برشمردند. همچنین بازتاب چگونگی تهیه و تنظیم و ارائه صورتهای مالی در اجرای مقررات قانون تشکیل بورس و اوراق بهادار و از جمله مقررات مربوط به پذیرش سهام شرکتهای در بورس اوراق بهادار را بررسی کردند. آقای رنگچیان در بخش دیگری از صحبت‌های خود به مروری بر قانون تأسیس و اساسنامه سازمان حسابرسی و بازتاب آن بر تنظیم و ارائه صورتهای مالی پرداختند.

غیرمنسجم در زمینه تهیه صورتهای مالی و ارائه آن پیشینی کرده است. در واقع به‌نظر می‌رسد تهیه صورتهای مالی از جمله مکانیسمهایی است که سبب می‌شود به تحقق هدفهای پیشگفته در مورد حفظ حقوق سهامداران و اشخاص ثالث کمک کند». سخنران سپس به مقرراتی از قانون تجارت که از فحوای آنها میتوان نظر قانون تجارت را در مورد تهیه صورتهای مالی برداشت کرد اشاره کردند. ایشان سخنان خود را با طرح این پرسش که آیا با بررسی مقررات قانون تجارت در مورد تهیه و ارائه صورتهای مالی باید این مقررات را امره، تکلیفی و الزامی تلقی کرد یا اختیاری ادامه دادند و افزودند که از بررسی این قانون برمی‌آید که تهیه و تنظیم صورتهای مالی و رعایت ضوابط مربوط جنبه الزامی و امره دارد. آقای رنگچیان در ادامه مسئولیت تهیه صورتهای مالی را از نظر قانون بررسی کردند و آن را صرفاً و قطعاً از مسئولیتهای اعضای هیئت مدیره و در درجه بعد به تسامح از مسئولیتهای مدیران عامل دانستند. ایشان سپس به بررسی مقررات مربوط به زمان ارائه صورتهای مالی، رعایت یکنواختی در تهیه صورتهای مالی،

جلسه پنجم

آخرین جلسه سمینار به بررسی «روش تهیه و تنظیم صورتهای مالی» اختصاص داشت که به وسیله آقای علی اکبر جابری از مدیران حسابرسی سازمان حسابرسی مورد بررسی قرار گرفت. ایشان بحث خود را در چهارچوب شرایط تهیه و تهیه‌کنندگان و مراحل تهیه صورتهای مالی ارائه کردند. در بخش نخست مدارک و اطلاعاتی را که باید قبل از اقدام به تهیه



هوشنگ خستویی

همکاری صمیمانه‌شان در برگزاری سمینار پایان یافت.

ارزیابی سمینار از نظر شرکت‌کنندگان:

برای آگاهی از نظرات شرکت‌کنندگان و ارزیابی آنان از دستاوردهای سمینار پرسشنامه‌ای در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت که در آن درخواست شده بود به پرسشهای آن پاسخ دهند. از میان شرکت‌کنندگان ۲۳۳ نفر یعنی نزدیک به ۵۲ درصد آنان پرسشنامه را تکمیل کردند. یافته‌های بررسی پاسخ شرکت‌کنندگان در جدول زیر ارائه شده است.

ورق بزنید

سخنرانیهای دیگر این سمینار به بررسی جنبه‌های عملی تهیه و تنظیم صورتهای مالی اختصاص داشت و بیشتر زمان دومین روز سمینار را به خود اختصاص داد.

پس از سخنرانی آقای جابری سخنرانان هر دو روز سمینار نظرات، ابهامها و پرسشهای شرکت‌کنندگان را در مورد مسائل مطرح شده در سمینار مورد بحث قرار دادند ولی به‌رغم پیشبینی ۲/۵ ساعت زمان برای این منظور، بررسی و ارائه پاسخ به بسیاری از پرسشها امکانپذیر نشد.

آقای هوشنگ خستویی نیز در زمینه بررسی نظرات و پاسخ به پرسشهای شرکت‌کنندگان سمینار را یاری کردند. ایشان در پایان این جلسه از استادان سخنران به‌خاطر قبول دعوت انجمن حسابداران خبره ایران قدردانی کردند و همکاری ایشان را ارج نهادند.

قبل از پایان آخرین جلسه سمینار آقای غلامرضا سلامی طی بیاناتی کوتاه ضرورت تشکیل حسابداران را یادآور شدند و آمادگی انجمن حسابداران خبره ایران را در این زمینه یادآور شدند.

سرانجام آقای نظام‌الدین ملک‌آزایی از سوی ارائه‌کنندگان مقاله به سمینار، از انجمن حسابداران خبره ایران و شورای عالی انجمن و مسئولان برگزاری سمینار به‌خاطر برگزاری این‌گونه گردهماییها که می‌تواند نقش چشمگیری در اعتلای حرفه داشته باشد سپاسگزاری کردند و توفیق انجمن را در این باره و در راه انتشار ماهنامه حسابدار خواستار شدند.

سمینار با تشکر و قدردانی مسئول برگزاری سمینار از شرکت‌کنندگان به‌خاطر



علی‌اکبر جابری

صورتهای مالی فراهم شود برشمردند و در بخش دوم ویژگیها و تواناییهای تهیه‌کنندگان صورتهای مالی را ارائه کردند. آقای جابری در بخش سوم از بررسیهای خود به بررسی مراحل تهیه صورتهای مالی پرداختند و به تفصیل نحوه افشای اهم رویدادهای حسابداری و اطلاعات مربوط به فروش یا درآمد حاصل از خدمات را بررسی‌کنند و نحوه محاسبه بهای تمام شده کالای فروش رفته و خدمات ارائه شده، شیوه افشای هزینه‌های اداری و عمومی و سایر درآمدها و هزینه‌ها را تشریح کردند. ایشان سرانجام به بحث و بررسی در زمینه نحوه تهیه صورتحساب سود و زیان و اصلاح اشتباهات سنوات قبل و اصلاح و ارائه مجدد آنها پرداختند و بخش پایانی بحث خود را به نحوه تهیه صورت گردش وجوه نقد اختصاص دادند.

سخنرانی آقای جابری برخلاف

یافته‌های بررسی ارزیابی شرکت‌کنندگان

در باره

سمینار مبانی علمی، عملی و حقوقی تهیه صورتهای مالی

(ارقام: درصد)

ارزیابی دستاوردهای سمینار	بسیار خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف
	۱۴	۵۷	۲۴	۵
مقایسه با سمینارهای دیگر	بسیار سودمندتر	نسبتاً سودمندتر	در همان حد	ضعیف‌تر
	۱۹	۴۳	۳۳	۵
نحوه ثبت‌نام	بسیار خوب	خوب	نسبتاً خوب	ضعیف
	۵۶	۴۲	۲	۰
نحوه اداره سمینار		۳۶	۵۰	۲
محتوای سخنرانیها (به‌طور کلی)		۴۲	۴۲	۲
نحوه ارائه سخنرانیها (به‌طور کلی)		۳۷	۴۵	۴

کاملاً مناسب نسبتاً مناسب نامناسب

طول مدت سمینار	۴۴	۵۱	۵
محل برگزاری سمینار	۴۰	۳۸	۲۱
آیا بطور کلی از این سمینار راضی بودید	بلی ۹۰	خیر ۱۰	

مورد انتقاد از سمینار، پرشماره‌ترین انتقادات پذیرش تعداد افزون بر ظرفیت شرکت‌کنندگان (۱۱ مورد) و نامناسب بودن صندلیها (۶) مورد بود. اما انتقاد دیگری که به رغم این‌که تنها دو نفر به آن اشاره کرده بودند واجد اهمیت فراوان بود، استفاده چند نفر از یک لیوان برای آشامیدن آب بود. تعداد درخور توجهی بخش اظهارنظر آزاد پرسشنامه خود را به

در بخشی از پرسشنامه از شرکت‌کنندگان خواسته شده بود چنانچه افزون بر آنچه در پرسشنامه از آنان خواسته شده نظری دارند مرقوم دارند. اکثریت پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، این قسمت را تکمیل کرده بودند که بررسی نظرات آنان در این بخش، سه گونه اظهارنظر، شامل انتقاد از سمینار، تشکر از برگزارکنندگان و ارائه پاره‌ای پیشنهادها را دربر می‌گرفت. از مجموع ۴۸

تشکر از انجمن حسابداران خبره ایران، به‌خاطر احساس مسئولیت حرفه‌ای اختصاص داده بودند (۲۷ نفر) و از مجموع ۶۲ پیشنهاد به سمینار، پرشماره‌ترین پیشنهاد به تهیه خلاصه مقاله‌ها و ارائه آنها به شرکت‌کنندگان اختصاص داشت (۱۶ مورد)، و در درجه بعد ارائه پیشنهادهایی در زمینه مدت سمینار بود (۱۰ مورد) که برگزاری سمینار را در مدت ۳ روز و هر روز از صبح تا ظهر توصیه کرده بودند. بقیه انتقادات و پیشنهادها بیش از ۱ تا ۳ بار تکرار نشده بود.

یادآوری می‌نماید که انجمن همواره اظهارنظرهای شرکت‌کنندگان در سمینارها و انتقاد از سایر کوششها و فعالیتها را بدقت بر می‌رسد و این گونه اظهارنظرها را اعم از پرشماره و کم‌شماره با وسواس بسیار در برنامه‌ریزیهای بعدی خود مورد توجه قرار می‌دهد.

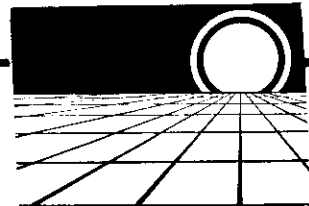
تسلیت

اعضای گرامی ما،

سرکار خانم سیما سالم و جناب آقای مرتضی احمدی شیرازی پدر گرامی‌شان را، آقای بهرام کلانترپور عموی عزیزشان را و جناب آقای نجفیان برادر محترمشان را از دست داده‌اند.

مصیبت وارده را به نامبرندگان تسلیت می‌گوئیم و برای ایشان و خانواده محترمشان صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم.

شورا، سردبیر و اعضای انجمن



سیستم حسابداری محاسب

امروزه با گسترش حجم معاملات و مبادلات بازرگانی و تجاری ، امور حسابداری و محاسبات مربوط به در آمد و هزینه با وسعت زیادی روبروست که احتیاج به دقت عمل و سرعت بالایی دارد. در این راستا و با توجه به نیاز مدیران و حسابداران به ابزاری سریع و پرقدرت ، شرکت رایانگان فردا اقدام به ارائه نرم افزار حسابداری **محاسب** با قابلیت‌های بالا و مشابه با روشهای جاری حسابداری نموده است ، بطوریکه استفاده کنندگان از آن بتوانند بدون نیاز به آموزشهای خاص با استفاده از دانش کاری خود از امکانات کامپیوتر کمال بهره را ببرند.

مشخصات

سهولت و سادگی کار : در سیستم **محاسب** کلیه امکانات از طریق منو در اختیار کاربر قرار می گیرد. همچنین راهنمای کاملی از کلیه امکانات و پیغامهای خطای نرم افزاری و سخت افزاری و طریقه نصب در اختیار استفاده کننده قرار دارد.

آموزش رایگان : همراه با سیستم **محاسب** تمام مراحل کار حسابداری با کامپیوتر از صدور سند تا تهیه کلیه دفاتر و گزارشات آموزش داده می شود.

رعایت مسائل امنیتی: سیستم **محاسب** دارای رمز ورود و رمز عبور برای اصلاح سندهای ایجاد شده می باشد. اسنادی که ثبت دفاتر قانونی (دفتر پلمب شده) شده باشند بعد از اعلام ثبت به هیچ عنوان قابل اصلاح نیستند.

تعریف سرفصلها : کدگذاری کلیه سرفصلهای موجود در سیستم مالی شرکت در سه سطح (کل ، معین ، تفصیلی) توسط کاربر قابل تعریف است . همچنین **محاسب** امکان تفکیک کدهای تعریف شده را به کدهای هزینه و درآمد و سود و زیان جهت تهیه گزارشات سود و زیان فراهم می آورد.

سند حسابداری: در سیستم **محاسب** چهار نوع سند حسابداری متفاوت پیش بینی شده است .
۱- صدور سند معمولی : سند حسابداری به گونه ای مشابه با روش دستی وارد ماشین می گردد.
۲- سند مرکب : ضمانت سند وارد ماشین شده و سند حسابداری از آن تولید می شود. ۳- سند با مبلغ ارزی : علاوه بر مبلغ ریالی ، مبلغ ارزی نیز وارد و نگهداری می شود. ۴- سند مرجع : عملکردهای مربوط به یک پروژه توسط کد مرجع دسته بندی می شود.

گزارشات و دفاتر قانونی : گزارشات **محاسب** هم روی صفحه نمایش (۱۳۲ کاراکتر در یک خط) و هم روی چاپگر در دو سایز (معمولی و فشرده) تهیه می گردد و شامل انواع متفاوت : گزارشات از دفاتر ، گزارشات از تراز (کل ، معین و تفصیلی) ، گزارشات سود و زیان (ریز عملکرد و تراز) ، گزارش قابل تعریف توسط استفاده کننده ، گزارش عملکرد پروژه های تعریف شده در شرکت و گزارش از حسابهای ارزی می باشد.

عملیات پایان سال: در پایان هر سال برای بستن حسابهای شرکت می توان از امکانات تهیه سند سود و زیان ، تهیه اسناد افتتاحیه و اختتامیه ، انتقال کدهای مالی و ایجاد سال مالی جدید استفاده نمود.

امکانات جانبی : رفع اشکالات حاصل از قطع ناگهانی کامپیوتر ، تهیه فایل‌های پشتیبانی ، برگرداندن فایل‌های پشتیبانی در صورت نیاز ، تعویض کد رمز و تصحیح اسناد توسط استفاده کننده در برنامه **محاسب** پیش بینی شده است .

پشتیبانی فنی : کارشناسان شرکت رایانگان فردا در تمامی روزهای هفته و حتی روزهای تعطیل آمادگی راهنمایی و ارائه خدمات پشتیبانی را دارند.

تهران ضلع شمالغربی پل سیدخندان خیابان شقایق شماره ۲ طبقه ۲
تلفن : ۰۲۰۹۵۰۶ - ۰۲۰۹۱۸۰ . تلفن و فاکس : ۰۲۰۹۱۸۰

شرکت کامپیوتری رایانگان فردا

اخبار انجمن

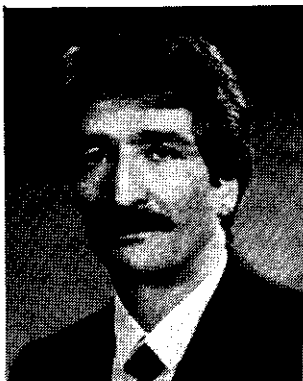
طبق اطلاع دبیرخانه
انجمن، اسامی و
مشخصات اعضای
جدید به شرح زیر است:



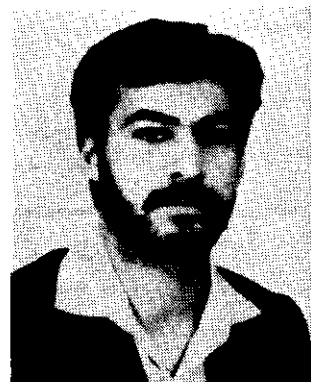
۱۸۰۱- حمید
طبایی زاده فشارکی
شرکت توسعه
وسرمایه‌گذاری غرب کشور



۱۸۰۴- سیمین دخت
میردامادی
شرکت ملی فولاد



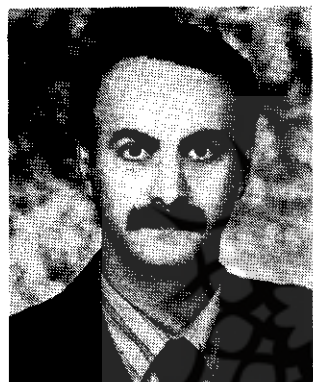
۱۸۰۶- سیدمحمد
بهیانی
مؤسسه حسابرسی
پروسیس



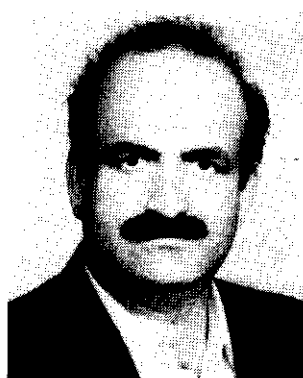
۱۷۹۹- اکبر موسوی
داور
سازمان حسابرسی



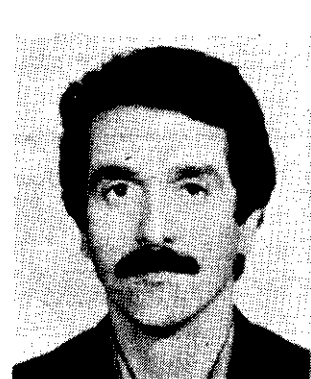
۱۸۰۲- حمید
باغدوست
کمیته امداد امام
خمینی



۱۸۰۵- محمدرضا
آرون
حسابرسی و خدمات
مدیریت آب و برق



۱۸۰۷- شعبانعلی
قلی زاده طوسی
پروژه‌های ساختمانی
بانک صنعت و معدن



۱۸۰۰- قاسم روچی
سازمان حسابرسی



۱۸۰۳- بهروز خالق
ویردی
مؤسسه حسابرسی
دش و همکاران

● اعضای انجمن از شماره ۱۸۰۸ تا ۱۸۱۹ در
شماره قبل معرفی شده‌اند. بدین وسیله از اعضای یاد
شده (از شماره ۱۷۹۹ تا ۱۸۰۷) که باید در شماره
قبل معرفی می‌شدند، پوزش می‌طلبیم - دبیرخانه.



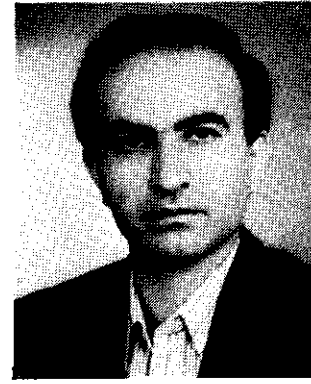
۱۸۳۰- شهره شهبلائی
سازمان حسابرسی



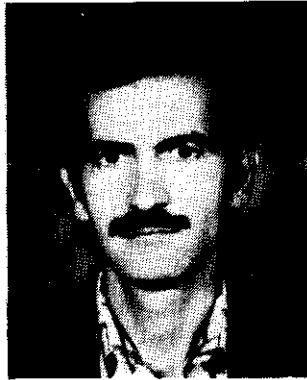
۱۸۲۷- غلام شاهری
سازمان حسابرسی



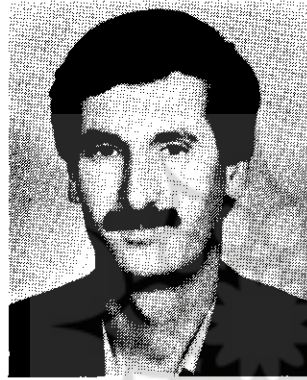
۱۸۲۳- فلورا کریمی
سازمان حسابرسی



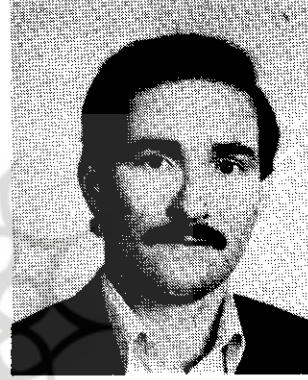
۱۸۲۰- داریوش
حسینی سفیدانی
فراهانی
سازمان حسابرسی



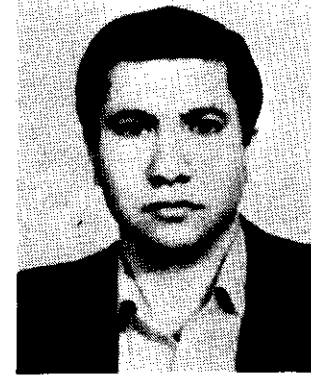
۱۸۳۲- منوچهر
خلیلی
شرکت پارس خودرو



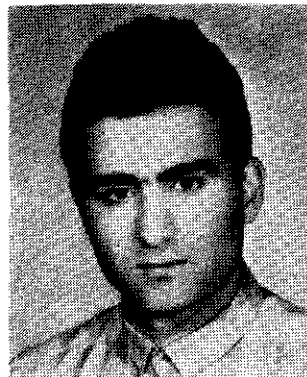
۱۸۲۸- حسن کهندل
شرکت بازرگانی
شیمیکو



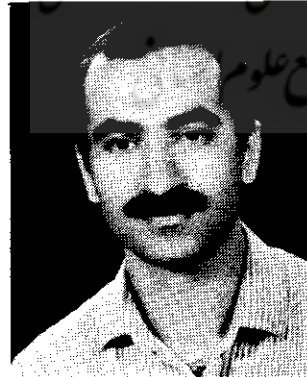
۱۸۲۴- مجید طلائی
پاشیری
شرکت ایران کاوه



۱۸۲۱- عبدالرحیم
ماپار
سازمان آب و برق
خوزستان



۱۸۳۳- علی اصغر
حکیم زاده
شرکت پارس خودرو



۱۸۲۹- محمود
خستوان
دانشگاه آزاد اسلامی



۱۸۲۵- محمد حسین
بدخشانی
دفتر آقای خدایی

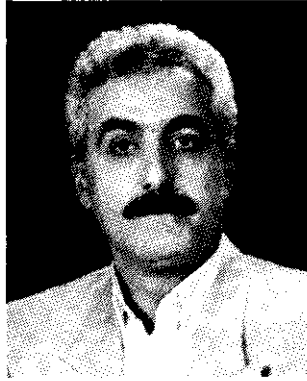


۱۸۲۲- محمد بهنام
دایی مؤدهی
سازمان حسابرسی

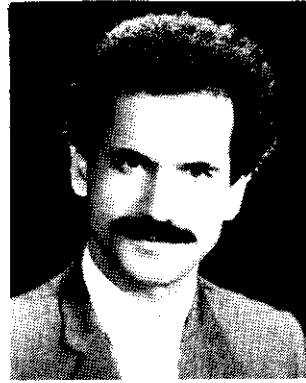
ورق بزیند



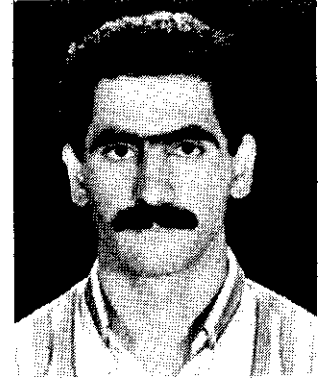
۱۸۴۳- سیدعلی
 اخوان قدکی
 شرکت بازرگانی
 آموزش ایران



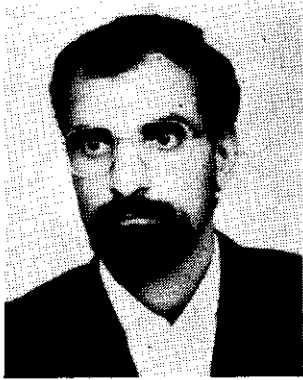
۱۸۴۰- محمدرضا
 تحریری وثیقی
 شرکت ساختمانی
 ایران جبرده



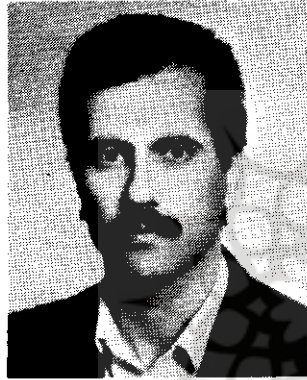
۱۸۳۷- علی اصغر
 صالحیان
 سازمان حسابرسی



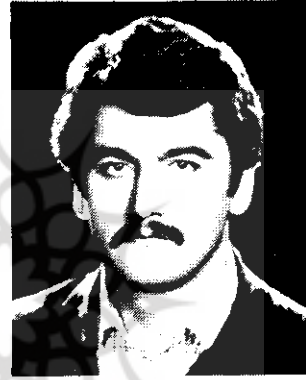
۱۸۳۴- شهریار آذری
 سامانی
 سازمان حسابرسی



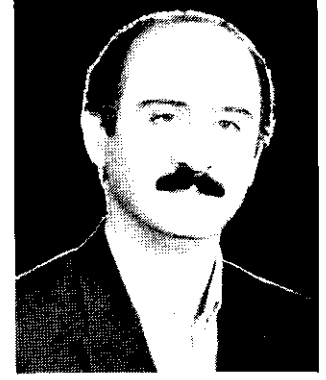
۱۸۴۴- جهانگیر
 دوانی زاده
 کارخانجات کاشی و
 سرمایه‌یک حافظ



۱۸۴۱- فریدون
 ولی بیک
 شرکت توسعه
 وکشت دانه‌های روغنی



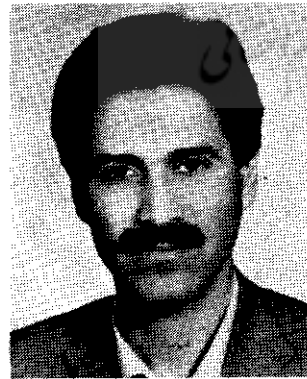
۱۸۳۸- حسن
 منوچهری فرد
 سازمان حسابرسی



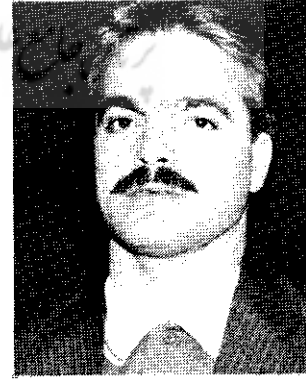
۱۸۳۵- حسین
 شاهوردی
 شرکت پوشینه بافت



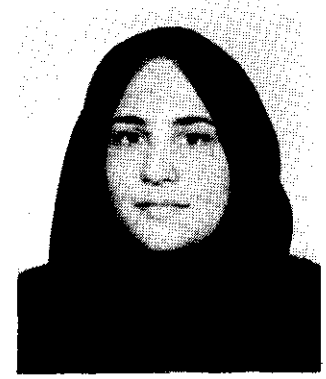
۱۸۴۵- زهرا
 مطلب زاده
 سازمان حسابرسی



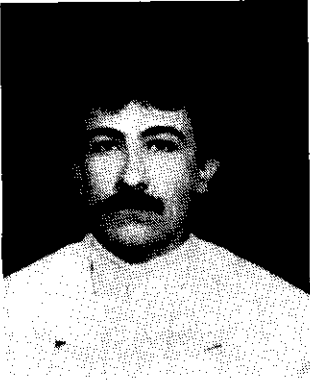
۱۸۴۲- مجتبی
 بازرگانی
 دفتر آقای خدایی



۱۸۳۹- اکبر
 حجازی نیا
 سازمان حسابرسی



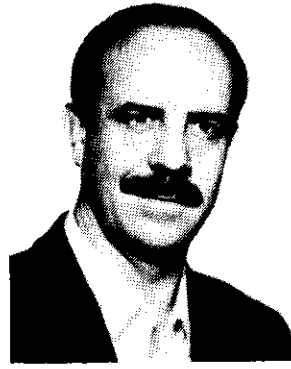
۱۸۳۶- شادان لاهوتی
 مؤسسه حسابرسی
 آگاهان و همکاران



۱۸۵۵ - علیرضا
شریفی
شرکت تولید
فرآورده‌های شیمیایی ایران



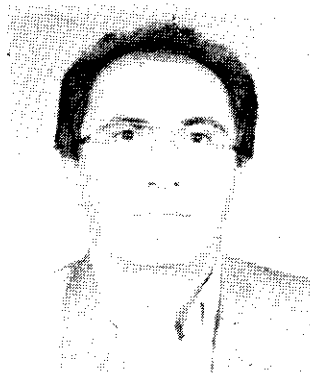
۱۸۵۲ - کیخسرو
یزدانی
وزارت امور اقتصادی
و دارایی



۱۸۴۹ - ناصرعلی
یاوری
وزارت امور اقتصادی
و دارایی



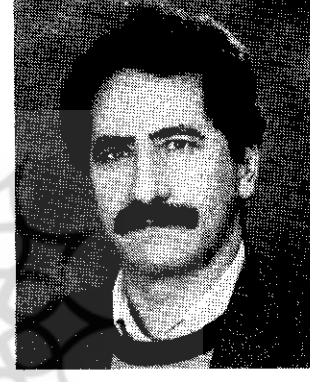
۱۸۴۶ - محمد کریم
کولجی
شرکت حسابرسی
و خدمات مدیریت آب و برق



۱۸۵۶ - مسعود آذر
بهرام
شرکت بازرگانی
پارس شید



۱۸۵۳ - عباس اعظمی
سازمان حسابرسی



۱۸۵۰ - پاشا رامک
مؤسسه طرح و
توسعه سیستمها



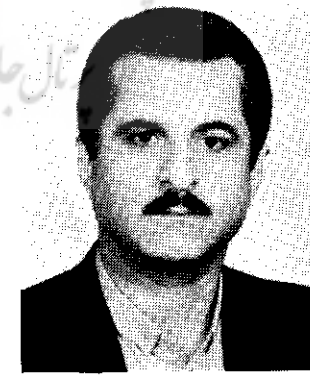
۱۸۴۷ - فرهاد
فرزین نیا
وزارت پست و تلگراف



۱۸۵۷ - علی اکبر
اسماعیلی
شرکت قند نقش جهان



۱۸۵۴ - شهرام
خوانساری
شرکت سهامی عام
ساسان



۱۸۵۱ - علی اکبر
کاظمی نوری
شرکت سهامی برق
منطقه ای گیلان



۱۸۴۸ - محمد
میرآفتابزاده
سازمان حسابرسی



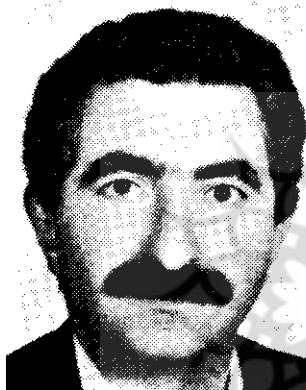
● غلامرضا بیژن زاهدی
سازمان حسابرسی

تغییرات حسابداران مستقل

● نام اعضای زیر در لیست
حسابداران مستقل قرار گرفت:



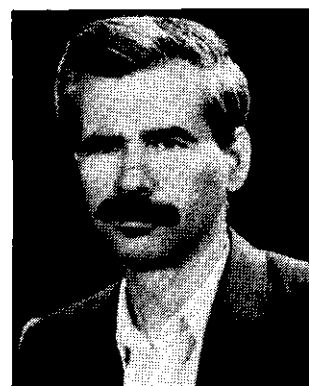
● همایون مشیرزاده
مؤسسه حسابرسی
رایمند



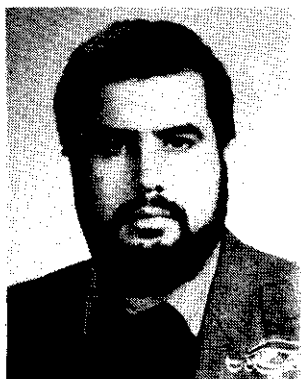
نریمان ایلخانی
شرکت راهبرد ارقام



ایرج پورحسین اکبریه
سازمان صنایع ملی ایران



۱۸۵۸ - محمدعلی
معمتمدی
سازمان حسابرسی



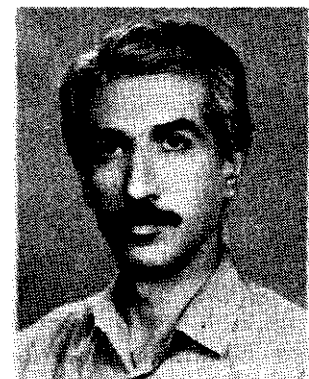
● محمود گلرخی
مؤسسه حسابرسی
سیستم یار



مصطفی دیلمی پور
دانشگاه تهران



فریده شیرازی
مؤسسه حسابرسی آگاهان و
همکاران



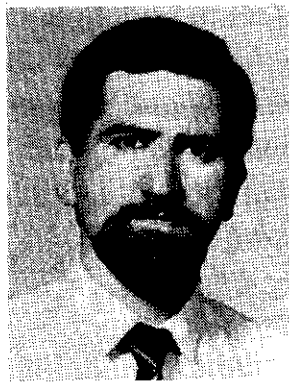
۱۸۵۹ - حسین
حریری
سازمان حسابرسی

○ اعضای جدید انجمن با عنوان

«حسابدار مستقل»:



۱۸۳۱- مصطفی
جان نثاری
سازمان حسابرسی



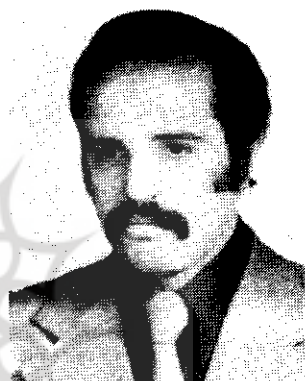
۱۸۲۶- محمدتقی
منصوری راد
سازمان حسابرسی



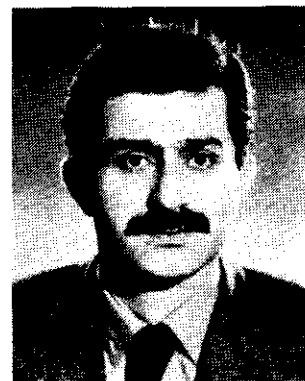
● محمد باقر محمدی
مؤسسه حسابرسی
آزمون



● محمدتقی
سلیمان نیا
مؤسسه حسابرسی
همیار حساب



● حسن اسمایی
شرکت حسابرسی
نیرو



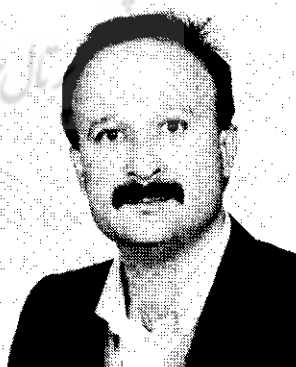
● حبیب جامعی
مؤسسه حسابرسی
امیم

● حسابداران مستقل قدیمی که به دلیل عدم اشتغال تمام وقت به کار حسابرسی، قبلاً به میل خود از لیست حسابداران مستقل خارج شده بودند، با توجه به تغییرات اساسنامه، مجدداً به لیست حسابداران مستقل پیوسته اند:



● رسول محمدی
سالک
شرکت صنایع
آب معدنی مازندران

● ایرج نیک نژاد
شرکت یزدیاف



● جمشید فراروی
مؤسسه حسابرسی
آگاهان و همکاران



● عباس امینی
سازمان حسابرسی

مقررات ورشکستگی

مؤسسات بیمه و صدور حکم دادگاه، که در تجارت و اقتصاد کشور تاثیر خواهد گذاشت جلوگیری شود و با نظارت و اشرافی که بیمه مرکزی ایران بر مؤسسات بیمه دارد و همچنین تخصصی بودن امور بیمه، بیمه مرکزی ایران در نظریه خود با دادن اطلاعات لازم دادگاه را ارشاد کند و از بروز لغزشهای احتمالی ممانعت نماید و در صورت اجتناب ناپذیر بودن ورشکستگی، امر تصفیه رأساً یا با معاونت و راهنمایی بیمه مرکزی ایران که از خبرگی لازم برخوردار است انجام گردد.

۲ - برابر ماده ۳۲ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶/۲/۷: «در صورت ورشکستگی بیمه‌گر، بیمه‌گذاران نسبت به سایر طلبکاران حق تقدم دارند و بین معاملات مختلف بیمه در مرحله اول حق تقدم با معاملات بیمه عمر است.»

نظر به اینکه تاریخ تصویب قانون تصفیه امور ورشکستگی مؤخر بر تصویب قانون بیمه است به نظر می‌رسد که ماده ۳۲ قانون بیمه نسخ ضمنی شده باشد و بیمه‌گذاران فرقی با سایر طلبکاران تاجر ورشکسته نداشته باشند و از حق تقدم مندرج در ماده استفاده نمی‌کنند، گو اینکه نظر مخالف هم با این استدلال که قانون بیمه نسبت به قانون تصفیه امور ورشکستگی قانون خاص شمرده می‌شود و عام موجب نسخ خاص نمی‌گردد، می‌تواند طرفدار داشته باشد.

در ارتباط با قانون کار:

به موجب ماده ۲۴ قانون کار مصوب ۱۳۳۷: «مزدکارگران در عداد دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تامین و پرداخت شود.» گرچه این ماده اشاره‌ای به حالت ورشکستگی کارفرما ندارد ممکن است

عده‌ای را عقیده بر این باشد که در صورت ورشکستگی کارفرما نیز حکم ماده مبنی بر تقدم طلب کارگر و ممتازه بودن آن نافذ و لازم‌الرعایه خواهد بود. نگارنده این نظر را نمی‌پسندد و معتقد است که برای تسری حکم ماده به ورشکستگی صراحت قانونی لازم است که وجود ندارد. با این حال، برای اطلاع طرفداران نظریه اول اضافه می‌شود که در سال ۱۳۶۹ قانون کار جدید به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و در ماده ۲۰۰ آن کلیه قوانین مغایر ملغی شناخته شده است و به واسطه عدم ملاحظه مغایرت بین قانون اخیر و ماده ۲۴ مذکور می‌بایست آن را دارای اعتبار قانونی دانست.

توقیف دعاوی مربوط به شخص ورشکسته:

در ماده ۱۲ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آیین دادرسی مدنی و الحاق موادی به آن، حکمی آمده است که عیناً نقل می‌شود: «به محض صدور حکم توقف، کلیه دعاوی مربوط به شخص متوقف طبق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی توقیف و مراتب به اداره تصفیه از طرف دادگاه اعلام می‌شود. جریان مجدد دعوی موکول به فسخ حکم توقف یا تقاضای اداره تصفیه یا با شرایط زیر به تقاضای خواهان است. کسانی که علیه متوقف قبل از صدور حکم توقف اقامه دعوی کرده‌اند پس از توقیف دادرسی باید به اداره تصفیه مراجعه و طبق مواد مربوط به تصفیه امور ورشکستگی ادعای خود را اظهار کنند و اداره تصفیه مکلف است با توجه به جریان دعوی و مستندات خواهان راجع به ادعا اظهار نظر نماید. در صورتی که اداره تصفیه دعوی را جزئاً یا کلاً رد نماید یا هرگاه طبق ماده

۴۶۸ قانون تجارت و مواد ۳۵ و ۳۶ قانون تصفیه با مدعی رفتار شود یا طلب نامبرده از طرف اداره تصفیه مورد تصدیق واقع نگردد در این صورت دادگاه به تقاضای خواهان و به طرفیت اداره تصفیه جریان دادرسی را ادامه می‌دهد.»

از مطالعه ماده این نتایج به دست می‌آید:

۱ - توقیف دادرسی ناظر به دعاوی ای است که قبل از صدور حکم توقف اقامه شده است.

۲ - توقیف دادرسی مربوط به دعاوی ای است که به طرفیت تاجر اقامه شده است و شامل دعاوی ای که تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی علیه دیگران اقامه کرده است نمی‌شود.

۳ - توقیف دادرسی ناظر به دعاوی مربوط به شخص ورشکسته است و تصریح به «شخص متوقف» از آن رو بوده است که دعاوی کسان متوقف و نظایر آن از شمول ماده خارج شود و جای بحث باقی نماند.

۴ - توقیف دادرسی منحصر به موازید است که تصفیه ورشکستگی تاجر به عهده اداره تصفیه است و شامل تصفیه عادی نمی‌شود.

۵ - دادگاه توقیف دادرسی را به اداره تصفیه اعلام می‌کند.

۶ - جریان مجدد دادرسی موکول است به: الف - فسخ حکم توقف ب - تقاضای اداره تصفیه ج - اینکه مدعیان پس از توقیف دادرسی باید به اداره تصفیه مراجعه و طبق مواد مربوط به تصفیه امور ورشکستگی (همچون هر بستانکار دیگر) ادعای خود را اظهار کنند و اداره مزبور با در نظر گرفتن مستندات و جریان دعوی راجع به ادعا اظهار نظر خواهد کرد. اگر ادعای خواهانها را پذیرفت فیها، و هرگاه دعوی را جزئاً یا کلاً رد کرد یا طلب را